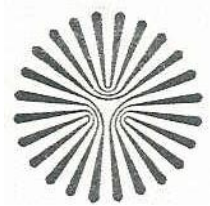


دانشگاه پیام نور

دانشکده هنر و معماری

تاریخچه و مکاتب تذهیب

تألیف: علی اصغر مقتدائی



دانشگاه پیام نور

انتشارات دانشگاه پیام نور

نام کتاب:	تاریخچه و مکاتب تذهیب
ناشر:	دانشگاه پیام نور
مؤلف:	علی اصغر مقتدائی
شمارگان:	۳۰۰۰
نوبت چاپ:	اول
قیمت:	

استفاده از مطالب و تصاویر این کتاب در هر اثر مکتوب بدون اجازه مؤلف پیگرد قانونی دارد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه:

انسان از دیرباز با هنرهای گوناگون آشنایی داشته و با کشیدن نقاشی و طراحی بر روی سنگ، سفال، فلز، چوب و سایر اشیاء، وسایل زندگی خود را تزئین می‌کرده و آثار هنری ارزشمندی را پدید می‌آورده است. هنر طراحی که پایه و اساس سایر هنرها گردیده سابقه طولانی داشته و در این راستا هنرمندان ادوار گذشته با کشیدن تصاویر حیوانات، شکار، طبیعت و اشیاء پیرامون خود بر دیواره غارها، تفکر و احساس درونی خود را بیان می‌کردند.

هنرمندان سرزمین کهن ایران، از گل خام، زیباترین ظروف و اشیاء را می‌ساختند و با نقوشی بسیار ساده، احساس درونی خود را به تصویر می‌کشاندند. شکوه و عظمت هنر ایرانی همواره زبانزد بوده و دستاوردهای هنرمندان اقوام مختلف هنوز هم معرف فرهنگ غنی این سرزمین است. کتیبه‌ها، نقش برجسته‌ها، نقش و نگارها و تزئینات روی اشیاء مختلف چون: سفال، سنگ، کاشی، فلز، چوب، کاغذ، قالی، پارچه و سایر هنرهای دستی، هر رهگذری را بر جایش می‌خکوب می‌کند و چند دقیقه‌ای به تأمل وادار می‌دارد. هنر ایران همان هنر غنی و پر بار دیرینه است که تا کنون برجای مانده و همچنان به رونق و اعتبار خود حیات دو باره می‌دهد.

هنرمند با به تصویر کشاندن شگفتی‌های خلقت و خلق آثار هنری از جنس فرهنگ و باورهای دینی‌اش، نه تنها به رضایت درونی می‌رسد بلکه فرهنگ و باورهای دینی خود را بخصوص در بین جوانان اشاعه داده و با

زبان هنر، بسیاری از حرف‌ها را بیان می‌کند. هنگامی که هنر رنگ سازندگی و تعهد به خود گیرد، نوری برای هدایت روشن فکرانه بشر می‌شود و خداجویی و عدالت را سرمشق زندگی انسان‌ها قرار می‌دهد.

علی اصغر مقتدائی

فهرست:

بخش اول

تاریخچه نقاشی و تزئینات در ایران ۷.

بخش دوم

تذهیب در اوایل دوران اسلامی ۲۴

بخش سوم

مکتب‌های تذهیب ۴۳

فصل اول: مکتب سلجوقی ۴۵

فصل دوم: مکتب ایلخانی ۵۰

فصل سوم: مکتب تیموری ۵۶

فصل چهارم: مکتب صفوی ۶۶

فصل پنجم: مکتب زند و قاجار ۷۵

فصل ششم: تذهیب در دوران معاصر ۷۷

بخش چهارم
مذهبان نامدار ۸۶

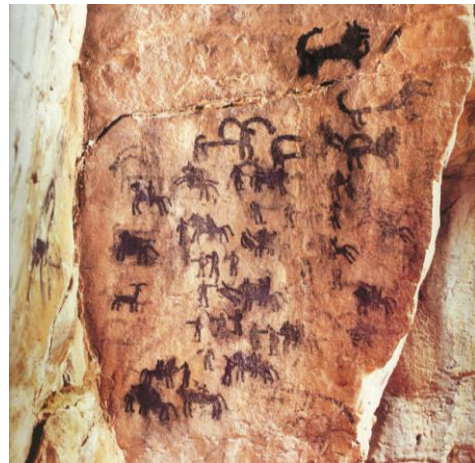
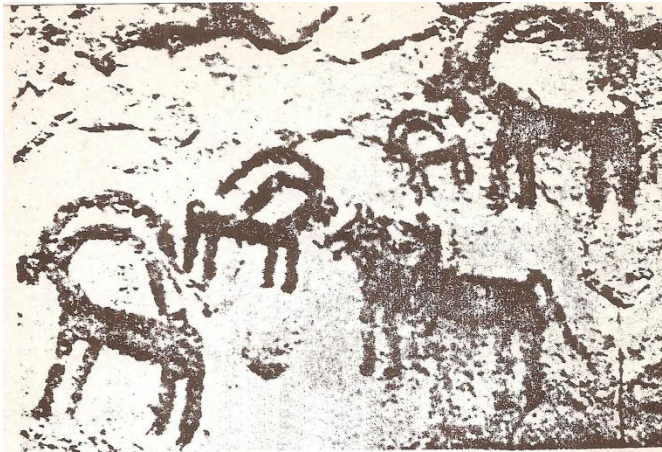
بخش اول

تاریخچه نقاشی و تزئینات در ایران

تاریخچه نقاشی و تزئینات در ایران

اولین آثاری که بتوان نام نقاشی بر آن‌ها نهاد، درغار دوشه لرستان و با حدود هشت تا ده هزارسال قدمت به دست آمده است. نمونه‌هایی از این نگاره‌ها، هنوز هم بر دیواره غارهای دوشه و میرمیلاس در استان لرستان موجود است. این نگاره‌ها شامل تصاویری از نقوش هندسی و شکسته، انسان و حیوان در حالت‌های مختلف شکار و جنگ و نبرد می‌باشند. طرح‌ها و نقش‌های ترسیم شده بر دیواره غارهای لرستان اگر چه از نظر قدمت و تکامل به

پای نقوش غارهای لاسکو در فرانسه و آلتامیرا در اسپانیا نمی‌رسد، اما از نظر مطالعه روحیه‌ای بر روی هنر باستانی، روابط نزدیکی میان آنها و نقوش فوق را می‌توان جستجو کرد. نقاشی‌های غارهای لرستان را می‌توان متعلق به جهانی مشابه که در آن نظر انسان به سوی افق‌های مرموز متوجه بوده است دانست. در تصاویر به‌کار رفته در این غارها، بیشتر به صحنه‌های رزم و شکار و حیوانات گوناگون به ویژه گوزن و آهو و بز کوهی توجه شده است، و خواسته‌اند که در این تصاویر پیروزی صاحب تصویر را بر دشمن، یا به هنگام شکار مجسم نمایند، و از اثر جادویی نقش این پیروزی را قطعی‌تر ساخته باشند. بر دیواره‌های لرستان نقش‌های دیگری که پاره‌ای از آنها به صورت نشانه (سمبول) به کار رفته است نیز دیده می‌شود که از نظر مطالعه مفاهیم این نشانه‌ها اهمیت ویژه‌ای دارد.

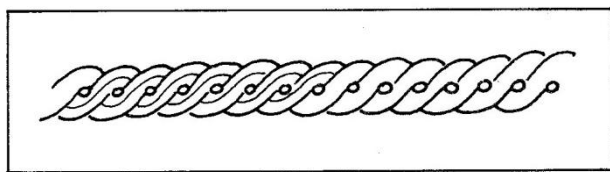


رزم‌گاه، نقاشی درون غارهای میرمیلاس و دوشان، لرستان، هزاره هفتم تا دهم قبل از میلاد

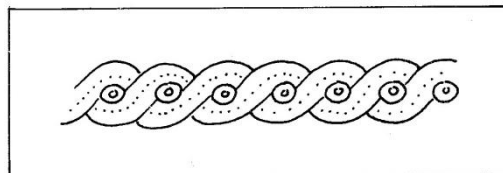
تصاویر دیگری بر دیوارهای ساختمان‌ها در تپه ملیان فارس یافت شده که قدمت آن به ۵۰۰۰ سال پیش می‌رسد، و از جمله کهن‌ترین نمونه‌های نقاشی دیواری در ایران به شمار می‌رود. این تصاویر بیشتر از نقوش هندسی تشکیل یافته است.

آثار سفالی کشف شده در ایران مربوط به هزاره پنجم قبل از میلاد، از منطقه‌های شوش (خوزستان)، تپه سیلک (کاشان)، تپه (دشت قزوین)، اسماعیل‌آباد (ساوجبلاغ) و چشمه علی (نزدیکی تهران)، نمایانگر آن است که ساکنان این نواحی ظروف سفالین را با نقوش و تصاویر زیبا می‌آراستند. این نقش و نگاره‌ها و تزئینات ساده، گاه برای بیان اعتقادات مذهبی و گاه برای توصیف محیط زندگی، و در برخی موارد برای رؤیت موضوع خاصی به کار می‌رفتند. نقوش طراحی شده بر روی ظروف بسیار متنوع بوده‌اند، و با آنکه دنیای پیرامون و بخصوص مظاهر طبیعی را منعکس می‌کردند، ولی از واقع‌گرایی فاصله داشتند. طراح با استفاده از عناصری ساده، اشیاء، حیوانات و انسان را

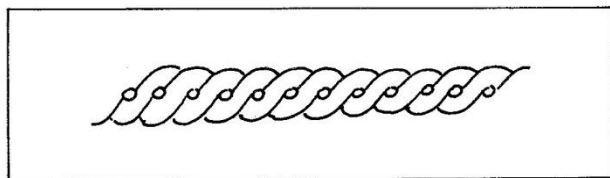
مجسم ساخته و از اشکال هندسی بیشترین استفاده را می‌کرد. حیوانات طراحی شده روی ظروف عمدتاً عبارت بودند از: بز، قوچ و اسب. در اینجا شکل واقعی حیوان مورد توجه نبود، بلکه طرح خلاصه و اغراق شده آن مطرح بود. این نقش و نگارها نمایشگر ترقی فوق‌العاده هنرهای تصویری در ایران باستان به شمار می‌رود. یکی از نمونه‌های مشهور، نقش بز روی جام سفالین شوش است که در آن شاخ‌های بز دایره‌وار و حتی بسیار بزرگتر از بدن حیوان ترسیم شده‌اند.



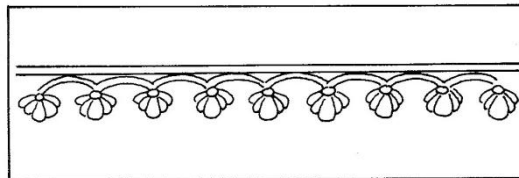
نقش به کار رفته بر لبه یک ظرف مفرغی، لرستان



نقش به کار رفته بر حاشیه یک پلاک، لرستان



نقش به کار رفته بر حاشیه ظرف مفرغی، لرستان

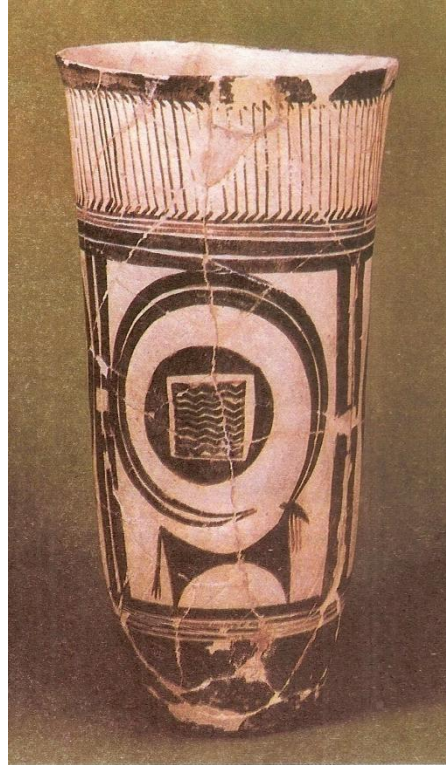


طرح به کار رفته بر روی لیوان مفرغی، لرستان

بر روی یک خمره سفالین که در شوش به دست آمده و مربوط به ۵۰۰۰ سال قبل است، ارابه‌ای با چهار چرخ که به وسیله یک گاو کشیده می‌شود نقش گردیده است. در این تصویر شخصی سوار بر ارابه، و یک نفر پیاده در جلوی آن دیده می‌شود. در سمت چپ برجی دارای سه طبقه طراحی شده که شخصی بر بالای آن دیده می‌شود. به نظر می‌رسد این نقش که با رنگ‌های الوان نقاشی شده، و آثار مشابه دیگری که از شوش به دست آمده و در آنها تصویر انسان در حال شکار حیوانات نمایش داده شده است، در زمرة کهن‌ترین نقوش انسان بر روی سفال می‌باشد. در دیگر نقاط باستانی ایران مانند تپه سیلک کاشان و چشمه علی و... مربوط به همین دوران، آثار مصور زیبا و ارزشمندی به دست آمده که نمایشگر ترقی فوق‌العاده هنرهای تصویری در ایران باستان است. به ویژه در این اعصار به نقش حیوانات توجه زیادی شده است، و بنیان هنر حیوان‌سازی دوران بعدی ایران که شهرت جهانی دارد، در همین ادوار ریخته شده است. «سیلک» که یکی از مراکز مهم هنری ایران در هزاره دوم پیش از میلاد به شمار می‌رفته است، پاره‌ای از نقوش انسان و اسب که گاه به صورت بالدار طراحی شده و در زمرة بهترین آثار منقوش می‌باشد، از این دوران به جای مانده است.



نقش هندسی خورشیدوار بر اطراف کوزه سفالین،
۱۰۰۰ ق. م.، سیلک، کاشان، موزه ملی ایران



نقش بز، طراحی بر جدار جام سفالین، شوش،
حدود شش هزار سال قبل، موزه ملی ایران



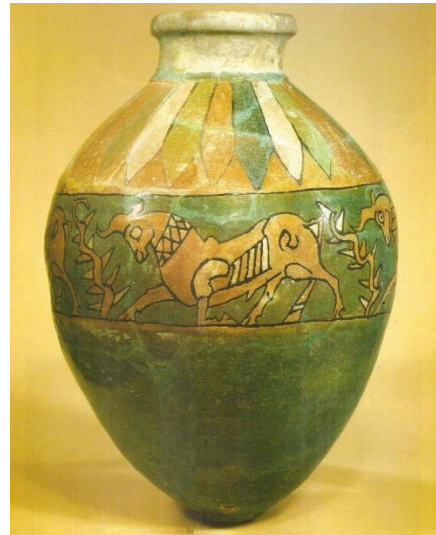
تنگ سفالین، ۱۰۰۰ ق. م.، سیلک

سفال لعابدار رنگین نیز از هزاره سوم قبل از میلاد در ایران مرسوم بوده است. از نمونه‌های زیبای این هنر، قطعه کاشی رنگینی است که بر روی آن حیوان خیال‌انگیزی به رنگ طلایی نشان داده شده، و در کنار آن پیکره انسانی با پاهای حیوانات که با حیوان دیگری در نبرد می‌باشد نقاشی شده است. به طور خلاصه آثار هنری هنرمندان

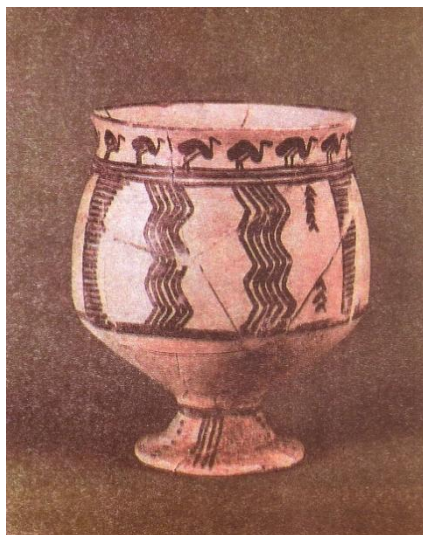
ایران باستان هر یک به تنهایی تجسم خلاقیت و تجلی ذوق و تخیل آن‌ها در قالب هنرابتدایی و هنر ماقبل تاریخ می‌باشد.



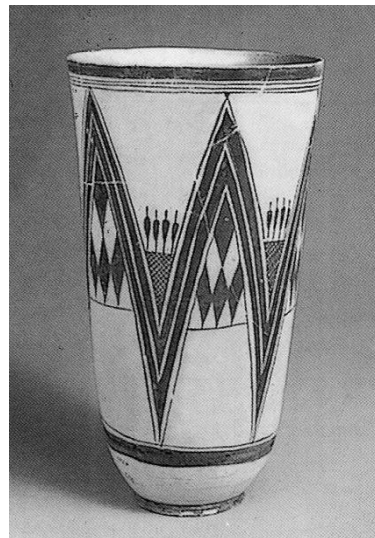
ظرف سفالین با نقش گیاه، ۵۰۰۰ ق.م، اسماعیل آباد
موزه ملی ایران



کوزه سفالی لعابدار با نقش گاو نر در برابر درخت زندگی
موزه متروپولیتن، آمریکا



سفال نخودی منقوش، هزاره سوم قبل از میلاد، سیلک،
موزه ملی ایران

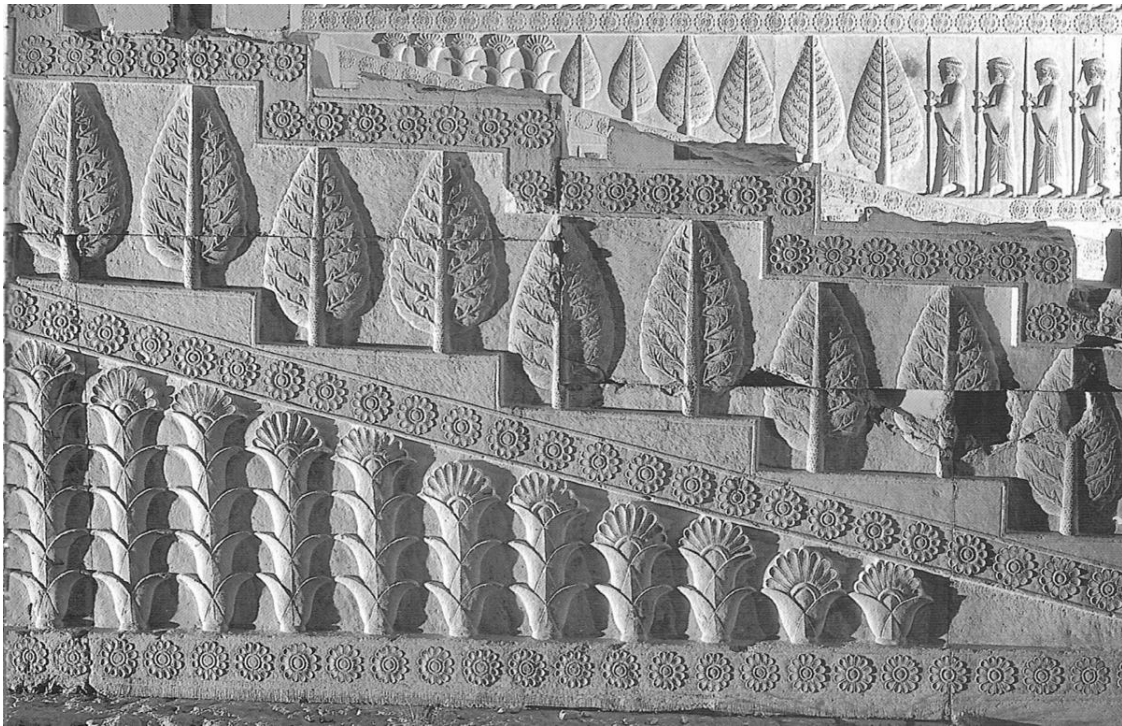


نقوش هندسی، طراحی بر جدار جام سفالین
موزه ملی ایران

هنر و تمدن دوره ایلام - ویل دورانت در کتاب تاریخ تمدن، مشرق زمین گاهواره تمدن، در باره فنون و هنر ایلامیان می‌گوید: «... مردم ایلام در آن زمان (۴۵۰۰ سال پیش از میلاد) سلاح و افزارهای مسی داشتند، زمین را می‌کاشتند، حیوانات را اهلی می‌کردند، با خط نویسی دینی و اسناد بازرگانی آشنا بودند، آینه و زیور را

می‌شناختند و بازرگانی آنان از مصر تا هند ادامه داشت. در کنار افزارهای سنگ چخماقی صاف شده، که ما را به عصر حجر جدید می‌رساند، گلدان‌های خوش ساخت گردی می‌بینیم که بر آن‌ها نقش‌های هندسی با تصاویر زیبای حیوانات و گیاهان رسم شده، و پاره‌ای از آن‌ها چنان است که در شمار بهترین آثار هنری دست بشری به‌شمار می‌رود. در همین جاست که نه تنها نخستین چرخ کوزه‌گری آشکار می‌شود، بلکه نخستین چرخ ارابه نیز به نظر می‌رسد.» (ویل دورانت، ص ۱۴۲)

دورهٔ هخامنشیان - شواهد و نشانه‌های فراوانی وجود دارد که گل و گیاه در فرهنگ و هنر هخامنشی اهمیت و جایگاه خاصی داشته است. گل که در فرهنگ ایران باستان نشانهٔ شادمانی، نشاط، دوستی، عشق، محبت، شادی، خوشحالی، سرور و خرمی است، در نقش‌های برجسته و حجاری‌های دورهٔ هخامنشی به‌وفور مشاهده می‌شود. افزون بر این، می‌توان به انواع گوناگونی از نقش‌های گل و گیاه حجاری‌شده بر کتیبه‌ها اشاره کرد. برای مثال، نقش گل دوازده‌پر در حاشیهٔ بسیاری از نقش‌های برجسته استفاده شده است و تصویر درختان، به‌ویژه درخت کاج، سرو و نخل که فراوان یافت می‌شوند، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند. درخت کاج و سرو در دوره‌های تاریخی مادها و بعد از آن، در فرهنگ و هنر ایران باستان وجود داشته و نماد زندگی، شادابی و جاودانگی بوده است. درخت نخل نیز نشانهٔ باروری و حیات قلمداد می‌شد و سودمندی‌اش موجب توجه بیشتر به آن شده بود؛ به همین دلیل، در کنار برخی از این نقش‌ها از تصاویر این درختان نیز استفاده شده است. گل نیلوفر که در تمدن‌های باستانی مقدس بوده، به نشانهٔ دوستی، محبت، شادی و سرور استفاده می‌شده و در دستان شاهان، افسران عالی‌رتبه و بزرگان دولت هخامنشی به‌وفور دیده می‌شود.

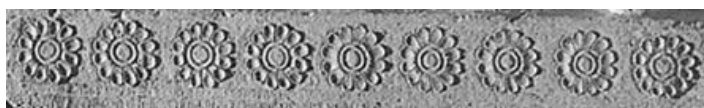


گل‌های نیلوفر و درخت سرو و گل دوازده پر در نقوش برجسته پلکان کاخ آپادانا در تخت جمشید

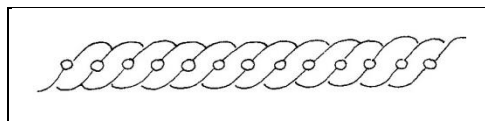
بر دو طرف پلکان شمالی حیاط کاخ آپادانا، نقش‌های برجسته زیبایی شامل: جانوران به سبک هنر سکایی، سربازان کمان‌دار نیزه‌ور با جامه پارسی و مادی، شاخه‌های گل نیلوفر و تصاویر بزرگان ماد و هخامنشی - که هر یک شاخه‌ای از گل نیلوفر در دست دارند - نشان داده شده است. لبه‌های پلکان با کنگره‌های چند دندانه‌ای تزئین شده‌اند.

از دیگر آثار ارزشمند دوره هخامنشی، ریتونی است به شکل سر قوچ که از طلای خالص ساخته شده است. این ریتون مزین به طرح‌های نخل است، و دور تا دور لبه آن گل‌های نیلوفر قلم‌زنی شده است. این جام هم‌اکنون در موزه رضا عباسی تهران نگهداری می‌شود. ریتون دیگری با همین ویژگی در موزه ملی ایران است.

گل نیلوفر و دوازده‌پر بر روی سرستون و زیرستون‌های تخت جمشید استفاده می‌شده است. همچنین گل‌های نیلوفر و دوازده‌پر بر زیورآلات و ظرف‌های زرین و سیمین در دوره هخامنشی نقش می‌شده است.



نقش گل دوازده پر بر پلکان کاخ آپادانا، تخت جمشید



طرح به کار رفته بر لبه جام طلا، دوره هخامنشی

دوره اشکانیان - ظروف سفالین دوره اشکانیان بیشتر ساده و بی آرایش بود که در آن تصویر حیوانات و اشکال هندسی و غیره منقوش شده بود. در دوره سلوکی‌ها نیز ظروف سفالین ساده بود، اما در دوره اشکانی لعاب یک رو به پشت و روی ظروف می‌دادند.

کاخ هترا نیز یکی از آثار به جا مانده از دوران اشکانی است که امروزه در کشور عراق قرار دارد. شهر هترا دارای معماری خاصی است که می‌توان سه نوع معماری ایرانی، یونانی و رومی را در آن دید، این کاخ مهم‌ترین محوطه باستانی به جا مانده از دوران اشکانیان محسوب می‌شود.

شواهد باستانشناسی و ترجمه متن کتیبه‌های موجود در این شهر نشان می‌دهند که هترا در قرن دوم میلادی رونق گرفت و در همان دوران به میزان چشمگیری بر وسعت آن افزوده شده است. بر اساس همین شواهد، دوران رونق هترا بسیار کوتاه بود و تنها پس از اندکی با سقوط این شهر به دست ساسانیان، هترا برای همیشه خالی از سکنه ماند. از تزئینات داخلی تالارها چیزی بدست نیامده است ولی فیلوستارت Philostrate تالار کاخ‌ها را چنین معرفی می‌کند. «تالاری است که به وسیله طاقی پوشانیده شده است و زیر آن طاق، دانه‌هایی از لعل کبود نشانده‌اند به طوری که به صورت آسمان درآمده است. روی زمینه آبی سنگ‌های قیمتی تصویر خدایان را از طلا می‌ساختند که مانند ستارگانی که در آسمان باشد، می‌درخشیدند. در این تالار پادشاه می‌نشست و اجرای عدالت می‌کرد.»

تزئینات در دوره ساسانیان - در دوره ساسانیان آثار زیادی از نقش و نگارها به جای مانده که بیانگر وجود این تزئینات در این دوره است. برخی از این آثار عبارت‌اند از:

۱- دیوار نگاره‌های مکشوف درپنج کنت ازبکستان، که نشان از پیشینه هنر دیوارنگاری از زمان ساسانیان داشته است. بر روی دیوارها داستان‌های روایی مشهوری به تصویر کشیده شده‌اند که در آنجا داستان روایت می‌کردند. در برخی منابع نیز تلویحاً ذکر شده که دیوان‌های مصور از زمان ساسانیان وجود داشته است.

۲- بر روی دیوارهای کاخ‌های ساسانی در بیستون، بیشاپور، فیروزآباد و سروسن، نقوش برجسته‌های را می‌بینیم که تزئیناتی شبیه تذهیب و گل و بته دیده می‌شوند. این نقوش به صورت گچبری و یا کنده‌کاری روی آجر می‌باشند.

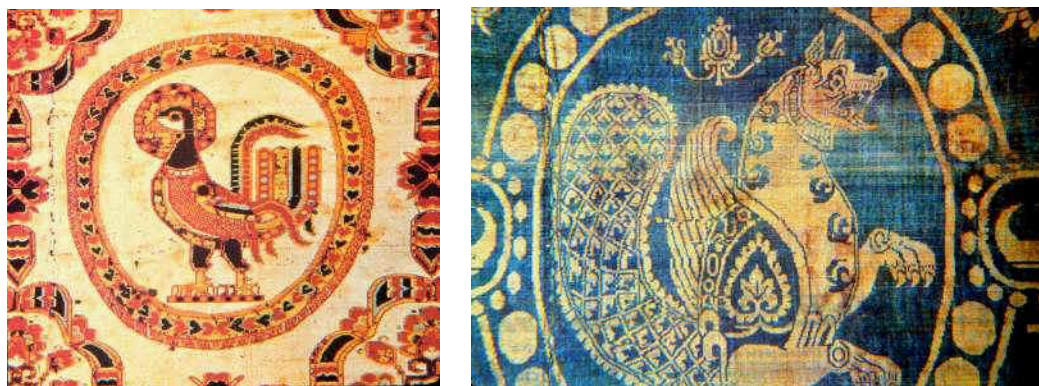


نقش تزئینی گچبری شده روی آجر یکی از کاخ‌های ساسانی نقش تزئینی گچبری شده بر آجر طاق کسری، دوره ساسانی، آرم دانشگاه تهران از نقش این تکه آجر گرفته شده



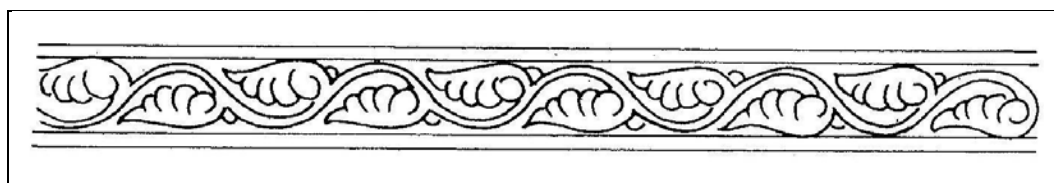
نقوش تزئینی بر قاب گچبری کاخ ساسانی در تیسفون، موزه متروپولیتن نیویورک

۳- لباس شاهان ساسانی و درباریان از پارچه‌هایی بافته می‌شدند که روی آن‌ها طرح‌ها و نقوش‌های زیبایی از جانوران همچون: سیمرغ، طاووس، ازدهای بالدار، قوچ، گراز و... به همراه دیگر نقوش تزئینی و هندسی نقاشی شده‌اند.



تکه پارچه‌های دوره ساسانی با تصویر پرنده، ازدهای بالدار و دیگر نقش‌های تزئینی

۴- جام‌ها، بشقاب‌ها و دیگر ظروف سیمین و زرین، سفالینه‌ها، سکه‌ها و دیگر اشیاء به‌دست آمده از دوره ساسانی که با نقوش جانوری، گیاهی، تزئینی و هندسی همراه هستند، نشان از هنر ارزشمند و گرانبهای هنرمندان این دوره می‌دهند.



نقش به کار رفته بر لبه جام نقره‌ای، دوره ساسانی

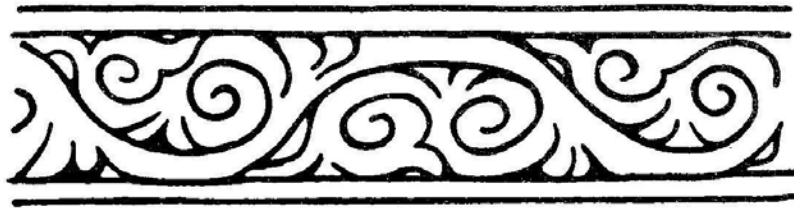
با توجه به آثار موجود در موزه‌های جهان، می‌توان گفت که هنر تذهیب از دوره ساسانی به صورت گچبری، نقش برجسته، نقوش روی پارچه، قلمزنی روی فلزات و نقوش روی سفالینه‌ها وجود داشته که بعد از اسلام این نقوش و تزئینات وارد کتاب‌ها شده و به عنوان تذهیب و تزئین کتاب‌ها جلوه‌گری می‌کنند.

مانی - مانی از نقاشان زبردست ایران در دوره ساسانی است. وی مؤسس مذهبی است که به او نسبت می‌دهند. مانی در قرن سوم میلادی می‌زیست و نقاشی را وسیله‌ای برای نشر تعالیم دینی خود به‌کار می‌برد. با آن- که ایرانیان تعالیم دینی او را قبول نداشتند اما مهارت وی را در نقاشی و خط می‌ستودند. مانی مخترع خطی است که آن را به نام «خط مانوی» می‌شناسند. با به‌دست آمدن آثار مانویان، می‌توان یقین داشت که تصویر سازی و کتاب آرایی در عصر پیش از اسلام در ایران رواج داشته است. در فرهنگ فارسی معین آمده است: «مانی پسر «فاتک» بنیانگذار آیین مانوی، در ایام جوانی به آموختن علوم و حکمت و مطالعه در ادیان زرتشتی و عیسوی و سایر دین‌های زمان خویش پرداخت و در بیس و چهار سالگی ادعای پیامبری کرد و آیین خود را

آشکار ساخت. یک چندی در بین‌النهرین به تبلیغ و ترویج دین خود پرداخت و آن‌گاه به وسیله فیروز برادر شاپور که دین وی را پذیرفته بود، به شاپور معرفی شد و یکی از کتاب‌های خود را به نام شاپورگان به او تقدیم داشت. شاپور اول، نخست با مانی به مهربانی رفتار کرد و او و پیروانش را در مذهب خود آزاد گذاشت ولی بعد طرف بی میلی پادشاه قرار گرفت و از ایران تبعید گردید. مانی در ایام آوارگی، کشورهای هند، تبت و چین را سیاحت کرد. پس از مرگ شاپور اول، در سال ۲۷۲ میلادی به ایران بازگشت. هرمز جانشین شاپور، ورودش را گرامی داشت و اجازه داد که تعالیم آئین خود را آزادانه منتشر سازد. مانی در این زمان بیشتر بین مسیحیان بین‌النهرین به نشر اصول و تعالیم مذهب خود پرداخت و در اندک مدتی پیروان بسیاری یافت. پس از هرمز دیری نپایید که بهرام اول، مانی را دستگیر کرد و مقتول ساخت. پس از مانی، پیروان او در عالم پراکنده شدند و به تبلیغ آئین مانوی پرداختند و در آسیای مرکزی و تبت، و در اروپا تا جنوب فرانسه نفوذ کردند. (محمد معین)

مانوی‌ها در زیبانویسی اهتمام می‌ورزیدند و کتاب‌هایشان را بسیار زیبا و نفیس تهیه می‌کردند. الفبای مانوی در قرن سوم میلادی مانند سایر خطوط این دوره از آرامی اقتباس شده اما مانی که استعداد خاصی در نقاشی و کتابت داشت، آن را به شیوه‌ای ممتاز آراست. مهم‌ترین آثار مانوی که بر جای مانده مکتوباتی است که در ترکستان چین در ناحیه «تورفان» به دست آمده است. اغلب متون مانوی یافت شده در تورفان به زبان‌های ایرانی، از جمله پارسی میانه، پارتی و سغدی است. متون فارسی میانه که اغلب مربوط به اواخر قرن هشتم و قرن نهم میلادی است، بخش مهمی از آثار مکشوفه تورفان را تشکیل می‌دهد. خطی که برای کتابت این متون به کار رفته همانند متون پارتی و سغدی، خط ابداعی مانی است که نسبت به خطوط دیگر رایج در دوره میانه مزایایی دارد. از جمله در این خط هزوارش وجود ندارد. لذا تلفظ کلمات را دقیق‌تر و روشن‌تر از خط پهلوی به دست می‌دهد. نمونه‌های از خط مانوی بر روی فنجان‌های گلی در نیپور کشف شده، که از نظر منشأ این خط دارای اهمیت ویژه‌ای است. مانی کتاب‌های بسیاری را نوشت از جمله: شاپورگان (به زبان پهلوی)، انجیل مانی، بنگاهیک، و ارژنگ (ارتنگ). برخی از این کتاب‌ها همچون ارژنگ به نقاشی و تزئینات زیبایی مزین است. زبان نوشته‌های مانوی متفاوت است زیرا مانویان دین خود را در هر منطقه به زبان رایج آن دیار تبلیغ می‌کردند و مطالب مذهبی و ادبیات و سرودهای مانوی را به زبان محلی حوزه تبلیغی خود می‌نگاشتند ولی

خطی که برای نوشتن زبان‌های مختلف به کار می‌گرفتند، یکسان بود یعنی همان خطی که خط مانوی خوانده می‌شد. بخش مهمی از آثار بازمانده از زبان‌های پارتی و فارسی میانه بدین خط نوشته شده است.



قسمتی از یک نقاشی به‌کار رفته در یک کتاب از تورفان، قرن هفتم تا نهم میلادی

مانی و اختراع خط - ابن‌الدیم در باره خط مانوی آورده است: «خط مانوی از خطوط فارسی و

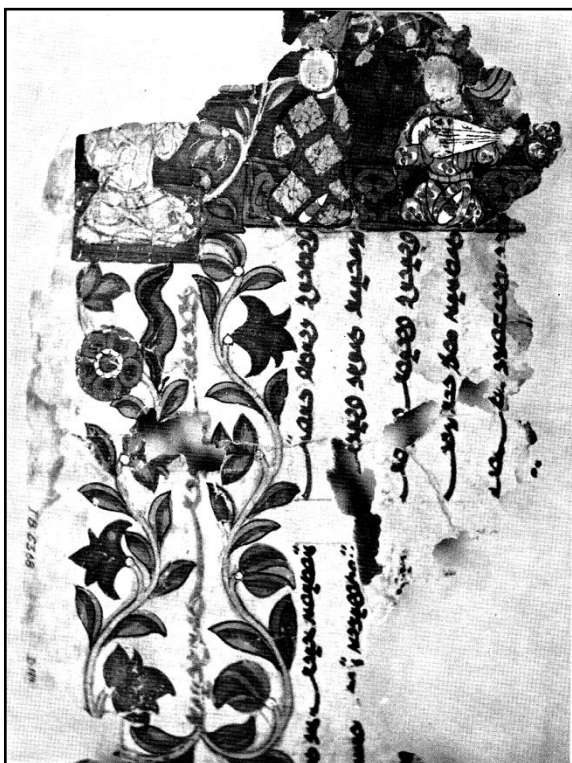
سوریانی یا سریانی که آن هم از آرامی پدید آمده استخراج شده و مخترع آن مانی است، چنان‌که مذهب او هم ترکیبی از مجوسیّت و نصرانیّت است. حروف این خط بیش از حروف عربی است و [مانویان] با آن اناجیل و کتاب‌های مذهبی خود را می‌نویسند و مردم ماوراءالنهر و سمرقند نیز کتاب‌های دینی خود را با آن نوشته و آن را خط دینی نامند.» (ابن‌الدیم، ص ۲۹)

مانی خط سُرّیانی را که از خطوط رایج آن زمان بود، با خط پهلوی در آمیخت و تصرفاتی در آن کرده و

آن خط را برای کتاب‌های دینی خود اختیار نمود.

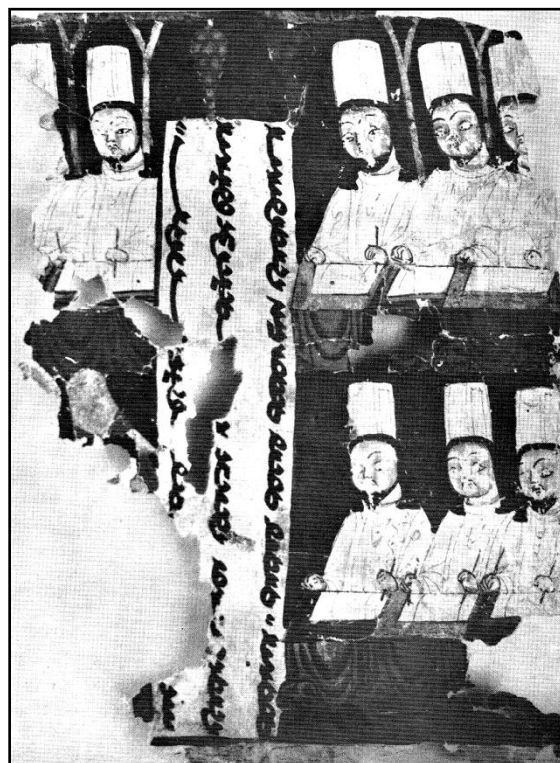


یک صفحه از نقاشی‌های مکشوفه در تورفان، از آثار مانوی، قرن سوم هجری قمری



صفحه‌ای از کتاب ارژنگ مانی،

مکشوفه از تورفان



صفحه‌ای از کتاب بنگاهیک مانی به خط مانوی،

مکشوفه از تورفان

کتاب‌های دوره ساسانی - مهم‌ترین منابع و اسناد و مدارک به جای مانده از فارسی میانه، رساله‌ها و کتاب‌هایی است که به خط پهلوی نوشته شده‌اند. اغلب این آثار متعلق به دوره متأخر ساسانی است و برخی از آن‌ها نیز در قرون اولیه هجری قمری کتابت گردیده‌اند. این کتاب‌ها با توجه به مطالب و مضامین‌شان به دو بخش تقسیم شده‌اند:

- ۱- کتب دینی زرتشتی مانند: ترجمه‌های اوستا، دین کرت (کتاب تکالیف و اعمال دینی)، بندهشن (اساس و بن خلقت)، دادستان دینیک (فتاوی دینی)، خوتای نامک، اردای ویراف‌نامه، روایات پهلوی، شایست ناشایست، گزیده‌های زاد سپرم، مینوی خرد، گزارش کمان شکن، جاماسب‌نامه، پندنامه زرتشت و...
- ۲- کتب غیردینی پهلوی شامل: اندرزنامه‌ها (که بخش مهمی از ادبیات فارسی میانه را تشکیل می‌دهند، پیشینه و اهمیت ادبیات اندرزی در ایران، پیرامون نکات اخلاقی و پند و اندرز و امثال و حکم است را نشان

می‌دهد. این اندرزنامه‌ها به بزرگان و فرزندان و حکیمان نسبت داده شده‌اند، مانند گنج شایگان نوشته بزرگمهر وزیر انوشیروان، اندرز آذرباد مهراسپندان، اندرز دانایان به مزدیسنان و...، یادگار زیران، کارنامه اردشیر پاپکان، درخت آسوریک، شهرستان‌های ایران، خسرو قبادان وردیدک، افدی‌های سیستان، مادیگان شطرنج، ماتیکان هزار داستان، کللیک و دمنک، گجستک ابالیش و ...

متون مانوی - متون فارسی میانه شامل: نامه‌ها، قطعات ادبی، دعاها، سرودها و مترهای دینی و نیز

قطعاتی از دو کتاب شاپورگان و انجیل مانی.

ارژنگ - ارژنگ یا ارتنگ عنوان کتابی است منسوب به مانی که وی آن را با نقش و نگارهای زیبا آراسته بود و آن را معجزه خویش بیان کرد. یک نسخه از کتاب ارژنگ در قرن پنجم هجری قمری در روزگار غزنویان وجود داشته است. اکنون ۲۲ قسمت از این کتاب (مطابق با ۲۲ حرف الفبای آرامی) که نشان دهنده مطالب کتاب است به صورت یک جلد آلبوم به دست آمده است.

اوستا - ظهور ادیان و کتاب‌های مقدس در تکامل خط و تحولات و رواج آن‌ها، و نیز در حفظ آثار

خطی و هنری مؤثر بوده است. همچنین دین و مذهب در آئین زندگی و تحولات سیاسی و اجتماعی همه ملل باستانی تأثیر داشته است. در این میان ایرانیان که از دیرباز مردمی موحد و یکتاپرست بوده‌اند، در وضع قوانین و پیدایش مذهب نقش مهمی را ایفا کرده‌اند. ویتنی^۱ دانشمند آمریکایی در این باره می‌نویسد: «ایران از عهد کوروش به بعد تا در جنگ ماراتن (جنگ یونان و ایران) بسیار متمدن و قادر، و قومش بزرگترین ملت روی زمین بود. هنوز رُم طفل و اروپا پا به عرصه وجود نگذاشته بود، یونان مملکت متحدی نبود، ملتش به چندین طایفه منقسم و از بیم لشکر ایران چندی با هم متفق شدند. ایران در این زمان برای جهان قوانین وضع نمود و مذهب به وجود آورد، این مذهبی است که در اوستای زرتشت بیان شده است... برای عیسی چگونه ممکن بود آئینی که زرتشت در آن پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک را غالباً تکرار کرده است، بهتر و پاک‌تر از او بیان نماید. آیا این سه کلمه دارای همه چیز نیست و اساس کلیه مذاهب شمرده نمی‌شود؟...»

1 - Whitney.

در برهان قاطع آمده است، سنت زرتشتیان زمان او را حدود ۶۰۰ ق. م. تعیین می‌کنند و گروه دیگر زمان او را در هزاره دوم پیش از میلاد قرار داده‌اند. آئین زرتشت بر اساس یکتا پرستی و راستی و درستی بنیان نهاده شد، و راه و رسم آریایی که اغلب پرستش و عوامل طبیعت بود را بر هم زد. زرتشت با شعار «پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک»، قواعد دین خود را محکم و استوار ساخت و دستورات آن را در کتاب اوستا نوشت. پیش از تدوین اوستا موبدان و روحانیان دین زرتشت آن را حفظ کرده و به یاد می‌سپردند. تدوین اوستا چنان در شئون زندگی ایرانیان و سلسله پادشاهان تأثیرگذار بود، که با وجود استیلاء اسکندر و سلوکی‌ها تا اواخر دوره ساسانی به قوت خود باقی ماند. پیشوایان زرتشتی یکی از سه طبقه مهم و متنفذ در امور کشوری و لشکری بودند. (اطلس خط، ص ۹۱)

تا پیش از حمله اسکندر مشخص نبود که کتاب «اوستا» با چه نوع خطی نوشته می‌شده است. اما در زمان اشکانیان و ساسانیان به ناچار با خط رایج پهلوی جمع آوری و مرتب شد.^۲

در قرن ششم میلادی اوستا به خط جدید «دین دبیره» یا «خط اوستایی»، بر مبنای الفبای خط پهلوی ساسانی کتابت و مضبوط گردید.

به گفته «دین کرت» در عهد هخامنشیان دو نسخه از اوستا در ایران بوده که اسکندر یکی را در آتش سوزی استخر سوزانده و نسخه دیگر را با خود برده، و آنچه راجع به طب و نجوم و فلسفه و جغرافیا و جز آن بوده، به یونانی نقل داده و بخش‌های دیگر آن از میان رفته است.

تأثیر تذهیب و نقاشی ایرانی بر سایر کشورها - هنر مندانی که در اوایل دوره صفوی از ایران به هند مهاجرت کردند، بنیان‌گذار مکتب نقاشی ایران و هند شدند، و آثاری بزرگ از خود به یادگار گذاشتند. آثار به جا مانده از مکتب مغولی هند که در نوع خود بی نظیر است، بر این واقعیت حکایت دارد که این مکتب تداوم مکتب نقاشی ایران و هند است. در ترکیه عثمانی، هنرمندان مذهب زیادی به ظهور نرسیدند، و اگر این هنر در آن سرزمین رشد کرد، به خاطر هنرمندان ایرانی بود که با مهاجرت به ترکیه عثمانی، بنیان‌گذار مکتب هنری در آن دیار شدند. در کشورهای عربی نیز، به سبب بازگشت هنرمندان ایرانی از آن کشورها، هنر تذهیب رواج چندانی نیافت.

۳- در عهد بلاش اول اشکانی (۵۱ - ۷۸ م.) اوستای پراکنده جمع‌آوری شد، و در زمان اردشیراول ساسانی (۲۴۱-۲۲۴ م.) و پسرش شاپوراول ساسانی (۲۷۲-۲۴۱ م.) مرتب و تکمیل گردید.

در واقع ، هنر تذهیب ایران در دنیا یگانه و منحصر به فرد است. در اروپا، به نوعی از آذین و آرایش، تذهیب می-گویند، و تذهیب ایرانی را با آن مقایسه می کنند. اما تذهیب اروپایی با تذهیب به شیوه ایرانی، کاملاً متفاوت است. آذین-های تذهیب اروپایی از ساقه درختی مانند مو و برگ‌های رنگین تشکیل شده است، و در کنار آن‌ها گاهی پرندگان، حیوانات، صورت‌های مختلف انسان و مناظر طبیعی را می‌توان مشاهده نمود.



نمونه‌ای از تذهیب و تزئین به کار رفته در یک کتاب لاتین در اروپا، ۱۴۰۷ م، اثر نگارگر بلژیکی

بخش دوم

تذہیب

در دوران اسلامی

شکل گیری تذهیب قرآن مجید در صدر اسلام

معنی تذهیب - کلمه «تذهیب» واژه‌ای است عربی از ریشه «ذَهَب» به معنی زر و طلا و همچنین زراندود کردن. در فرهنگ معین در ذیل کلمه تذهیب آمده است: «تزئین نسخه‌های خطی با رنگ و طلا و نقوش ظریف گل و گیاه یا نقوش هندسی در هم تابیده». این واژه با کلمه «ترصیع» به معنی جواهر نشانیدن بر چیزی، یا مرصع ساختن، و کلمه «تشعیر» در هم آمیخته است، اما امروزه به معنی طلا کاری و زرننگاری است. با ظهور اسلام، به دلیل اینکه مسلمانان احترام زیادی به قرآن مجید داشتند، هنرمندان ایرانی را بر آن داشت که از قدرت ابتکار و نوآوری خود استفاده کنند و با خلوص نیت در تزئین و تذهیب این کتاب آسمانی سود برند. زمانی که اعراب گذاری آیات کلام الله مجید با نقطه‌های رنگی آغاز شد به تدریج استفاده از طلا در سرسوره‌ها رواج پیدا کرد، و به مرور به یاری استعداد شگرف هنرمندان تذهیب‌کار، طرح‌ها و نقش‌های بدیع و روش‌های نوینی در این هنر سنتی پدید آمد. تذهیب که در آغاز به عنوان مکمل خوشنویسی به‌شمار می‌رفت، به تدریج به چنان والایی رسید که به مثابه هنری ارزنده و امری صواب در اسلام تلقی شد.

نقطه و اعراب گذاری خط کوفی - در کتاب «تاریخ خط و خوشنویسی» در باره اعراب گذاری و تزئین و تذهیب قرآن‌های کتابت یافته در اوایل دوران اسلامی آمده است: «قرآن‌هایی که توسط صحابه پیامبر (ص) و کاتبان وحی نوشته می‌شدند، خالی از هرگونه نقطه و علامتی بوده است. خط قرآن‌ها نه نقطه داشت و نه زیر و زبر و پیش، حتی بالاتر از آن، حروف عله (الف، واو، یاء) نیز در کلمه نوشته نمی‌شد. تسلط عرب بر زبان و احاطه کاملی که بر آن داشتند، نیازی به گذاشتن زیر و زبر در نوشته‌ها احساس نمی‌شد؛ ولی جهان اسلام، تنها دنیای عرب نماند. از همان سال‌های اولیه پیدایش اسلام، ایرانی، قبطی، ارمنی، آرامی، ترک، تاجیک، و ... گروه گروه به اسلام گرویدند. آنان به خواندن نماز و قرآن و دعا التزام داشتند، و برای این کار می‌بایست قرآن را بیاموزند، آن‌هم خطی بیگانه و بدون نقطه که زیر و زبر و پیش نداشت. این امر سبب شد تا مردم دوران پیش و عالم چاره‌ای بیاندیشند و به این فکر بیفتند که قرآن را نقطه گذاری کنند و اعراب دهند، تا هم حروف به‌خوبی

شناخته شده و با مشابه خود مشتبه نشود، و هم حرکات حروف درست ضبط شود که دیگر از لغزش و لحن مصون بماند.

نقطه‌گذاری برای ضبط حرکات و اعراب به دو صورت انجام می‌شد: ۱- نقطه‌گذاری با نقطه مدور که بیشتر قاریان در مصحف‌های خود به‌کار می‌بردند و ابوالاسود دؤلی^۳ آن را وضع کرد. ۲- شکل (شکل شعر) که علامت‌هایی چون: تشدید، همزه، ضمّه، فتحه و کسره بود و نخستین بار خلیل بن احمد فراهیدی، با اقتباس از حروف آن را وضع کرد. برای مثال، او علامت تشدید را از اول کلمه شدید گرفته است؛ ضمّه و او کوچکی است که بر بالای حرف گذاشته؛ کسره یاء کوچک و فتحه الف کوچکی است که بالای حرف قرار داده است. در روایت‌ها آمده است که پیامبر اکرم^(ص) فرمود: «قرآن را اعراب دهید و در اعراب آن کاوش و جستجو کنید». کسانی که قرآن مجید را اعراب‌گذاری و نقطه‌گذاری کردند، عبارت‌اند از:

۱- ابوالاسود الدؤلی - ابوالاسود (متوفی در ۶۹ هـ. ق.) اصول نحو را از حضرت علی^(ع) آموخت^۴ و از آن پس به این علم شهرت یافت. وی اولین کسی است که نقطه را در خط کوفی به‌کار برد. ابوالاسود قرآنی را با شیوه خود (به کمک یکی از کاتبان قرآن از قبیله عبدالقیس) نقطه‌گذاری کرد.

۲- یحیی بن یعمر - یحیی بن یعمر الوشقی العدوانی (متوفی در ۱۲۸ هـ. ق.) از شیعیان علی^(ع) و از قرآء معروف بصره بود. یحیی بن یعمر علم نحو را از ابوالاسود فراگرفت. وی در نحو و قرائت قرآن و فنون ادب مهارت زیادی کسب کرد. ابن ابی داود و عده‌ای دیگر گفته‌اند: «اولین کسی که قرآن را نقطه‌گذاری کرد، یحیی بن یعمر بود»^۵. همچنین گفته‌اند که محمد بن سیرین (متوفی در ۱۱۰ هـ. ق.) مصحف نقطه‌گذاری شده‌ای داشت که یحیی بن یعمر آن را نقطه‌گذاری کرده بود.

۳- نصر بن عاصم - نصر بن عاصم لیشی (متوفی در ۸۹ یا ۹۰ هـ. ق.) از قاریان بصره و از فصحای معروف عرب و شاگرد وفادار ابوالاسود و یحیی بن یعمر بود. نصر بن عاصم ابتدا نقطه‌ها را برای تشخیص حرکات در نوشتن نامه‌ها استفاده می‌کرد، ولی چون باز هم اشتباهاتی رخ می‌داد، نقطه‌گذاری حروف را به نقطه‌گذاری

1- Abul Aswad Duali

^۴- وفیات الاعیان، ج ۱، ص ۲۴۰ و معجم الادباء، ج ۱۴، ص ۴۹ و نزهة الالباء، ص ۵ و انباه الرواة، ج ۱، ص ۴ و ۱۵ و طبقات القراء، ج ۱، ص ۳۴۶

^۵- المصاحف، ص ۱۴۱ و المحکم فی نقط المصاحف، ص ۵ و جلال‌الدین سیوطی، الاتقان فی علوم القرآن، ج ۴، ص ۱۷۱

حرکت‌ها افزود (منظور همین نقطه‌گذاری در حروف متشابه مانند باء، تاء، ثاء و ... است که اعجام نامیده می‌شود).^۶

۴- **یعقوب رهاوی** - مؤلف *اللمعة الشهیه* آورده است که در صدر اسلام از نقطه برای حرکت‌ها استفاده می‌شد و واضح آن یعقوب رهاوی بود. او این نقطه‌ها را به جای حرکت‌ها به کار می‌برد. (ایرانی، صص ۱۵ و ۱۶)

۵ - **یزید فارسی** - ایرانیان نیز در آسان‌تر کردن قرائت قرآن سهم بسزایی داشته‌اند. یزید فارسی که از کاتبان ایرانی قرآن بود در نقطه‌گذاری قرآن سهم بسزایی داشت.

۶ - **خلیل بن احمد** - ابو عبدالرحمن خلیل بن احمد فراهیدی (متوفی در ۱۷۰، ۱۶۰ یا ۱۷۵ هـ. ق.) دانشمند بصری که اصلاً ایرانی است. وی واژه‌شناس و متخصص دستور زبان عربی، بنیانگذار حقیقی علم نحو عربی، مبتکر علم عروض، دانشمند لغت و نخستین کسی است که همزه، تشدید، روم و اشمام را وضع کرد. ضبط حرکات کلمه‌ها به روش امروزی، یادگار اوست.^۷

۷ - **ابوحاتم سجستانی** - ابوحاتم سهل بن محمد بن عثمان سجستانی (سیستانی) (متوفی در ح ۲۵۰ یا ۲۵۵ هـ. ق.) از ایرانیانی بود که در این راه کوشش‌هایی کرد. وی رساله‌ای درباره‌ی رسم الخط قرآن نگاشته که قسمت‌هایی از آن هنوز در دست است. (رامیار، صص ۵۳۷ و ۵۳۸)

یکی از قدیمی‌ترین قرآن‌ها در **جامع عمرو عاص نزدیک قاهره** به دست آمده است. این قرآن بر روی پوست با خط کوفی نوشته شده و همان روش ابوالاسود در آن دیده می‌شود، یعنی متن قرآن را با مرکب سیاه و نقطه‌ها را با رنگ قرمز نوشته‌اند. نقطه اگر در بالای حرف باشد، نشانه فتحه است؛ اگر در زیر آن باشد، نشانه کسره و اگر در میان حرف گذاشته شده باشد، نشانه ضمه است. (همو)

همان‌طور که اشاره شد، خط کوفی به برکت قرآن مجید و قلم مولای متقیان، حضرت علی^(ع) به کمال رسید؛ در بغداد، پایتخت عباسیان، رشد کرد؛ از راه بغداد وارد مناطق مختلف ایران، به‌ویژه خراسان بزرگ شد؛ همزمان به حجاز و شام و مصر و اسپانیا رفت و چنان مورد قبول واقع شد که خط اول جهان اسلام گردید.

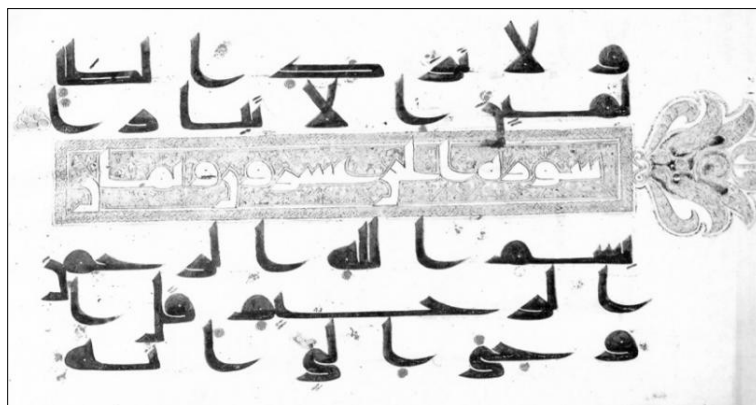
۶- وفیات الاعیان، ج ۱، ص ۱۲۵

۷- النقط، ص ۱۳۳ و الاتقان، ص ۱۷۱

خط کوفی در نیمه اول قرن دوم هجری قمری به تکامل رسید، بیش از سه قرن تداوم پیدا کرد و بنا بر مقبولیت عموم به منزله تنها خط مناسب برای کتابت قرآن پذیرفته شد.

تقریباً همه نویسندگان به صراحت گفته‌اند که حضرت علی^(ع) از اولین کاتبان وحی بوده‌اند^۸ و قرآن‌های متعددی را کتابت نموده‌اند. این قرآن‌ها در کتابخانه امیرالمؤمنین و گنجینه حرم حضرت علی^(ع) در نجف اشرف؛ موزه طوپ قاپی سرای استانبول^۹؛ موزه عراق؛ موزه قرآن آستان قدس رضوی؛ موزه یمن^{۱۰}؛ موزه ملی ایران (دوران اسلامی)؛ موزه پارس شیراز و مسجد رأس الحسین^(ع) قاهره محفوظ و نگهداری می‌شوند. حضرت علی^(ع) علاوه بر کتابت قرآن، آن‌ها را تذهیب نیز می‌نموده‌اند. در پایان یکی از قرآن‌ها آمده است: «کتبه و ذهبة علی بن ابی طالب».

قرآن‌های متعددی به خط منسوب به ائمه اطهار علیهم السلام کتابت شده است که هم اکنون در موزه‌ها و کتابخانه‌های ایران و برخی از کشورهای جهان نگهداری می‌شوند. برخی از این قرآن‌ها منسوب به خط کوفی و کتابت امام علی^(ع)، امام حسن^(ع)، امام حسین^(ع)، امام زین‌العابدین^(ع)، امام جعفر صادق^(ع)، امام موسی کاظم^(ع)، امام رضا^(ع) و امام هادی^(ع) می‌باشند که در کتابخانه و موزه قرآن آستان قدس رضوی موجود و محفوظ است.



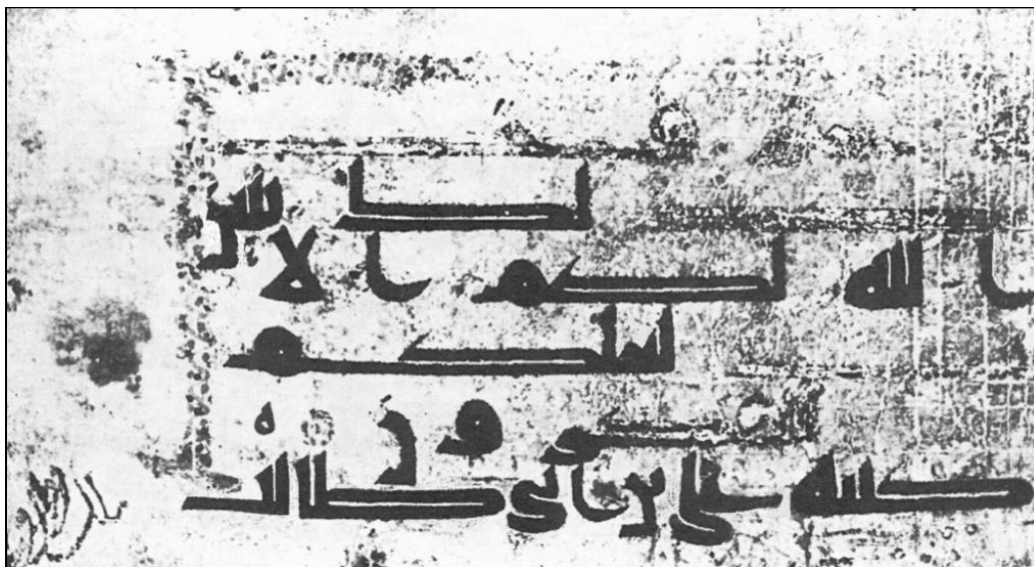
قسمتی از یک صفحه قرآن کریم به خط کوفی و تذهیب منسوب به حضرت علی^(ع) با رقم: «کتبه و ذهبة علی بن ابی طالب».

آخر سورة نوح و اول سورة جن، موزه ملی ایران

^۸ - بحارالانوار، ج ۱۸، ص ۲۷۰؛ عقدالفرید، ج ۳، ص ۵؛ اعجازالقرآن، ص ۳۵

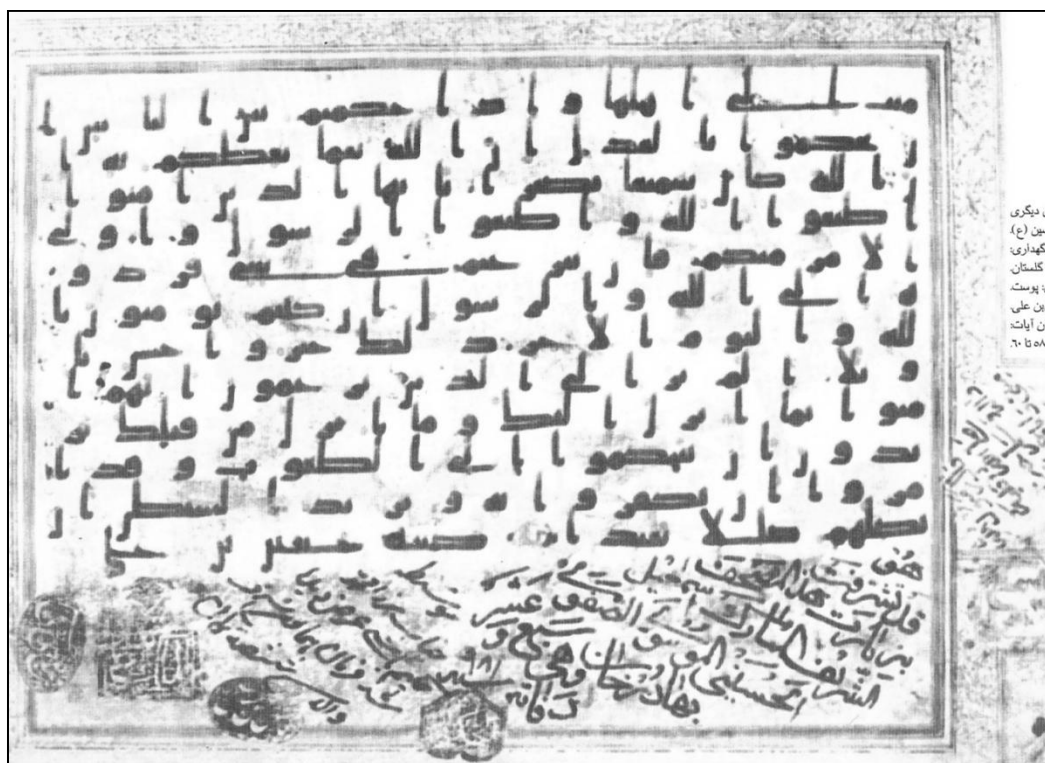
^۹ - تاریخ قرآن، ص ۸۴ و ۸۵

^{۱۰} - روزنامه ایران، شماره ۱۱۳۹، ۱۷ دی ۱۳۷۷، مقاله محمدعلی صالحی طالقانی



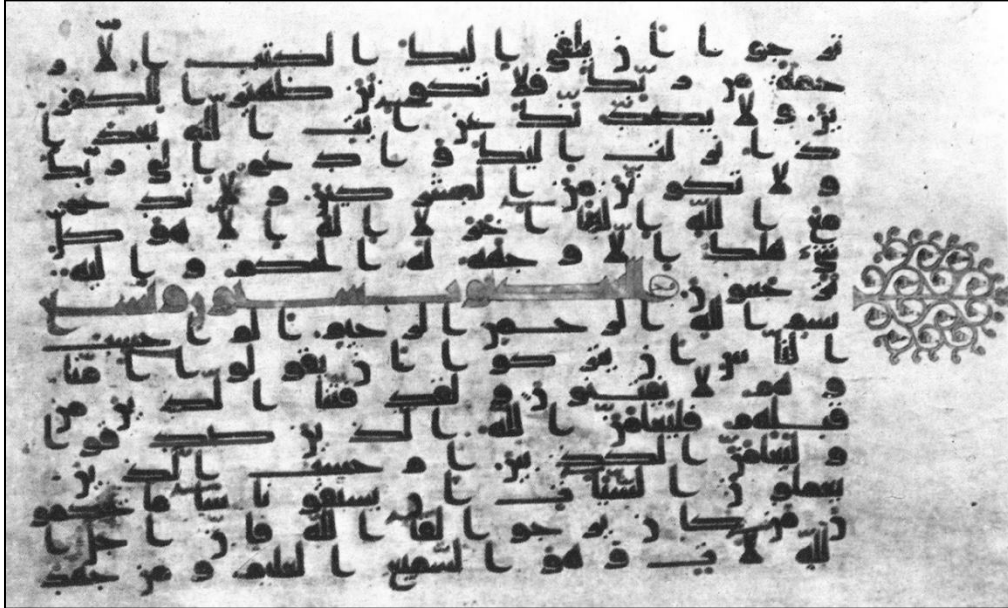
384- قرآن کریم به خط کوفی منسوب به امام علی (ع) با رقم «کتابه علی بن ابی طالب»، سورة بقره، آیه ۲۱۹.

موزه طوپ قاپی سرای، استانبول



389- قرآن به خط کوفی منسوب به امام حسین (ع) بر روی پوست، با رقم «کتابه حسین بن علی»، سورة نساء آیات ۶۰-۵۸، کاخ و موزه گلستان

سورة نساء آیات ۶۰-۵۸، کاخ و موزه گلستان



صفحه‌ای از قرآن به خط کوفی منسوب به امام رضا^(ع)، سوره قصص، آیات ۸۸ - ۸۶ و سوره عنکبوت، آیات ۵ - ۱،

موزه قرآن آستان قدس رضوی

تذهیب قرآن در قرون اولیه اسلامی - خوشنویسی مهم‌ترین عامل آشکاری است که مسلمانان را به

یکدیگر مرتبط می‌سازد، و در تمام شاخه‌های هنر اسلامی تجلی می‌یابد. بنابراین می‌توان گفت که خوشنویسی تنها هنر کاملاً اسلامی است. در جامعه اسلامی موضوعات قرآنی، ادعیه و احادیث، بیشترین کاربرد را در تزئین و آثار هنری خصوصاً کتاب آرایه داشته‌است. این موضوع شاید به دلیل ارتباط هنر والا و ارزشمند خوشنویسی با عرفان اسلامی بوده است که مسلمانان را متوجه خط و خوشنویسی کرده و باعث شد، تا جایگاه بلند هنر اسلامی در فرهنگ مسلمانان محفوظ بماند. اهمیت و منزلت کتاب مقدس و آسمانی قرآن کریم سبب شده است تا مسلمین در هر چه بهتر و زیباتر نوشتن خط تشویق شده و به بهترین وجه آن را تزئین و تذهیب کنند و همین امر موجب پیشرفت خط و خوشنویسی شد.

اسلیمی - واژه اسلیمی که در فرهنگ‌ها به نوعی نقش و نگار مرکب از خط‌های منحنی مارپیچ با شاخه-

های کوتاه و برگ و گل اطلاق می‌شود و در کتیبه‌ها و کاشی‌کاری‌ها و گچبری‌ها و تذهیب کتاب‌ها به کار می‌رود، بی ارتباط با کلمه «اسلامی» نیست. برخی محققان کلمه اسلیمی را همان اسلامی دانسته‌اند و گفته‌اند که از خط کوفی الهام گرفته شده، زیرا طرح‌های مختلف آن مشابهت بسیار با حروف کوفی درهم دارد، که واضع این

طرح حضرت علی^(ع) بوده و نیز گفته‌اند که نقش اسلیمی اصلاً از خط کوفی استخراج شده و لفظ اسلیمی را همان اسلامی دانسته‌اند.

خطوط کوفی قرآن‌ها - برای مصون ماندن کلام‌الله مجید از تصحیف و تحریف در خطوط کوفی، از

اعراب و اعجام^{۱۱} استفاده شد و آغازکننده آن ابوالاسود دؤلی، به توصیه و راهنمایی علی بن ابی طالب^(ع) بود^{۱۲}. ابتدا، اعراب نیز با نقطه مشخص می‌شد؛ سپس با رنگ قرمز (شنگرف) گذاشته شد تا با نقطه اشتباه نشود. پس از آن، کاتبان آیات قرآن را با مرکب سیاه می‌نوشتند و اعجام و اعراب را با مرکب‌های الوانی مانند: شنگرف، زنگاری، نیلی، لاجوردی و زعفرانی مشخص می‌کردند. از این قرآن‌ها در منابع مختلف به عنوان کوفی منقوط با شیوه ابوالاسودی و کوفی متحول یاد شده است.

با دقت در شیوه کتابت قرآن‌های به‌دست آمده به خط کوفی که از صدر اسلام تا قرن‌های ششم و هفتم هجری قمری نگاشته شده‌اند، پنج نوع قرآن دیده می‌شود:

- ۱- قرآن‌هایی که ساده و بدون نقطه نوشته شده‌اند.
- ۲- قرآن‌هایی که در آن‌ها نقطه به جای فتحه و کسره و ضمه به‌کار رفته است و به قرآن‌های ابوالاسودی معروف است.
- ۳- قرآن‌هایی که روش ابوالاسود و طریقه نقطه‌گذاری دو شاگرد وی، نصر بن عاصم و یحیی بن یعمر در آن‌ها رعایت شده است؛ به این معنی که نقطه هم به جای حرکت‌ها و هم برای خود نقطه به‌کار رفته است.
- ۴- قرآن‌هایی که در آن‌ها به جای نقطه حروف، حرکت‌ها و به جای حرکت‌ها، نقطه گذاشته شده است. مؤلف *مصورالخط العربی*، قرآن‌هایی که با این شیوه کتابت شده‌اند را کوفی عراقی نامیده است.
- ۵ - قرآن‌هایی که کاملاً مشکول است و در آن، به روش امروز، از نقطه‌های حروف و حرکت‌ها و اعراب و ضوابط استفاده شده است. (فضائلی، ص ۱۴۰)

۱۱- اعجام: نقطه گذاشتن بر حروف.

۱۲- پیدایش خط و خطاطان، ص ۴۶

در نخستین سده‌های هجری قمری، ذهن و زبان اصحاب فرهنگ و هنر متوجه ابزار و اسباب کتاب‌های مذهبی، علمی و ادبی شد، و زمینه برای کتابت قرآن توسط کاتبان چیره‌دست و راه‌های اصولی برای تذهیب و تزئین آن‌ها فراهم شد.

اکثر قرآن‌هایی که به خط کوفی کتابت گردیده‌اند، در صفحات آغازین و انجام، سرسوره‌ها، و آغاز جزءها به هنر تذهیب آراسته شده‌اند.

مشخصات قرآن‌های اولیه - همان‌گونه که در قرآن‌های اوایل دوران اسلامی مشاهده می‌کنیم، نگارش مصاحف اولیه ساده و بدون اعراب و نقطه انجام می‌گرفت. در آغاز این کتاب آسمانی از هرگونه آرایش و تزئین عاری بود، و با راه یافتن انواع مشخصات املایی مانند اعراب و اعجام که با نقطه‌های رنگین از جمله شنجرف و لاجورد همراه بود، به تدریج تزئینات ساده وارد قرآن شد. این تزئینات ابتدایی بیشتر نقوش گیاهی بودند که از گل و برگ‌ها الهام می‌گرفت و به صورت علائم پایان آیات، سرسوره‌ها با برگ‌های ساده و ترنج-های نه چندان ظریف و پیچیده، در ابتدای جزءها با آب زر تذهیب می‌شدند.



نقش بکار رفته در کتیبه مسجد ابن طولون در قاهره، قرن سوم هجری قمری

تذهیب و تزئین قرآن در اوایل دوران اسلامی - شاید بتوان تاریخ آرایش و تذهیب قرآن را هم‌زمان با نوشتن آن دانست به این معنی که نخست به منظور تعیین سر سوره‌ها، آیه‌ها، جزوها و سجده‌ها آن را به نوعی تزئین می‌کردند. رفته رفته علاقه مسلمانان به قرآن و همچنین عشق به تجمل، هنرمندان را بر آن داشت تا در تذهیب آن دقت بیشتری به کار برند و در نتیجه این آثار از سادگی بیرون آمد و جنبه تزئینی به خود گرفت به خصوص قرآن‌هایی که برای امرا و بزرگان نوشته می‌شد. این امر خود یکی از علل توجه هنرمندان به تزئین بیشتر و در نتیجه موجب تکامل فن تذهیب شد. از نحوه تذهیب و آرایش قرآن‌هایی که قبل از قرن سوم هجری قمری تدوین شده اطلاع چندانی در دست نیست. اصولاً درباره هنر نقاشی و مذهب کاری در قرون اولیه اسلام اطلاع زیادی به دست نیامده است. قرآن‌های نفیس غالباً به دستور سلاطین و امرای وقت تهیه می‌شد و هنرمندان سعی می‌کردند آن‌را که به طرز بسیار عالی آرایش کنند.

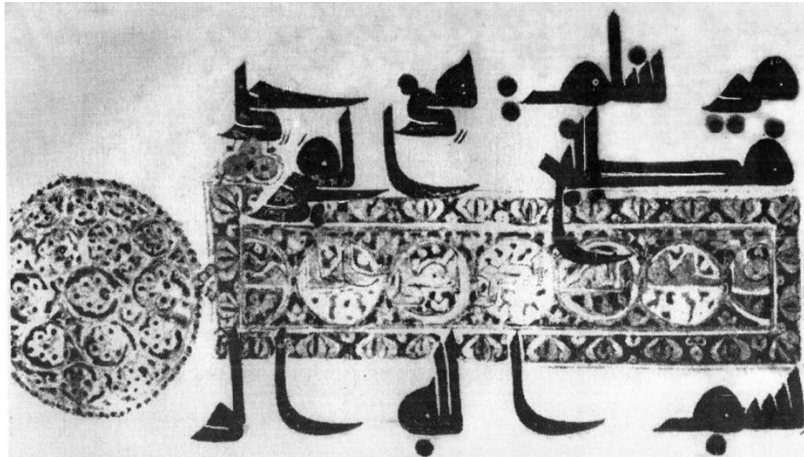
در قرون اولیه دوران اسلامی به همان اندازه که به خوشنویسی توجه می‌شد فن آرایش و تذهیب نیز مورد علاقه بزرگان و امیران بود تا جایی که در نقاط مختلف ایران به خصوص خراسان، مراکزی جهت تعلیم و پرورش علاقمندان در این فن به وجود آمد و رفته رفته فن تذهیب راه کمال را طی کرد.

آثار موجود در کتابخانه‌ها و موزه‌ها نشان می‌دهند که اولین مواضع تزئینی در قرآن‌های خط کوفی، سرسوره‌ها بودند. در ابتدا تزئین سرسوره شامل کتیبه بسیار ساده‌ی عنوان سوره و عدد آیات به خط کوفی بدون نقطه و اعراب، و به قلم زر بوده است. همچنین یک قاب مستطیل شکل با نقوش گره‌چینی شده حاشیه این کتیبه را تزئین می‌بخشید. در همین زمان صفحات آغاز و انجام قرآن کریم نیز با کادرهای مستطیل شکل که از داخل با عناصر متنوع گیاهی و هندسی تزئین شده بودند، تذهیب می‌گردید. علائم پایان آیات و علائم تقسیمات اولیه قرآن به صورت «نصف، ثلث، ربع، و...» از دیگر عناصر تزئینی در این قرآن‌ها است.

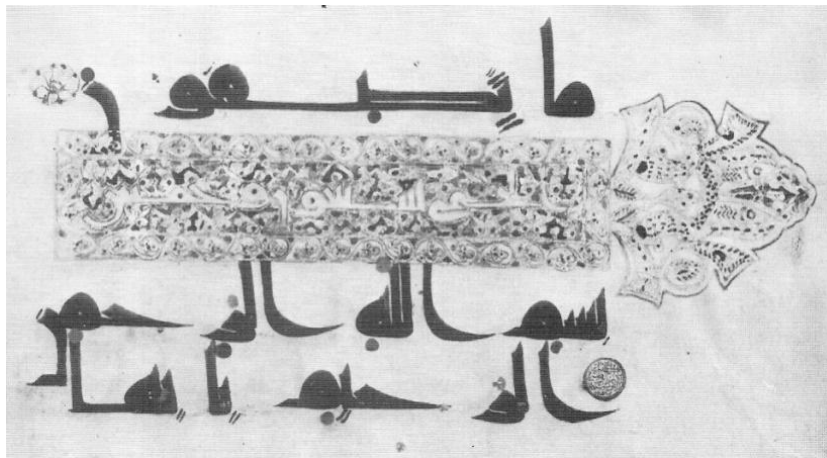
در قرون اولیه دوران اسلامی، خود خوشنویسان کار تذهیب را به عهده داشته‌اند ولی به تدریج تقسیم کار بین هنرمندان متداول و مرسوم شد. به احتمال قوی اول خوشنویس کار خود را انجام می‌داد، یعنی نسخه کتاب و یا قرآن را می‌نوشت و در ضمن کتابت آن مقداری فضا برای کشیدن صور و یا مذهب کاری در صفحات خالی می‌گذاشتند، طوری که بعضی از این کتاب‌ها که هم اکنون در دست است نشان می‌دهد که قسمتی از کار تذهیب ناتمام مانده است.

قدیمی‌ترین قرآن‌های باقی مانده از قرون اولیه اسلام همگی به خط کوفی است، نقش و تزئین آنها تقریباً یکنواخت بوده فقط در صفحه اول و گاهی دو صفحه آخر با نقوش هندسی آرایش می‌شدند. سر سوره‌ها نیز غالباً دارای نقوش تزئینی بوده و عموماً در سمت راست آنها یک یا چند گل درشت و ترنج طرح می‌زدند. شروع سوره و اسم آن را هم به قلم زر می‌نوشته‌اند و نقطه‌های حروف را با رنگ قرمز، سبز، زعفران و یا آب طلا مشخص می‌کردند. محل حزب و سایر علامات هم به همین شیوه تزئین می‌شد. چون ایرانی‌های مانوی مذهب، کتاب دینی خود (ارژنگ یا ارتنگ) را که به وسیله مانی منقوش و مزین شده بود، دیده بودند بعد از ایمان آوردن به اسلام به تزئین قرآن روی آوردند. اما احتمالاً به دلیل اینکه اسلام شکل و تصویر را نهی کرده و مکروه دانسته بود، هنرمندان برای ارضاء حس هنری خود به تزئین و تذهیب رو آوردند.

صفحات به دست آمده از کاوش‌های علمی تورفان نشان می‌دهد، که نقاشان و خوشنویسان ایرانی آن زمان توانسته‌اند به نحو زیبایی خطوط را با نقوش ترکیب کنند. این سبک تزئین در دوران اسلامی متداول و معمول شد.



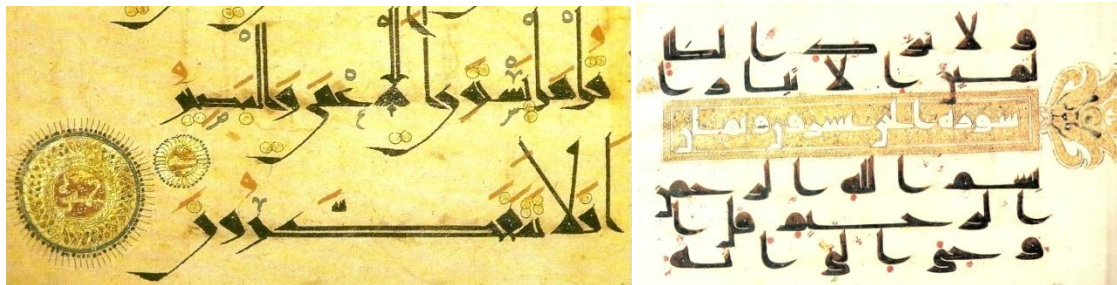
414. صفحه‌ای از قرآن کریم به خط کوفی عراقی، آیات ۴ و ۵ سوره قدر و بسم الله سوره بینه، قرن دوم هجری قمری



صفحه‌ای از قرآن کریم به خط کوفی منقوط، آخر سوره انبیاء و اول سوره حج، قرن ۳ هـ.ق.



تذهیب سرسوره قرآن مجید، قرن ۱ هـ.ق.، خط منسوب به امام رضا (ع)



تذهیب نشان آیات و سوره‌ها، قرن ۵ هـ. ق.

سرلوح مذهب قرآن مجید، قرن ۳ و ۴ هـ. ق.



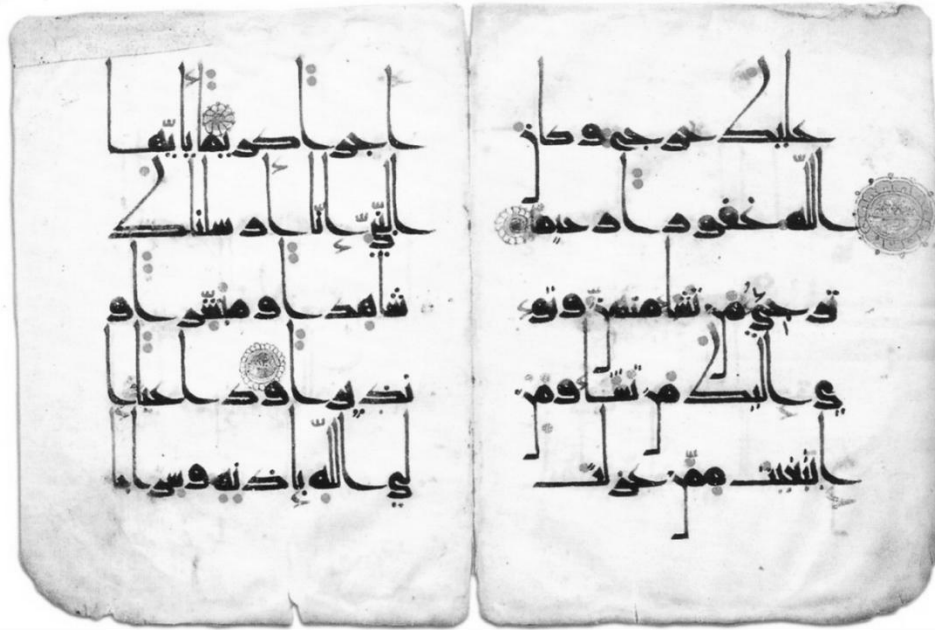
صفحه‌ای از قرآن کریم به خط کوفی بر پوست آهو، سده ۳ و ۴ هـ. ق.، موزه قرآن دوران اسلامی



قرآن به خط کوفی بر روی پوست با تذهیب سرسوره‌ها و علائم پایان آیات، بدون رقم، قرون سوم و چهارم هجری قمری

همان‌گونه که اطلاع داریم در اسلام صورت‌گری و مجسمه‌سازی منع گردید، به همین دلیل هنرمندان از اشکال نباتی و هندسی در آرایش و تزئین استفاده می‌کردند تا اینکه زمانی رسید که هنر فن تصویر در آن‌ها جلوه‌گر شد و از آن پس هنر تذهیب و تصویرگری رونق یافت. برای کتابت قرآن و یا تگارش کتاب‌های داستانی، کاتب متن را خوشنویسی می‌کرد و فضای لازم را برای نگاره و تذهیب باقی می‌گذاشت. برای انجام تذهیب و نگارگری از دو نوع قلم‌مو استفاده می‌شد: قلم‌موهایی که بسیار ظریف و نازک بودند و برای ایجاد خطوط بسیار نازک از آن استفاده می‌کردند، و نوع دوم ضخیم‌تر بودند که برای مذهب و نگارگر امکان ایجاد رنگ‌گذاری و خطوط درشت‌تر را فراهم می‌ساخت. پس از آن اگر نیاز بود، متن زرافشان شود در شرایطی که کاغذ هنوز مرطوب بود توسط متخصص با طلا افشان‌گری می‌شد. نگارگران همچنین مسئول قاب‌بندی و جدول‌کشی متون و اشعار در فضای تصویر بودند. پس از این مراحل، اوراق صحافی و جلد می‌شدند. نخستین کتابهای صحافی شده دارای جلد چرمی منقوش با اشکال هندسی یا تزئینات گیاهی بودند، که برگردان مثلثی شکلی در انتهای لبه جلد قرار می‌دادند.

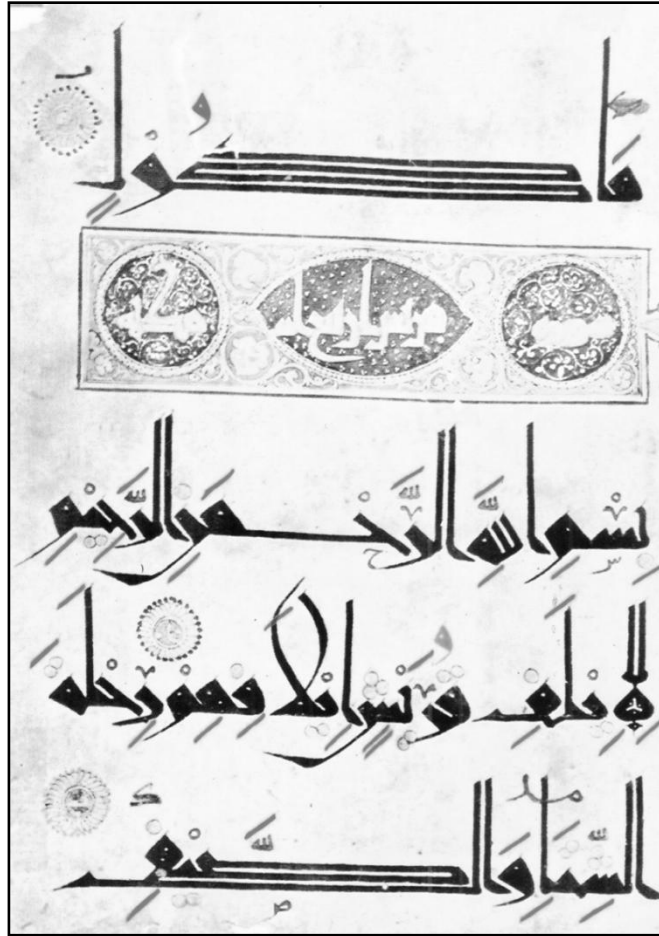
تذهیب و تزئینات قرآن در قرون چهارم و پنجم هجری - از سده چهارم هجری قمری به بعد قرآن‌ها
دارای صفحات مذهب و مرصع بسیار زیبایی در آغاز و انجام بوده‌اند. نفیس‌ترین نمونه قرآن‌ها، قرآن کتابت شده به خط کوفی عثمان بن حسین وراق، خوشنویس بزرگ قرن پنجم هجری قمری است که در موزه قرآن آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود. از این زمان به بعد، به مرور صفحات قرآن، فهرست سوره‌ها و فهرست عدد آیات نیز به صورت مذهب، بر صفحات مزین آغازین قرآن‌ها افزوده شدند. سوره‌ها و سایر تزئینات نیز به همین ترتیب تذهیب و ترصیع شدند. به طور کلی می‌توان گفت که تذهیب‌های به‌کار رفته در قرآن‌های سده چهارم هجری قمری، ساده و بی‌پیرایه و سده‌های پنجم و ششم متین و منسجم بوده‌اند.



416- صفحه‌ای از قرآن کریم به خط کوفی منقوط، سورة احزاب، آیات ۵۱-۵۰ و ۴۶-۴۴، قرن ۴ هـ.ق.



صفحه‌ای از قرآن کریم به خط کوفی ایرانی، عثمان بن حسین وراق غزنوی، سورة مریم، آیات ۸۳-۸۵ با تفسیر فارسی، ۴۸۴ هـ.ق، کتابخانه طوپ قاپی سرای استانبول (فن الخط)



429- صفحه‌ای از قرآن کریم به خط کوفی پیرآموز مشکول. سورة قریش آیات ۱ و ۲ (گلستان هنر)

مصور سازی و تزئین نسخ اوایل دوران اسلامی - در سده سوم هجری که زبان نوین فارسی متولد

شد، شرایط برای خوشنویسی و کتاب‌آرایی مهیا گردید و آثار ارزشمندی از متون فارسی و عربی پدید آمد. نقاشان، خوشنویسان، مصوران، جدول‌کشان، جلدسازان و صحافان علاوه بر کتابت و تذهیب قرآن، سهم بسزایی در کتاب‌آرایی و استنساخ دیگر کتب علمی، ادبی، فرهنگی و هنری داشتند. برخی از این آثار که علاوه بر تصویرگری، تذهیب و تزئین می‌شدند، عبارت بودند از:

۱- شاهنامه فردوسی که از مشهورترین نمونه‌های اولیه کتاب‌های فارسی است. نسخه دوم شاهنامه توسط

حکیم ابوالقاسم فردوسی در سال ۴۰۰ - ۴۰۱ هجری قمری به اتمام رسید و آماده تقدیم به دستگاه ریاست و سلطنت سلطان محمود غزنوی شد. با سرودن این اثر حماسی، می‌توان تصور کرد که شرایط برای نگارش انبوهی از کتب فارسی فراهم آمد. بالطبع برای مطالعه این اثر حماسی - ملی نیاز به نسخه‌های مکتوب از آن

احساس شد. نسخه‌های متعددی از این اثر ارزشمند حماسی، در مکتب‌های مختلف سلجوقی، ایلخانی، هرات، شیراز، تبریز و صفوی نگاشته و مصور شدند، و با تزئینات و نقش و نگارهای زیبا آراسته گردیدند.

۲- متون سنتی قدیمی در قرن هفتم هجری قمری در دنیای عرب وجود داشته که اغلب آن‌ها در زمره کتب علمی بوده است. البته کتاب‌های داستانی، تاریخ و حکایت نیز مصور می‌شدند. با این تفاسیر، شاید نام کسانی که نخستین کتاب‌های مصور فارسی را نقاشی کرده‌اند آشکار نگردد ولی این نکته که از قرن هفتم هجری بسیاری از کتاب‌ها مصور شده‌اند، محرز است. در ابتدا این تصاویر مکمل متن بوده و بی بهره از ظرافت بوده‌اند، اما در تنها کتاب باقی مانده از پیش از مغول یعنی «ورقه و گلشاه» تزئینات گیاهی و حیوانی تجربه شده است.

۳- کلیله و دمنه - که عبدالله بن مقفع در قرن دوم هجری قمری آن را از پهلوی به عربی ترجمه کرد.

۴- جامع التواریخ خواجه رشیدالدین فضل الله که علاوه بر تصویر گری با نقوش هندسی در زمینه‌های برخی از نقاشی‌ها تزئین شده‌اند.

۵- خمسه نظامی، اثر: نظامی گنجوی

۶- دیوان امیر خسرو دهلوی

۷- بوستان و گلستان سعدی، اثر: شیخ مصلح‌الدین سعدی شیرازی

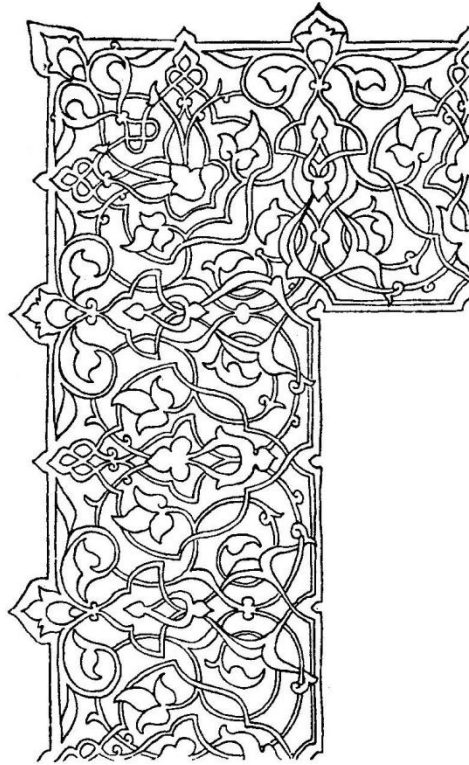
۸- دیوان حافظ، اثر: خواجه شمس‌الدین محمد حافظ شیرازی

۳- نگارگران قرن هشتم هجری در آثار خود، از به کار گرفتن اندام و عناصر غیر ضروری پرهیز کردند و حتی در دیوان‌های سلطنتی صحنه‌هایی از جریانات روزمره را نیز مصور ساختند. به همین جهت نگاره‌ها مکملی برای متن به شمار می‌آیند.

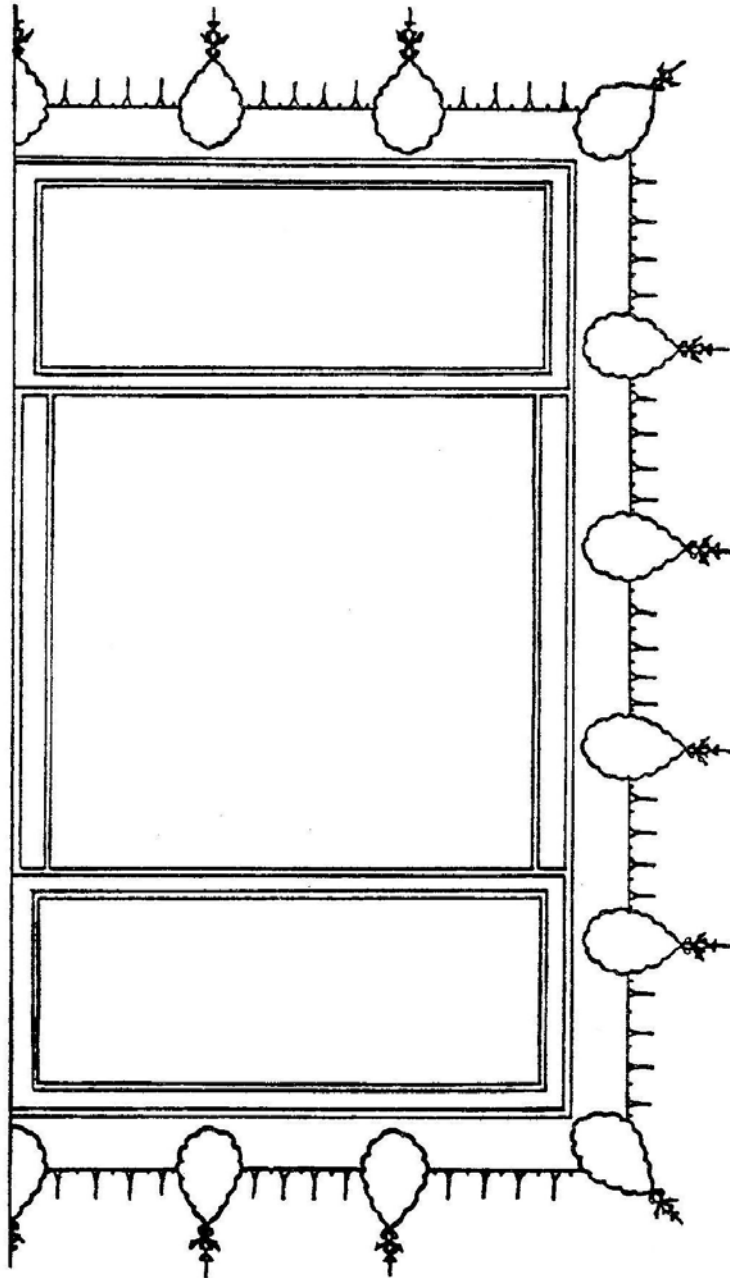
۴- زمانی که تک چهره نگاری مرسوم گشت، هنرمندان ایرانی، آثار خود را در اندازه‌های متعارفی کار می‌کردند که در یک «مرقع» جای می‌گرفت و این اتفاق تا قرن چهاردهم هجری قمری نیز ادامه یافت. این موضوع گواه بر این است که نگارگران توانستند ذوق و سلیقه‌ای اتخاذ کنند که مورد پسند هواداران‌شان باشد.

۵- تا اواخر سده نهم هجری قمری، اکثر نگاره‌ها فاقد امضاء و به ندرت متناسب به هنرمندی بودند. پس از این دوره نگارگران به تدریج آثار خود را امضاء کردند که این موضوع پس از فروپاشی نظام کتابخانه‌های

سلطنتی و رشد اقتصادی- هنری به وجود آمد و نام هنرمند، اعتبار هنری اثر محسوب می‌شد. این روند باعث بروز پدیده امضاء جعلی در گوشه آثار هنری شد. در این میان نسخه‌برداری و تکرار ترکیب بندی قدیمی، یکی از شیوه‌های پیوند نقاشی ایرانی متقدم و متأخر ایران است.



قسمتی از حاشیه قرآن، ۸۲۰ هـ. ق. دوره تیموری



تذهیب به کار رفته در یک صفحه از گلستان سعدی، ۸۵۶ هـ. ق.، مجموعه چستربیتی، لندن

۷- شاهکارهای نقاشی ایرانی نشان دهنده احساس متعالی از دانش طراحی و معرف شعور بالا در کاربرد

فرم و رنگ بر روی یک سطح دو بعدی است.

۸- با وجود نفوذ شیوه‌های اروپایی از سده یازدهم هجری قمری به بعد، نگارگر ایرانی تمایلی به تجسم فضای سه بعدی روی سطح دو بعدی از خود نشان ندادند که شاید آن را عملی دور از صداقت می‌پنداشتند و در نهایت این هنر متعالی، بدون ورود به حریم دنیای واقعی، بیننده را مجذوب می‌ساخت.

۹- تا قبل از سده سیزدهم هجری قمری، اندام‌ها کمتر به بیننده مستقیم نگاه می‌کنند، اما در دوره‌های بعد که نگاه هم می‌کنند، نگاهشان خاضعانه است.

۱۰- با توجه به دفعاتی که ایران مورد تجاوز قرار گرفت و همچنین تنوع اقوام و گویش‌های مختلف در کشور، نباید از تأثیر بسزای عوامل بیرونی که در تکامل شیوه نقاشی ایرانی نقش داشته‌اند غافل ماند؛ ولی مطمئناً اغلب نقاشی‌های ایرانی دارای کیفیتی متمایز در رنگ‌های درخشان، لبه‌های هندسی درخشان، دقت در پرداخت و اجرای همتراز با شیواترین بیان هنری هستند که آن‌ها را از دیگر شیوه‌ها مجزا می‌سازد.

۱۱- فرهنگ غنی ایران و دیگر نموده‌های آن که معرف هنر این کشور است در تمامی دوره‌ها از نگارگری بهره برده است.

۱۲- مهم نیست که موضوع داستان مصور را بدانیم یا نقاشش را بشناسیم؛ آنچه اهمیت دارد این است که نقاشی ایرانی هرچند که از لحاظ اندازه کوچک است، اما جهان بینی آفرینندگان و حامیان ایشان را از طریق تصویر آشکار می‌سازد.

بخش سوم

مکتب‌های تذهیب

مکتب‌های تذهیب

تذهیب، همچون نقاشی دارای مکتب‌ها و دوره‌های خاص است، چنان‌که می‌توان از مکتب‌های: سلجوقی، ایلخانی (مغول)، تیموری (هرات و شیراز)، صفوی (اصفهان) و قاجار سخن گفت. هر مکتب برای خود شعبه-های مختلف دارد. برای مثال در مکتب تیموری شعبه‌های شیراز، تبریز، خراسان و... را می‌توان تمیز داد. در واقع، روش قرارگرفتن نقش‌ها و رنگ‌ها در یک صفحه تذهیب و نیز تنظیم نقش‌ها، در مکتب‌های مختلف با یکدیگر متفاوت است. برای نمونه، تذهیب در مکتب بخارا، به آسانی از تذهیب در دیگر مکتب‌ها باز شناخته می‌شود. چه در مکتب بخارا از رنگ‌های زنگار، شنگرف، سورنج و سیاه استفاده می‌شده، در صورتی‌که در مکتب‌های دیگر این رنگ‌ها به این ترتیب، کاربرد نداشتند.

تذهیب در دوره‌های مختلف، بیان‌کننده حالات و روحیات آن دوره‌ها هستند. تذهیب‌های سده چهارم هجری ساده و بی‌پیرایه، سده‌های پنجم و ششم متین و منسجم، سده هشتم پرشکوه و نیرومند و سده‌های نهم و دهم ظریف و تجملی هستند. بررسی آثار تذهیب شده در دوره‌های گذشته، بر تاثیر فراوان هنر تذهیب ایران بر دیگر کشورها (هند، ترکیه عثمانی و کشورهای عربی) حکایت دارد. هنرمندانی که در اوایل دوره صفوی از

ایران به هند مهاجرت کردند، بنیان‌گذار مکتب نقاشی ایران و هند شدند، و آثاری بزرگ از خود به یادگار گذاشتند. آثار به جا مانده از مکتب مغولی هند که در نوع خود بی نظیر است، بر این واقعیت حکایت دارد که این مکتب تداوم مکتب نقاشی ایران و هند است.

در ترکیه عثمانی، هنرمندان مذهب زیادی به ظهور نرسیدند، و اگر این هنر در آن سرزمین رشد کرد، به خاطر هنرمندان ایرانی بود که با مهاجرت به ترکیه عثمانی، بنیان‌گذار مکتب هنری در آن دیار شدند. در کشورهای عربی نیز، به سبب بازگشت هنرمندان ایرانی از آن کشورها، هنر تذهیب رواج چندانی نیافت.

در واقع، هنر تذهیب ایران در دنیا یگانه و منحصر به فرد است. در اروپا، به نوعی از آذین و آرایش، تذهیب می‌گویند، و تذهیب ایرانی را با آن مقایسه می‌کنند. اما تذهیب اروپایی با تذهیب به شیوه ایرانی، کاملاً متفاوت است. آذین‌های تذهیب اروپایی از ساقه درختی مانند مو و برگ‌های رنگین تشکیل شده است، و در کنار آن‌ها گاهی پرندگان، حیوانات، صورت‌های مختلف انسان و مناظر طبیعی را می‌توان مشاهده نمود.

(تاکستانی، ۱۳۷۲، ۲۶)

فصل اول

مکتب سلجوقی

در دوره سلجوقی (۴۲۹ - ۵۹۰ هـ. ق.)، دوباره تصویر سازی کتاب ارزشنگ مانى رونق می‌یابد. در این مکتب نقش‌ها و تزئینات بر روی متن رنگ آمیزی شده، نقاشی می‌شدند. چهره‌ها با چشم‌های بادامی و شبیه به نژاد زرد، و لباس‌ها با گل و گیاه و نقوش اسلیمی تزئین می‌گردید. از این زمان تعدادی از کتاب‌های مصور به دست آمده است. نقش و نگارها در این آثار نزدیکی و وجه اشتراک زیاد با آثار سفالین این دوره دارند. از منظر بصری در این مکتب، ترکیب بندی‌های ساده حفظ شده ولی تأثیراتی از نقاشی عهد ساسانی و پیش از اسلام و سلیق شرق دور (چین) بر این مکتب حاکم شده است.

تذهیب‌های مکتب سلجوقی - از قرن ششم هجری قمری به بعد، تزئین و تذهیب قرآن‌ها نسبت به دوره‌های قبل متفاوت بود و تزئینات قرآن‌ها از سادگی خارج شد. در این دوره نقوش هندسی جای خود را به طرح‌های شاخ و برگ‌دار دادند. این گلبرگ‌های به هم پیچیده، انسان را به یاد نقوش استفاده شده در مساجد این دوره که در اصفهان، قزوین و اردستان یزد بنا شده‌اند، می‌اندازد. از دوره سلجوقی به بعد کتیبه سرسوره‌ها که قبلاً با خط کوفی ساده نوشته می‌شدند، با خطوط کوفی تزئینی، ثلث و رقاع نوشته شدند. نوشته‌ها با رنگ‌های زرآب، سفیدآب، مشکی و لاجوردی؛ و تذهیب‌ها معمولاً زر، لاجورد و مشکی بودند.

از دوره سلجوقی چند جلد قرآن مذهب باقی مانده است که دو نسخه از آن‌ها دارای تذهیب و آرایش خاص و منحصر به فردی است:

۱ - یک نسخه قرآن با ترجمه و تفسیر «سورآبادی»، که در سال ۵۸۴ هـ. ق. کتابت، تذهیب و در چهار جلد صحافی شده است. این قرآن توسط محمدبن علی نیشابوری برای مطالعه امیر غیاث‌الدین ابوالفتح محمد بن سام تهیه شده است، ولی متأسفانه نامی از مذهب آن به میان نیامده است. احتمال استنساخ آن در خراسان بوده است، زیرا که قرآن به نام یکی از امرای غوری نوشته شده است. این نسخه را شیخ الاسلام ابوالفتح شمس‌الدین مظهر به مزار جد بزرگوارش شیخ احمد جامی وقف کرده است. این نسخه که یکی از بهترین و

نفیس‌ترین قرآن‌های دوره سلجوقی است هم اکنون در موزه ملی ایران نگهداری می‌شود. (تاریخچه کتابت، ص ۱۵)

ویژگی‌های هنری نسخه:

الف - اندازه قرآن: طول ۴۱ و عرض ۳۳ سانتی‌متر؛

ب - نوع کاغذ: سمرقندی؛

ج - کاتب: محمدبن علی نیشابوری؛

د - خط متن و ترجمه و تفسیر: نسخ با قلم نیم دانگ؛

ه - نوع جلد: چرمی که متعلق به زمان نسخه است. روی جلد با گره‌های ضربی تزئین شده است؛

و - آرایش نسخه: از لحاظ تذهیب، بهترین نمونه تذهیب دوره سلجوقیان به سبک خراسان به‌شمار می‌آید.

در سرلوح آن طرح‌های هندسی با گره‌های مرتب تلفیق شده و نقش‌های حاشیه آن که شامل علائم قرآنی است، ترکیب زیبایی از شاخ و برگ‌های پیچیده را به وجود آورده است، به نحوی که اختلاف رنگ آن‌ها روی زمینه «زر» بر جلوه نقش بسیار افزوده است. همین ترکیب خطوط مستوی و هلالی شکسته، بعدها در قرن هفتم هجری قمری در دوره ایلخانان متداول می‌گردد، ولی در این زمان هنوز گلبرگ‌های منقسم دوتایی با شاخه‌های نل‌زک ماریچی، عنصر اصلی را تشکیل می‌دهند. یکی از نوآوری‌های نقوش این قرآن‌ها، ترکیب زیبایی است که از چهار هلال دوتایی گلبرگ به دور گل ستاره شکل کوچکی حجاصل می‌گردد و اندیشه اصلی شمس را در بر دارد. هر یک از سرسوره‌ها که حاوی نوشته نام سوره و عدد آیات بوده و به خط کوفی نوشته شده است، در میان شاخه‌های نازک اسلیمی به هم پیچیده گل‌های پُرپر که انتهای آن‌ها برگشته و همانند گلبرگ‌های کاشی‌ها و ظرف‌های آن زمان است. دور نوشته متن در صفحات اول هر مجلد با قلم قرمز روشن محدود شده و گل‌های درشت دو برگی از پشت حروف روییده و مانند آن است که خط فرعی آن‌ها را قطع کرده باشد. در دوره سلجوقی گاهی شاخ و برگ‌های تزئینی در ضمن امتداد حروف، حرکت نوینی به وجود آورده است.

۲ - دوره کامل نسخه کلام الله مجید همراه با ترجمه فارسی و تفسیر «طبری» که در سال ۶۰۶ هجری

قمری در هفت جلد توسط اسدبن محمد ابوالخیر استنساخ شده و خلاصه تفسیر طبری در پایان هر سوره آمده

است. در پایان جلد هفتم رقم مذهب پس از نام کاتب آمده است، و تاریخ پایان تذهیب ۶۰۸ ه. ق. ذکر شده

است که نشان می‌دهد این کار دو سال به طول انجامیده است. شیوه کار مذهب، نشان می‌دهد که این نسخه با رویه خراسان منطبق است.

ویژگی‌های نسخه:

الف - اندازه قرآن: طول ۳۹ و عرض ۳۱ سانتی‌متر؛

ب - کاتب: اسدبن محمدبن ابوالخیر؛

ج - مذهب: احمد عتیق؛

د - خط متن: ثلث ممتاز و ترجمه با قلم نسخ؛

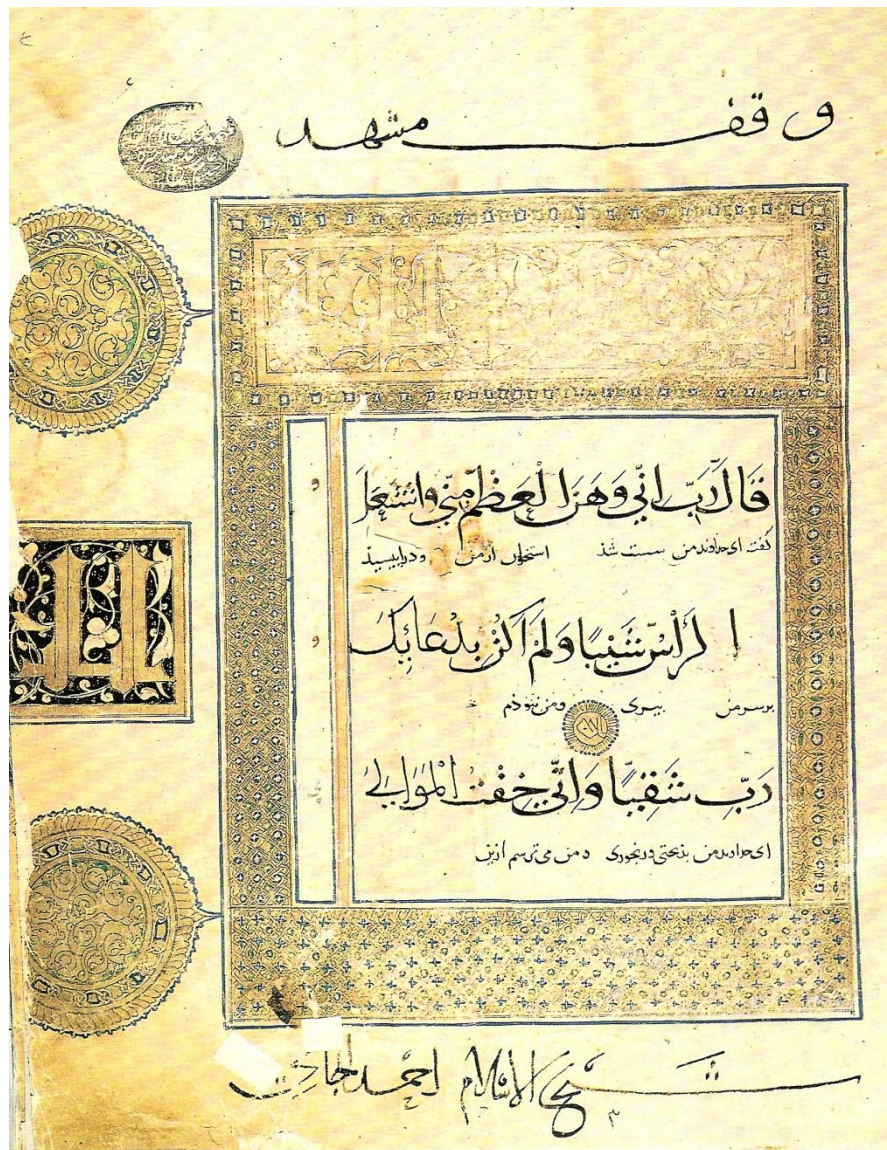
ه - آرایش نسخه: آرایش این نسخه از کلام الله به صورت زیر مشخص شده است:

۱- در طرح سرلوح‌ها، خطوط مستقیم و هلال‌های شکسته با هم تلفیق شده و از ترکیب آن‌ها اشکال تازه‌ای به وجود آمده که حالت یکنواختی متن زرین را کاملاً از بین برده است.

۲- در حاشیه به‌جای ترنج‌های واقع بر دو گلبرگ متداول دوره سلجوقی، نقش یک گل تزئینی از ترکیب دو شاخ و برگ به هم پیچیده، که یکی با گلبرگ‌ها منطبق به طور شکفته، و دیگری با شاخه نازک که در میان آن به حرکت درآمده، مشاهده می‌شود.

۳ - در کتیبه عنوان و سرسوره‌ها، متن نوشته کوفی با عنصر گلبرگ‌های تزئینی تازه‌ای ساخته شده، که از ویژگی‌های سبک قرن هفتم هجری قمری است.

۴ - از حیث رنگ نیز جلوه زمینه طلایی تذهیب‌های شرق ایران (خراسان) ف کمتر از غرب ایران است. به طور مثال، یکی از سرلوحه‌های این قرآن دارای ترنج مدوری است که اطراف آن، گل‌های دو رنگ شبیه به غنچه زینت یافته و گلبرگ دیگری اطراف آن را فراگرفته است. (تاریخچه کتابت، ص ۱۸) باید توجه داشت که در دوره سلجوقی، تذهیب‌کاران، آرایش قرآن‌ها، ابزار و ادوات، ظرف‌ها، بافته‌ها و تزئین بناها را پیشه خود ساخته بودند. در این دوره، تذهیب‌ها متین و منسجم بودند.



صفحه‌ای از قرآن مجید مذهب مرصع، دارای سرسوره در قاب مستطیل مذهب، عنوان سوره به خط کوفی تزئینی به قلم سفیدآب و تحریر مشکی و در زمینه نقوش اسلیمی به کار رفته، کاتب: محمدبن علی بن محمدبن علی نیشابوری، ۵۸۴ هـ. ق.



صفحه‌ای از قرآن به خط مغربی، قرن ششم هجری قمری، اندلس

فصل دوم

مکتب ایلخانی

دوران حکومت ایلخانان، یکی از ادوار مهم تاریخ ایران است که در آن چهره‌های درخشانی در زمینه‌های علم، ادب، نجوم، شعر، عرفان، نقاشی، موسیقی و خوشنویسی ظهور کردند، و هر یک در پیشرفت و غنای فرهنگی ایران کوشش فراوانی نمودند.

حکومت ایلخانان - هلاکو خان، پس از فتح ایران، مراغه را پایتخت خود قرار داد و سلسله‌ای تاسیس کرد که به ایلخانان معروف شد. هلاکو و جانشینانش که پی بردند نمی‌توانند با نیروی شمشیر بر مردم حکومت کنند، برای خود وزیران ایرانی انتخاب کردند و مأموران ایرانی را برای اداره کشور و جمع‌آوری مالیات منصوب نمودند. ایلخانان در آغاز حکومت بر سرزمین‌های مفتوحه، به علت غنای فرهنگی ایران اسلامی، ناچار بودند ظاهراً از شعائر و آداب و عقاید اسلامی تبعیت نمایند. غازان‌خان (ششمین پادشاه از اولاد هلاکوخان) سلطانی عادل و نیکوکردار بود، و به واسطه او بسیاری از مغولان به دین اسلام درآمدند. مغول‌های ایران که از مدت‌ها قبل به تدریج به اسلام گرایش پیدا کرده بودند نیز مسلمان شدند. سلطان محمد خدابنده (اولجاتیو) برادر غازان خان نیز مذهب تشیع داشت. وی شهر سلطانیه را ساخت و پایتخت خود قرار داد. همچنین در زمان سلطنت وی، مغولان به شیعه گرایش پیدا کردند.

فرهنگ و تمدن مردم مسلمان ایران بسیار بالاتر از مغولان بود؛ در نتیجه آنان تحت تاثیر فرهنگ و تمدن ایرانی قرار گرفتند و بسیاری از عادات زشت و وحشی‌گری‌های گذشته را فراموش کردند. در این راه وزیران با تدبیر ایرانی چون خواجه نصیرالدین طوسی، خواجه رشیدالدین فضل‌الله و عطاء ملک جوینی، خدمات بزرگی به مردم ایران ارائه نمودند. چهره‌هایی دیگری چون: سعدی، حافظ، مولانا، یاقوت مستعصمی، احمدبن سهروردی و... آثاری پدید آوردند که تا ابد باقی ماند و زینت بخش کتابخانه‌ها و موزه‌های جهان گردید.

در دوره ایلخانی مردانی بی‌نظیر و بی‌بدیل ظهور کردند که در علم و ادب و شعر و هنر و موسیقی سرآمد شدند. و آن‌ها عبارت بودند از: خواجه نصیرالدین طوسی (وزیر دانشمند و حکیم هلاکوخان)؛ خواجه رشیدالدین فضل‌الله (هنر دوست و هنر پرور)؛ عطاء ملک جوینی؛ علامه حلی (از علمای امامیه)؛ ابن بطوطه

(جغرافی‌دان و جهانگرد اسلامی)؛ و از شعرا و عرفا: افصح المتکلمین شیخ شرف‌الدین بن مصلح‌الدین سعدی شیرازی، شمس تبریزی، مولانا جلال‌الدین محمد بلخی (از شعرا و عرفا)، اوحدی مراغه‌ای، فخرالدین عراقی، خواجه‌ی کرمانی، ابن یمین، عبید زاکانی، لسان‌الغیب شمس‌الدین محمدحافظ شیرازی (عارف و غزلسرای بزرگ)؛ عبدالؤمن (موسیقی‌دان) و جمال‌الدین یاقوت مستعصمی (خوشنویس چیره‌دست که سرآمد خوشنویسان جهان بود).

تذهیب‌های مکتب ایلخانی - مکتب ایلخانی که به نام «مکتب تبریز ۱» و «مکتب مغول» نیز معروف است، در دوره ایلخانان (قرن هفتم هجری قمری و پس از استیلای مغول بر ایران) پی‌ریزی شد. خواجه رشیدالدین فضل‌الله از وزیران هنر دوستی بود که در این دوران کارها و حمایت‌هایش از هنرمندان و دانشمندان، موجب پیشرفت علم و هنر شد. در زمان وزارت او، تصویرگری کتاب بسیار رونق گرفت. وی در نزدیکی شهر تبریز مجموعه‌ای به نام «ربیع رشیدی» یا «رشیدیه» بنا کرد که دارای کتابخانه، بیمارستان و ساختمان‌های متعدد برای سکونت هنرمندان و کارکنان آنجا بود. بسیاری از هنرمندان عصر که متشکل از خوشنویسان، مصوران، مذهبیان، جدول‌کشان، جلد‌سازان و صحافان بودند به این مکان فرهنگی و هنری دعوت شدند و به کتاب‌آرایی و استنساخ کتاب‌های تاریخی و فلسفی و ادبی پرداختند. قرن هشتم هجری قمری شهر تبریز یکی از مراکز مهم برای تشویق و پرورش هنرمندان به شمار می‌رفت و این امر موجبات توسعه و تکامل هنر نقاشی ایرانی و تذهیب را فراهم ساخت.

توجه بیشتر برای کتابت قرآن و کتاب و آرایش و تذهیب آن‌ها در دوره ایلخانی، سبب شکل‌گیری مکتب جدیدی شد که به «مکتب تبریز ۱» معروف گشت. به وجود آمدن مکتب تبریز ۱، در هنر نقاشی ایرانی و تذهیب در دوره‌های بعد تأثیر بسزایی داشت. از تغییراتی که در طرز تذهیب و آرایش قرآن و کتاب در این دوره به وجود آمد، استفاده از اشکال هشت گوش و ستاره دوازده پر به صورت مرکب یا مجزا از هم بر سر لوح‌ها و نیز ستاره‌های آبی رنگ و گل‌های پرپر کوچک برای تزئین است. سر سوره‌ها نسبتاً پهن و با خط کوفی روی زمینه لاجوردی با شاخ و برگ درشت نقش شده‌است. در حواشی قرآن نیز گاهی نقش تزئینی از طرح‌های اسلیمی دیده می‌شود که از حیث رنگ آمیزی بسیار جالب است. علاوه بر رنگ طلا از الوان دیگر

چون آبی، قرمز، سبز و پرتقالی نیز استفاده می‌شده، روی هم رفته در این دوره صنعت تذهیب به اوج کمال و ترقی خود رسیده‌است.

در میان علما، نویسندگان، شعرا و هنرمندان مکتب ایلخانی، یاقوت چون یاقوتی درخشید، و با ظهور وی فصل جدیدی در باب خط و خوشنویسی باز شد. چرا که آثار علمی و ادبی، فرهنگی و هنری، از آن پس به دست توانا و هنرمندانه یاقوت و شاگردانش، و همه خوشنویسانی که پس از وی ظهور کردند، نگارش و ثبت و ضبط گردید و توسط مذهبان و مصوران تذهیب و تزئین گردید. یاقوت مستعصمی شش شاگرد برجسته داشت که عبارت بودند از: ارغون‌بن عبدالله کاملی، یوسف مشهدی، شیخ احمد سهروردی، مبارکشاه‌بن قطب «زرین-قلم»، نصرالله طیب و سیدحیدر گنده‌نویس. این استادان هر یک قرآن‌ها و کتاب‌های متعددی را کتابت کردند، خصوصاً سهروردی که و پس از آن توسط مذهبان نامدار آرایش و تزئین گردید. همچنین مذهبان نامداری چون «محمدبن ایبک» و جلد‌سازانی مانند «عبدالرحمن» از دیگر هنرمندان ربع رشیدی بودند.

آرایش قرآن در دوره ایلخانی - شیخ احمد سهروردی در بغداد از یاقوت مستعصمی تعلیم خط می‌گرفت.

پس از حمله مغول به بغداد و کشته شدن یاقوت، شیخ احمد چندی در آن شهر باقی ماند و کتیبه‌هایی برای مساجد بغداد نوشت. سپس به تبریز پایتخت ایلخانان منتقل شد و در آنجا به کتابت قرآن مشغول شد. وی ۳۳ نسخه قرآن کتابت کرد. دوران درخشندگی کار او، سده هشتم هجری قمری است. در میان قرآن‌هایی که وی کتابت نموده است، قرآنی است به تاریخ ۷۰۴ هـ. ق. که آن را محمدبن ایبک از مذهبان دوره ایلخانی آن را آراسته است. این قرآن در موزه ملی ایران نگهداری می‌شود.

ویژگی‌ها و مشخصات نسخه:

الف - اندازه قرآن: طول ۵۰ و عرض ۳۸ سانتی‌متر؛

ب - کاتب: شیخ احمد سهروردی؛

ج - مذهب: احمدبن ایبک؛

د - خط متن: محقق؛

ه - خط سرسوره: کوفی تزئینی؛

و - آرایش نسخه: این نسخه از کلام الله از بهترین نمونه کار محمد ایبک در ربع رشیدی است، به صورت زیر مشخص شده است. ویژگی های مهم آثار قرآنی این دوره:

۱- قطع بزرگ کلام الله مورد توجه سرپرستان ربع رشیدی بوده، به گونه ای که در وضع طرح سرلوح آن نیز تأثیر داشته است، و در ضمن فضای خوبی برای ترسیم نقوش هندسی و گره های به هم پیوسته به دست مذهبیان می داده است؛

۲- استفاده از رنگ های خوش نما مانند: قرمز، طلایی، لاجوردی سبز و زرد؛

۳- از ویژگی های دیگر این مکتب، افزایش طبیعت گرایی و ترکیب بندی نگاره هاست؛

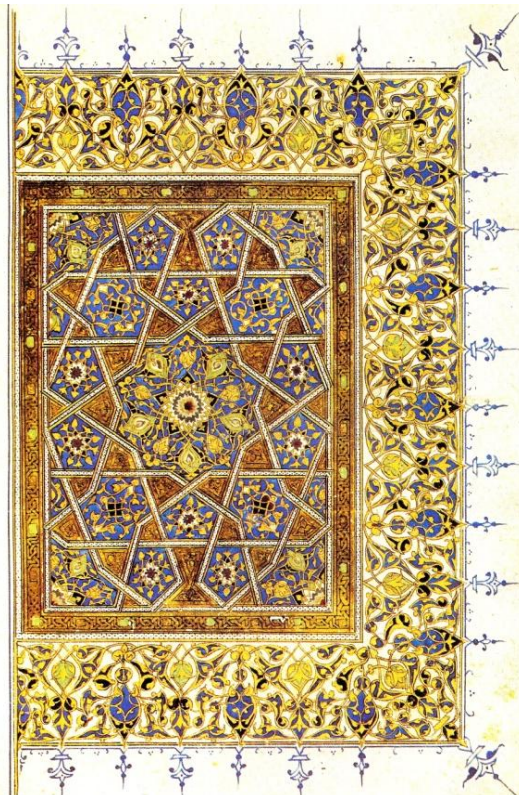
۴- استفاده از ترنج در کنار سرسوره ها با نقوش گیاهی و اسلیمی.

تذهیب کاران دوره مغول از رنگ های طلایی، آبی، قرمز، سبز و نارنجی استفاده می کردند و آبی سیر را به عنوان زمینه ای که رنگ های دیگر آن را فرا می گیرد، انتخاب می کردند.



قرآن مجید به خط سهروردی و تذهیب محمدبن ایبک، ۷۰۴ هـ. ق.

مکتب ایلخانی



تذهیب صفحه آغازین قرآن مجید با نقوش هندسی

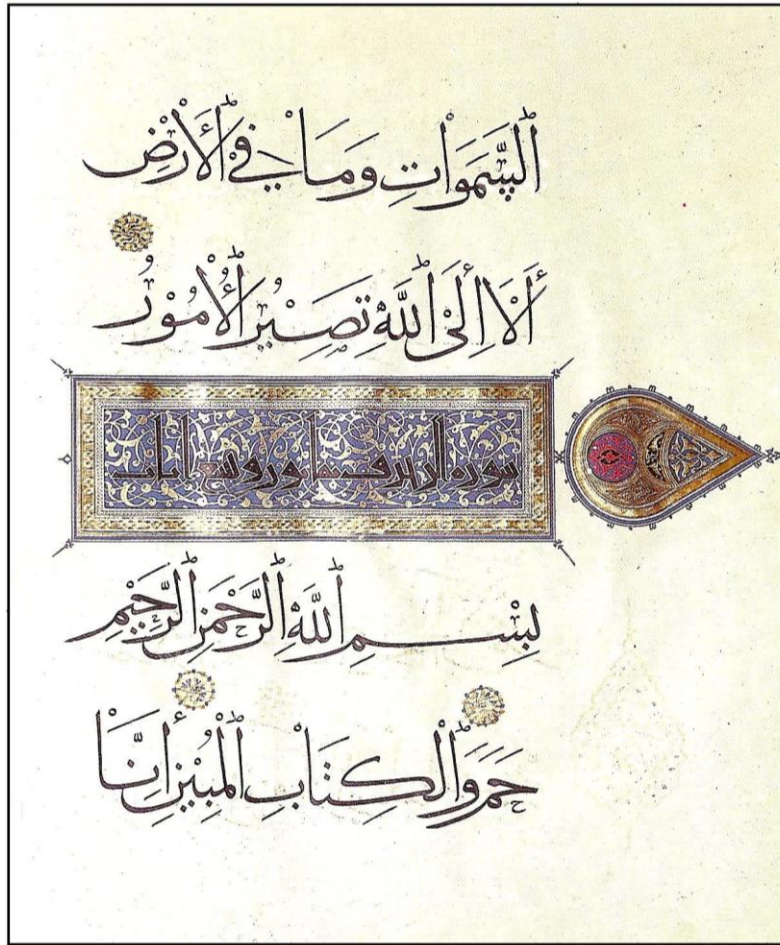
مکتب ایلخانی



صفحه‌ای از قرآن کریم به خط ریحانی یاقوت مستعصمی ، ۶۸۵ هـ . . . ، موزه ملی ایران



تذهیب یکی از سرسوره‌های قرآن، کاتب: احمد بن سهروردی، مذهب، محمد بن ابیک، ۷۰۶ هـ . . . ، مکتب ایلخانی



صفحه‌ای از قرآن کریم به خط محقق احمد بن سهروردی، ۷۰۶ هـ ق، موزه ملی ایران، (گلستان خیال)

فصل سوم

مکتب تیموری (هرات)

دوره تیموری از دوره‌های بسیار مهم و پررونق و اعتلای هنر مذهب کاری در ایران است. سلاطین تیموری همه مشوق هنر کتاب نویسی و کتاب‌آرایی بوده‌اند. پس از اینکه شاهرخ تیموری هرات را به عنوان پایتخت برگزید، بایسنغر میرزا هنرمندان طراز اول این عصر را به هرات فرا خواند، و پایه‌گذار و مؤسس مکتبی شد که امروزه آن را «مکتب هرات» می‌نامند، و از اینجا بود که فصل جدیدی از هنر نقاشی و کتاب‌آرایی در ایران گشوده شد. هنرمندانی که از سراسر امپراتوری تیموری گرد آمده بودند، در دربار و دارالعلم و کتابخانه‌ای که در هرات بنیاد نهاده بود می‌زیستند.

در طی مدتی که این سلسله بر ایران حکومت می‌کردند، خصوصاً در عصر شاهرخ تیموری و شاه سلطان حسین، آثار ارزشمندی به وجود می‌آید، و نقاشی و تزئین کتاب‌ها در ایران به چنان شکوهی می‌رسد که در تمامی طول تاریخ خود کمتر نظیر دارد. در طی این دوره، ذوق و هنر ایرانی به خالص‌ترین شکل خود به کمال و تعالی می‌رسد. بسیاری بر این عقیده‌اند که عالی‌ترین دست‌آورد هنرمندان عصر تیموری، هنر نقاشی، تذهیب، کتاب‌آرایی، کتاب‌سازی و جلد‌سازی است. در این شهر کاغذ ساز، خوشنویس، تذهیب کار، صحاف، رنگ ساب، نقاش و امثال این قبیل هنرمندان از اهمیت بالایی برخوردار بودند.

تذهیب‌های مکتب هرات و شیراز - در دوره تیموری تزئینات پیچیده‌تر شد. دقت بی‌نظیر در نمایش جزئیات، انسجام، تقارن عناصر، تقسیم متناسب سطوح، تنظیم هندسی نقوش، تلفیق موزون خط با عناصر نقش و ترکیب متعادل رنگ به عالی‌ترین شکل خود از نظر مضمون و بصر توسط هنرمندان شیراز و هرات، از ویژگی‌های مکتب شیراز و هرات به شمار می‌آیند.

در دوره تیموری هنرمندان توجه زیادی به ترسیم اشکال، نباتات، گل‌ها، مناظر طبیعی و گاهی اشکال پرندگان نمودند. در هرات نفیس‌ترین و زیباترین کتاب‌ها تهیه شد. قرآن‌های این دوره، مخصوصاً آن‌ها که برای

شاهرخ و بایسنغر میرزا فراهم شده، در زمره زیباترین و بهترین تذهیب کاری‌هاست. طلا و لاجورد یکی از عوامل اصلی کار آن‌ها بوده و در همه حال برای آرایش و تذهیب کتاب و قرآن از آن‌ها استفاده می‌شده است. در این دوره مذهب‌بان سعی می‌کردند که متن روشن را به کار برند. نقش مایه تذهیب و ترصیع استفاده شده در آن‌ها، اسلیمی و گلبرگ‌های لطیف است. گل و برگ و اسلیمی‌ها آن‌چنان ریز ساخته می‌شدند که به زحمت به چشم می‌آید. در مکتب شیراز رنگ‌های فیروزه‌ای، پشت گلی، سبز مغز پسته‌ای و طلای درخشان محبوبیت خاصی داشته‌اند. ولی در مکتب هرات، رنگ‌ها کمی سیرتر استفاده می‌شدند، مانند لاجوردی تند، قرمز و طلای پر رنگ. از میان اقلام درشت، خط ریحان را بیشتر می‌پسندیدند و اعراب آن‌ها را با قلم بسیار نازک‌تر از معمول می‌گذاشتند. در نسخه‌های کلام الله با ترجمه و تفسیر، آن‌ها را به خط نسخ ریز مرسوم ایرانیان، در زیر هر سطر می‌نوشتند.

فرزندان شاهرخ، اسکندر سلطان، ابراهیم سلطان و بایسنغر میرزا نیز در جمع‌آوری هنرمندان مناطق مختلف در پایتخت‌های خود چون هرات و شیراز بسیار فعال بودند. بایسنغر میرزا، خوشنویسان، نقاشان، مصوّران، مذهب‌بان، مجلّدان و صحافان طراز اول از سراسر کشور را در «هرات»؛ و ابراهیم سلطان در «شیراز» گرد آوردند تا به تهیه و به‌وجود آوردن کتاب‌های ارزشمند مذهبی و ادبی اشتغال ورزند.

به واسطه توجه و حمایت بی‌دریغ شاهرخ و ولیعهدش بایسنغر میرزا، تهیه کتب مصور این بار در هرات و در کتابخانه بایسنغر میرزا رونق گرفت و پس از چندی ویژگی‌های خاص خود را یافت.

بایسنغر میرزا - بایسنغر میرزا فرزند شاهرخ بن تیمور گورکان (۸۵۱ - ۸۰۸ هـ. ق.) در سال ۸۰۲ هـ. ق.

متولد شد. وی از شاهزادگان هنرمند و هنرپرور بود و خود که از خوشنویسان چیره‌دست بود، اهل هنر را تشویق می‌نمود. در دربار وی تعدادی خوشنویس، نقاش، مذهب و دیگر هنرمندان می‌زیستند که در هیچ دوره‌ای در میان پادشاهان قبل از او دیده نشده‌اند. در کتابخانه او چهل تن از خوشنویسان و دیگر هنرمندان برجسته از جمله: مذهب‌بان، مصوّران، رسامان، جدول‌کشان، زرافشانان، صحافان، مجلّدان، وصالان و قطاعان پیوسته به امر خوشنویسی و کتاب‌آرایی مشغول بوده‌اند به طوری که قرآن‌ها و کتاب‌های نفیس و ارزشمندی که با تذهیب و تصویر آراسته شده، به یادگار گذاشته‌اند که خود از شاهکارهای بزرگ مکتب تیموری به شمار می‌آیند و هم اکنون در کتابخانه‌ها و موزه‌های ایران و جهان نگهداری می‌شوند. مصطفی عالی افندی در کتاب خود

نام برخی از این هنرمندان را چنین ذکر کرده است: جعفر تبریزی، عبدالله بن علی، محمد مؤمن بن عبدالله، عبدالله طباح هروی، عبدالحق سبزواری، مولانا حافظ علی هروی، شمس‌الدین محمد کاشی متخلص به نوایی، مولانا محمد بن سلطان محمد استرآبادی، میرصنعی نیشابوری، مولانا شوقی یزدی، حافظ بابا جان تربتی، ملا فیضی برادر حافظ باباجان، مولانا شهابی، مولانا عبدالله قزوینی، ملا آیتی تبریزی، ملا نازکی مکتب‌دار، ملا ابراهیم تبریزی شعار، ابراهیم تبریزی، ملا ابراهیم استرآبادی، ملا اسماعیل نجاتی، دوست محمد کوشوانی هروی، محب علی نای هروی، مولانا خواجه محمود استرآبادی، ملاجان کاشی، مولانا شیرعلی، مولانا کاتبی محمد ترشیزی، ملا سیمی نیشابوری، امیرشاهی سبزواری، مولانا سیدجلال بن عضد، خواجه محمود سبزواری و مولانا یحیی سبک نیشابوری. (عالی افندی، ص ۵۶)

بایسنغر میرزا در خطوط اصول یا اقلام سته (محقق، ریحان، نسخ، ثلث، توثیق و رقاع) شاگرد محمدبن حسام هروی معروف به شمس‌الدین بایسنغری بوده است. وی در خط محقق و ثلث از استادان بنام و برجسته تاریخ خوشنویسی به شمار می‌رود و در کتیبه‌نویسی چیره‌دست بوده است. کتیب، پیش طاق مسجد گوهرشاد مشهد به خط ثلث که آن را در سن بیست سالگی با قوتِ قلمِ سحر و معجزه‌ای نوشته و به یادگار گذاشته است. و بایسنغر میرزا را یکی از ارکان اربعه خط دانسته‌اند. وی در سال ۸۳۷ هـ. ق. در سنین جوانی بین سال‌های ۳۵ تا ۳۸ سالگی در هرات درگذشت.

خطوط رایج در خوشنویسی در ایران در عصر حاضر عبارت‌اند از: نستعلیق، شکسته، ثلث و نسخ و ارکان اربعه خط این استادان هستند: ۱- میرعماد حسنی سیفی قزوینی در خط نستعلیق، ۲- درویش عبدالمید طالقانی در خط شکسته، ۳- بایسنغر میرزا در خط ثلث و ۴- میرزا احمد نیریزی در خط نسخ.

ابراهیم سلطان - ابراهیم سلطان برادر بایسنغر میرزا و فرزند شاهرخ تیموری، در سال ۸۱۹ هـ. ق. به فرمانروایی فارس منسوب شد. وی از هنرمندان و هنر پروران عصر تیموری در شیراز بود. ابراهیم سلطان از استادان بنام خوشنویسی بود. وی در خطوط اصول یا اقلام سته (محقق، ریحان، نسخ، ثلث، توثیق و رقاع) شاگرد پیرمحمد شیرازی بوده و از استادان این خطوط به شمار می‌آید، و خط ثلث را استادانه می‌نوشته است. از ابراهیم سلطان کتیبه‌هایی به خط ثلث بر سردر مدخل علی‌بن حمزه^(ع) در شیراز، و قرآن‌هایی به خط ثلث و ریحان به یادگار مانده است.

آثار مهم دوره اول مکتب هرات - از آثار مهم مکتب هرات، ۱- قرآن مشهور بایسنغری به خط بایسنغر میرزا؛ ۲ - شاهنامه معروف «بایسنغری» به تاریخ ۸۳۳ هـ. ق. و خط میرزا جعفر تبریزی (جعفر بایسنغری) با صفحات آن که مصور و مذهب است. اما نگارگر و تذهیب‌کار مشخص نیست. این اثر هم اکنون در کتابخانه کاخ گلستان محفوظ است؛ ۳- یک نسخه قرآن به خط ابراهیم سلطان که در چند مجلد تدوین یافته بود؛ ۴ - قرآنی به خط ریخان که تمام صفحه آن تذهیب شده به خط ابراهیم سلطان، ۵- نسخه دیگری از قرآن ابراهیم سلطان، که شانزده برگ از این قرآن در دست است.

۱- شاهنامه بایسنغری - این اثر ارزشمند به سفارش بایسنغر میرزا در سال ۸۳۳ هـ. ق. در هرات کتابت و مصور و مذهب گردید و هم اکنون در کتابخانه کاخ گلستان نگهداری می‌شود. مشخصات اثر:

الف - اندازه شاهنامه: طول ۳۸ و عرض ۲۶ سانتی‌متر، ۷۰۰ صفحه ۳۱ سطری، و هر سطر سه بیت؛

ب - کاتب: میرزا جعفر تبریزی (بایسنغری)؛

ج - مصور و مذهب: نامعلوم، دارای ۲۴ نگاره آبرنگ؛

د - خط متن: نستعلیق به قلم کتابت خفی؛

د - نوع کاغذ: خانبالغ نخودی؛

ز- ویژگی‌های نسخه: صفحات آغازین شاهنامه بایسنغری مذهب مرصع با حاشیه کمند و شرفه، و دو

کتیبه در بالا و پائین به خط کوفی تزئینی قاب دار و نقوش اسلیمی در زمینه کتیبه‌ها و طلا اندازی بین سطور

۲- بزرگ‌ترین قرآن خطی به ابعاد ۱۰۱×۱۷۷ سانتی‌متر به خط محقق جلی عالی که به «قرآن بایسنغری»

معروف است. چند برگ از این قرآن باقی مانده و برخی از صفحات آن در موزه قرآن آستان قدس رضوی،

کتابخانه ملی، کتابخانه کاخ گلستان، موزه ایران باستان و کتابخانه ملک و بعضی مجموعه‌های خصوصی موجود

است و بعضی از اوراق آن هم در امامزاده سلطان ابراهیم بن علی بن موسی الرضا (ع) در قوچان نگهداری

می‌شود که نادرشاه افشار آنها را از سمرقند به آنجا آورده است. مشخصات قرآن بایسنغری:

الف - اندازه قرآن: طول ۱۷۷ و عرض ۱۰۱ سانتی‌متر، هر صفحه دارای ۷ سطری؛

ب - کاتب: بایسنغر میرزا؛

ج - خط متن: محقق جلی؛

د - نوع کاغذ: سمرقندی؛

ه - ویژگی‌های نسخه: اسامی سوره‌ها به قلم زرین، سرسوره‌ها و علائم قرآن مذهب است

۳ - یک نسخه قرآن به خط ابراهیم سلطان که در چند مجلد تدوین یافته بود، تا چندی قبل در بالای دروازه قرآن شیراز قرار داشت، و اکنون به موزه پارس شیراز منتقل شده است. این قرآن با دو قلم ثلث جلی و ریحان (خط ثلث جلی با قلم زر، و خط ریحان با قلم ریزتر با رنگ مشکلی) کتابت شده است. بین سطور طلا اندازی و اطراف کار جدول کشی شده است. سرسوره‌ها که در یک قاب مستطیل قرار گرفته، با خط رقاع نوشته شده و تذهیب آن‌ها با تزئینات گیاهی پر شده است.

۴ - قرآنی به خط ریحان ابراهیم سلطان که تمام صفحه آن تذهیب شده است و دو کتیبه در بالا و پایین هر صفحه به خط کوفی نوشته شده و در زمینه آن‌ها نقوش اسلیمی به کار رفته است. اطراف کار حاشیه بندی شده و ترنج‌های دایره‌واری در سه طرف (بالا، پایین و سمت لبه کاغذ) نقش بسته است. بین سطور نیز طلا اندازی شده است.

۵ - نسخه دیگری از قرآن به تاریخ ۸۲۷ هـ. ق. به خط ابراهیم سلطان نگارش گردیده، که تنها شانزده برگ از این قرآن باقی مانده است. اندازه آن ۸۱×۶۱ سانتی‌متر است. این قرآن به خط ثلث و ریحان نگاشته شده است (سطر اول و وسط و آخر به قلم ثلث و بقیه به خط ریحان نوشته شده است). داخل حلقه‌های حروف «ص ط، ف و، ه» مانند برخی از کتیبه‌های کاشی‌کاری با رنگ روشن پر شده، که این خود جلوه خاصی به قرآن داده است. نشان آیات در دایره‌ای تذهیب شده است. سرسوره‌ها در یک کتیبه مستطیل قرار گرفته و خط آن رقاع است که با سفیدآب نوشته شده و در زمینه خط نقوش اسلیمی به کار رفته است. این اوراق هم اکنون در موزه قرآن آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود.

۶ - یکی از زیباترین صفحه‌های تذهیب شده در این عصر، صفحاتی آغازین کتاب خطی بوستان سعدی است، که تاریخ ۸۹۳ هجری قمری و امضای تذهیب‌گر «یاری» را دارد. این نسخه هم اکنون در دارالکتب مصر نگهداری می‌شود.

ویژگی‌های طراحی نقوش به کار رفته در تذهیب‌های دوره ایلخانان و تیموریان:

۱- استفاده از نقوش گیاهی (ختایی)، ابر چینی و نقوش حیواناتی مانند اژدها و سیمرغ

- ۲- تقسیم زمینه کار به حاشیه و متن و طراحی داخل متن بالچک و ترنج (شمسه)
- ۳- استفاده از نقوش اسلیمی و ختایی در فضاهاى میانی نقوش هندسی
- ۴- جدا شدن نقوش از خط و یافتن استقلال و هویت خاص خود
- ۵- ایجاد نظم و برقراری اصول دقیق در طراحی اسلیمی و ختایی
- ۶- طراحی ساقه‌های اسلیمی با قوس‌های بلند
- ۷- کاربرد نقوش اسلیمی و ختایی در کتاب‌آرایی



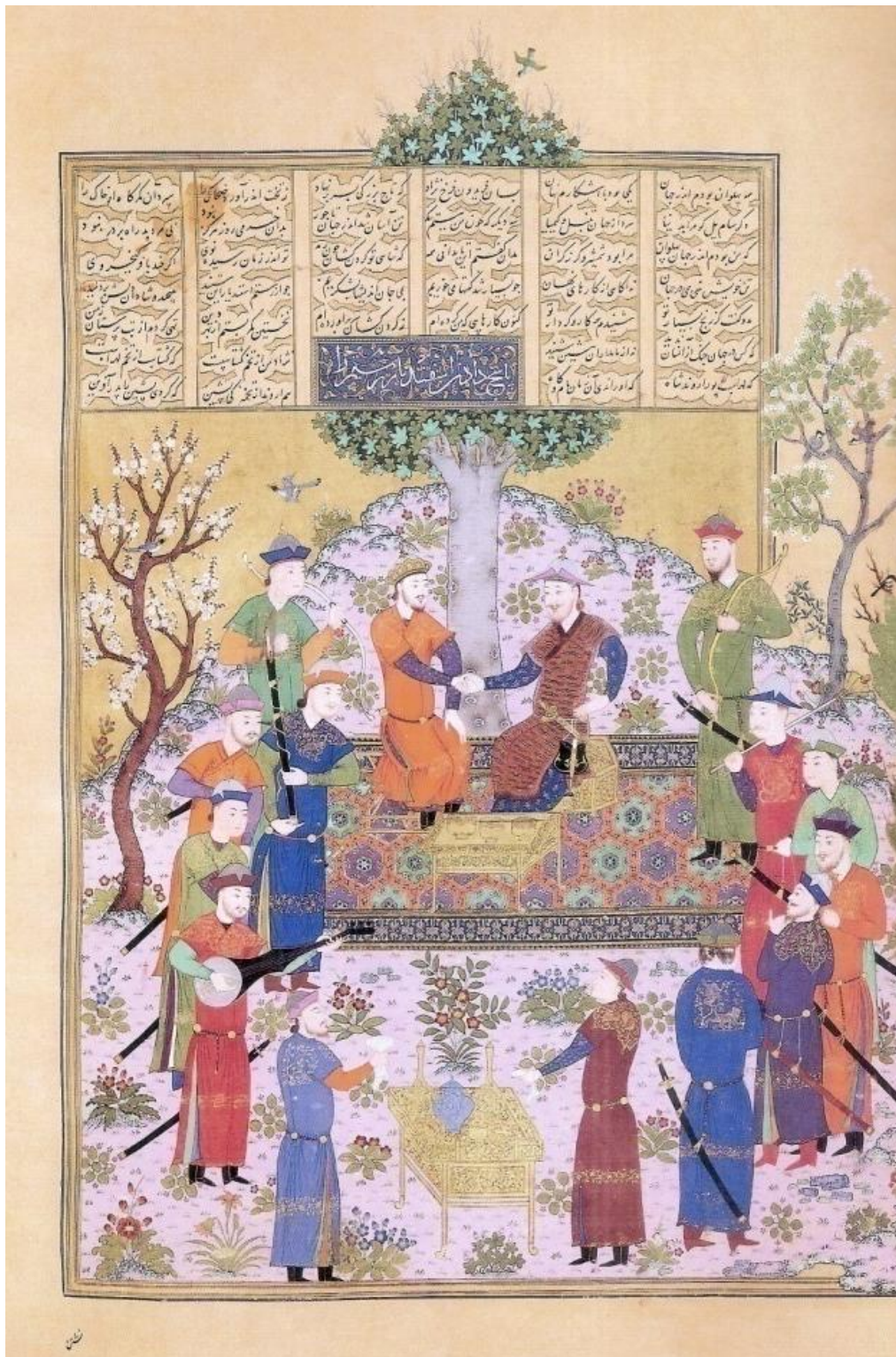
صفحه‌ای از قرآن مجید به خط محقق، دارای سرلوح مذهب مرصع، تمام صفحات مجدول رقم: عماد محلاتی و عمادبن حاجی

محمد قمی، قرن نهم هجری قمری، دوره تیموری

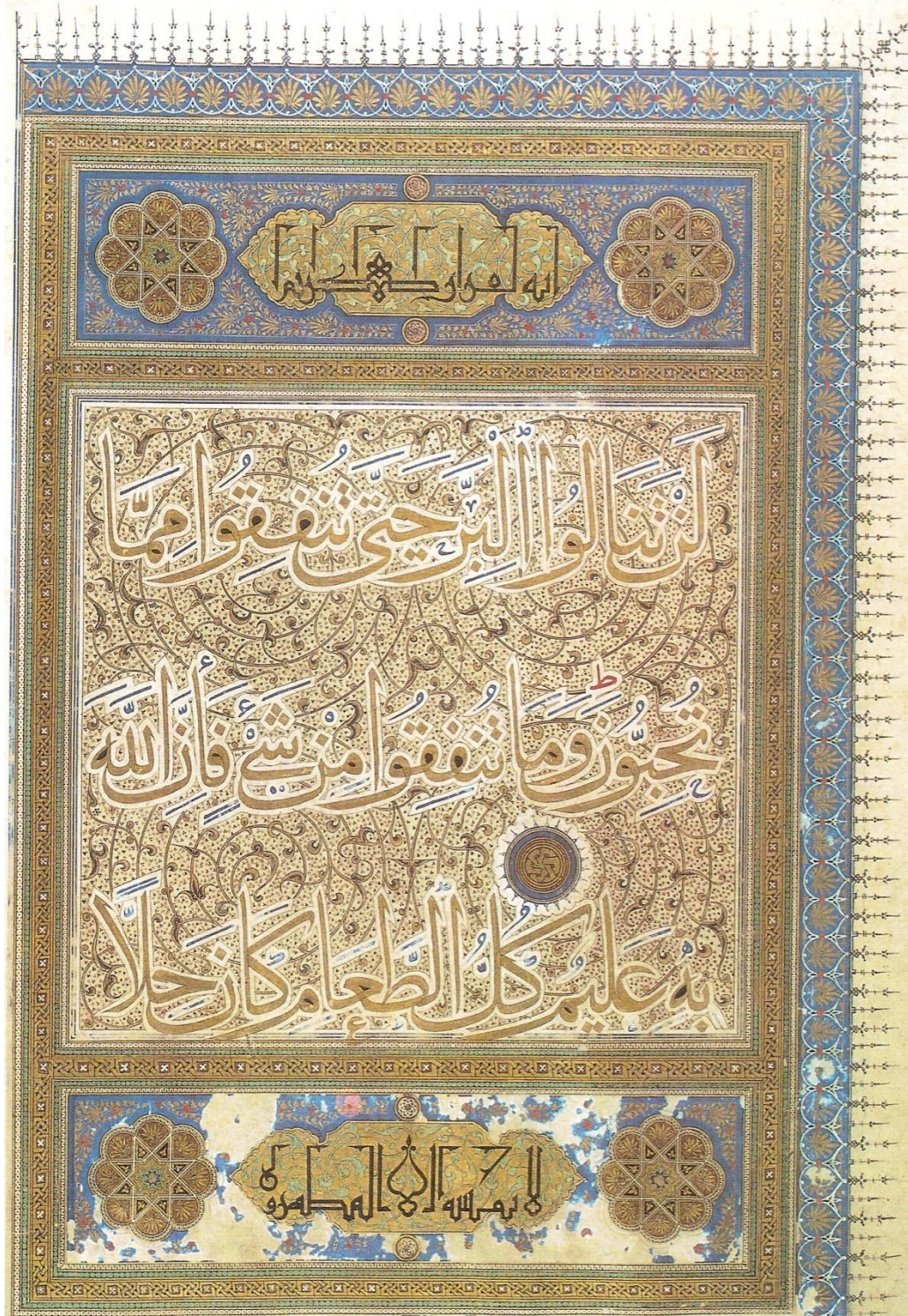


صفحة آغاز متن شاهنامه بايستغری به خط ميرزا جعفر تبریزی بايستغری با تذهيب و ترصيع و حاشيه و طلا اندازی،

۸۳۳ هـ. ق.، دوره تیموری



نگاره آبرنگ، گفتگوی رستم و اسفندیار از شاهنامه بایسنغری، خط میرزا جعفر تبریزی بایسنغری، مکتب هرات



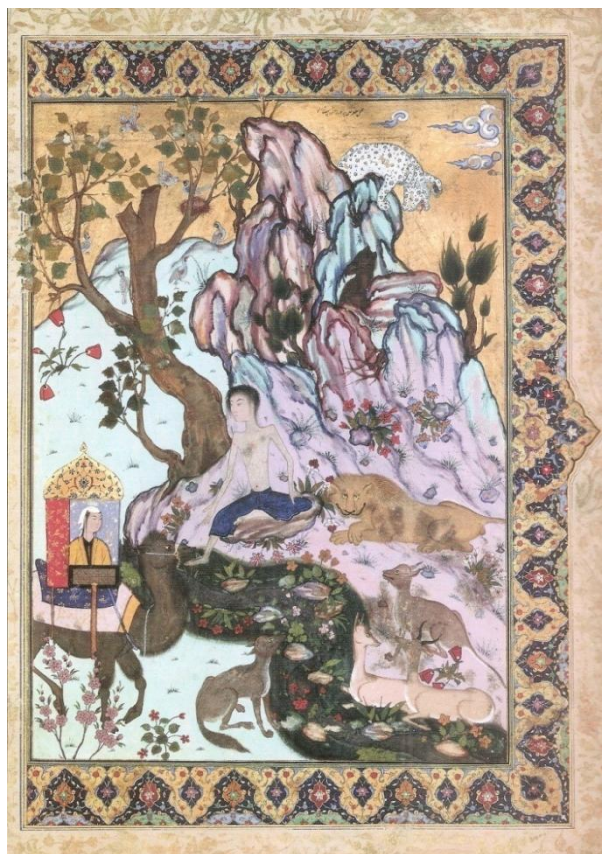
صفحه‌ای از قرآن مجید به قلم زر و خط محقق با تذهیب کامل و نقوش اسلیمی در زمینه خط،
تاریخ کتابت بین ۸۰۳ تا ۸۵۳ هـ. ق، دوره تیموریان

فصل چهارم

مکتب صفوی

مکتب تبریز ۲ (عصر صفوی) - در دوران صفوی و بازگشت تختگاه به تبریز مکتب دیگری در نگارگری با نام

«مکتب تبریز ۲» شکل می‌گیرد. با به قدرت رسیدن شاه اسماعیل اول در سال ۹۱۶ هـ. ق. و تشکیل دولت صفوی در تبریز، کمال‌الدین بهزاد هنوز نقاش دربار حاکم وقت بود. شاه اسماعیل، بهزاد و دیگر نقاشان. مذهبان را با خود به تبریز برد. بهزاد در تبریز به ریاست کتابخانه سلطنتی که محل برای تجمع و به وجود آوردن آثار نقاشی، خوشنویسی، تذهیب و صحافی بود گمارده شد. هنرمندان در کتابخانه سلطنتی جمع آمدند تا با ریاست بهزاد در کارگاه‌های مربوطه به خوشنویسی، مصورسازی، مذهب کاری، جدول کشی، صحافی و جلد سازی بپردازند. علاوه بر هنرمندان مکتب هرات، نگارگران شیرازی نیز که پس از تصرف شیراز در سال ۹۰۹ هـ. ق. به هرات آورده شده بودند، در تشکیل مکتب نگارگری صفویه تبریز نقش عمده‌ای داشتند. بهزاد تا سال ۹۲۸ هـ. ق. که زمان پیری او بود، این سمت را به عهده داشت. وی در اعتلای هنر تذهیب کوشید و فن تذهیب شیوه خاصی پیدا کرد که تا کنون ادامه دارد. در این دوره نقش-های اسلیمی و تزئینات تنوع بیشتری پیدا کرد، به ویژه اسلیمی دهان اژدری به حد کمال خود رسید؛ همچنین گل‌های شاه عباسی و اسلیمی ماری به اشکال و حالات مختلفی در تذهیب جلوه‌گر شد. در دوره صفوی، نقاشان تبریز به سرپرستی بهزاد معروف ترین شاهنامه این مکتب به نام «شاهنامه شاه طهماسبی» را مصور و مذهب ساختند.



برگی از لیلی و مجنون، پنج گنج نظامی با تذهیب حاشیه کمند در اطراف آن، رقم: مظفر علی، ۹۲۸ هـ. ق.، مکتب صفوی

تذهیب‌های مکتب صفوی - در دوره صفویه، نقاشی، تذهیب و خوشنویسی در خدمت هنر کتاب‌آرایی قرار گرفت، و آثاری به وجود آمد که هم‌اکنون زینت بخش موزه‌های ایران و جهان است. در این زمان زمینه‌ها معمولاً آبی رنگ است و تقسیم‌ها کوچکتر و به رنگ طلایی و سیاه دیده می‌شود. طرح‌های تزئینی نیز به رنگ سفید، زرد، سرخ، آبی و سبز است. تذهیب کاری و نقاشی با طلا در دوره صفویه ترقی کرد. بسیاری از نسخ باقی مانده از این زمان حاشیه بزرگی دارد که مناظر طبیعی، اشکال انسان و حیوان بر آن نقاشی شده و رنگ طلایی، سبز و زرد در آن‌ها به کار رفته است. در قرن دهم علاوه بر تذهیب و تزئینات، از تشعیر - که در برخی اوقات همراه با انسان بود - استفاده می‌شد.

در دوره صفویه صفحات مذهب و مرصع آغازین و جدول و کمند قرآن‌ها و کتاب‌ها بسیار زیباتر و پرکارتر شدند. این صفحات با نقوش اسلیمی، شمشه‌ها، ترنج‌ها و سرلوح‌های مرصع تزئین یافتند. در برخی از

قرآن‌ها سطور متن را به‌طور منظم، به‌صورت ریز و درشت و به رنگ‌های مختلف مشکی، زرآب و لاجورد آرایش داده‌اند. بین سطور صفحات اولیه اکثر قرآن‌ها، طلا اندازی و یا بوته‌اندازی شده است.

از این دوره، نوشته حواشی قرآن کریم با نقوش بازوبندی و ترنج و شمسه، تذهیب و ترصیع شده‌اند، و

نیز از این زمان است که صفحات برخی از قرآن‌ها «زرافشان شده‌اند».

از آغاز قرن نهم هجری قمری با وجود تداول دیگر خطوط اسلامی، اکثر کتابت ایرانیان به خط نستعلیق بوده است.

این خط به دلیل مزایای مذکور به زودی در سراسر ایران رواج یافت و به هند و ترکیه و عثمانی و مصر و سایر کشورهای اسلامی نفوذ کرد، اما خوشنویسان هیچ‌یک از این کشورها نتوانستند آن را به زیبایی و شیوایی خوشنویسان ایرانی بنویسند. رواج و رونق خط نستعلیق در ایران به خصوص در نیمه اول عصر صفویان بود. خط نستعلیق در طی روزگاران توسط استادانی چون «سلطانعلی مشهدی»، «میرعلی هروی» و دیگر خوشنویسان جلا و جلوه فراوان یافت تا آن که به دست «میرعماد حسنی سیفی قزوینی» و «میرزا محمدرضا کلهر» به اوج کمال و زیبایی و شیوایی رسید.

میرزا احمد نیری بزرگ‌ترین نسخ‌نویس ایران که در زمان شاه سلطان حسین صفوی می‌زیست، در مدت عمر

خود ۱۵۰ جلد قرآن کتابت کرد که ۹۹ جلد آن در موزه‌ها و کتابخانه‌های جهان نگهداری می‌شوند. اغلب این قرآن‌ها و قرآن‌هایی که به خط دیگر استادان این دوره کتابت شدند، همچون قرآن‌های دوره تیموری با تذهیب صفحات آغازین و برخی حاشیه تمام صفحات مزین بودند.

درویش عبدالمجید طالقانی از استادان برجسته خط شکسته است که در دوره صفویه می‌زیست. وی آثار

ارزشمندی از کتاب‌ها، مرقعات و قطعات در این خط نگارش نموده که سرمشق خوشنویسان خط شکسته گردیده‌است.

چلیپا نویسی که نوشتن مورب یک رباعی یا دو بیت شعر با پیام و مضمون واحد است، از زمان ابداع خط

نستعلیق در میان خوشنویسان رایج گشت. مذهبان با توجه به فضای پدید آمده، انواع نقوش اسلیمی، ختایی، لچکی و

حاشیه‌های متنوع را در میان قطعات چلیپا به‌کار بردند و از آن زمان تذهیب‌کاری یک مرقع چلیپا به عنوان شیوه‌ای از

تذهیب در میان مذهبان رواج یافت و تا کنون ادامه دارد. دوره صفویه بیشترین آثار چلیپا توسط استادان بزرگ

خوشنویسی پدید آمد و توسط مذهبان چیره دست تزئین و تذهیب گردید.

ویژگی های نقوش سنتی در دوره صفویه:

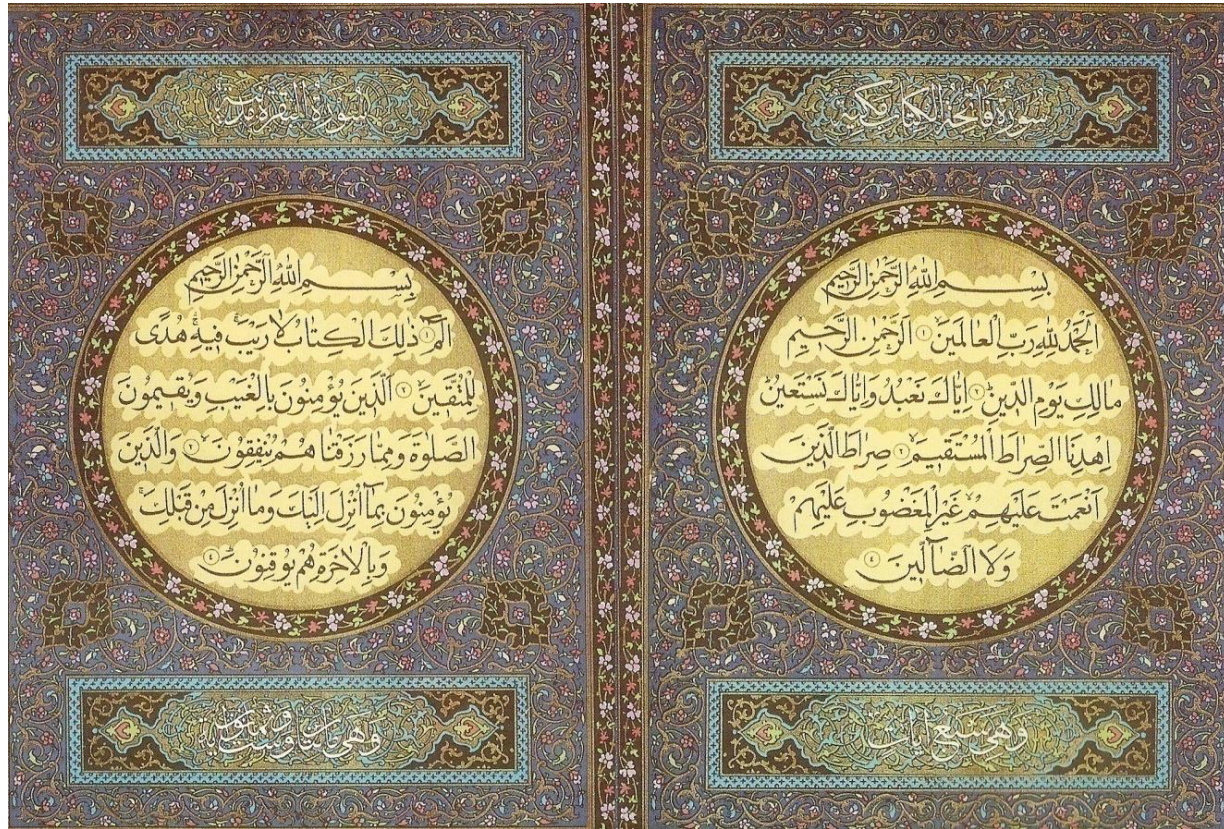
۱- بزرگی قوس‌های اسلیمی و ختایی، در عین ظرافت و رعایت تناسب و کاسته شدن از فشردگی قوس‌ها

۲- ترکیب اسلیمی و ختایی در یکدیگر

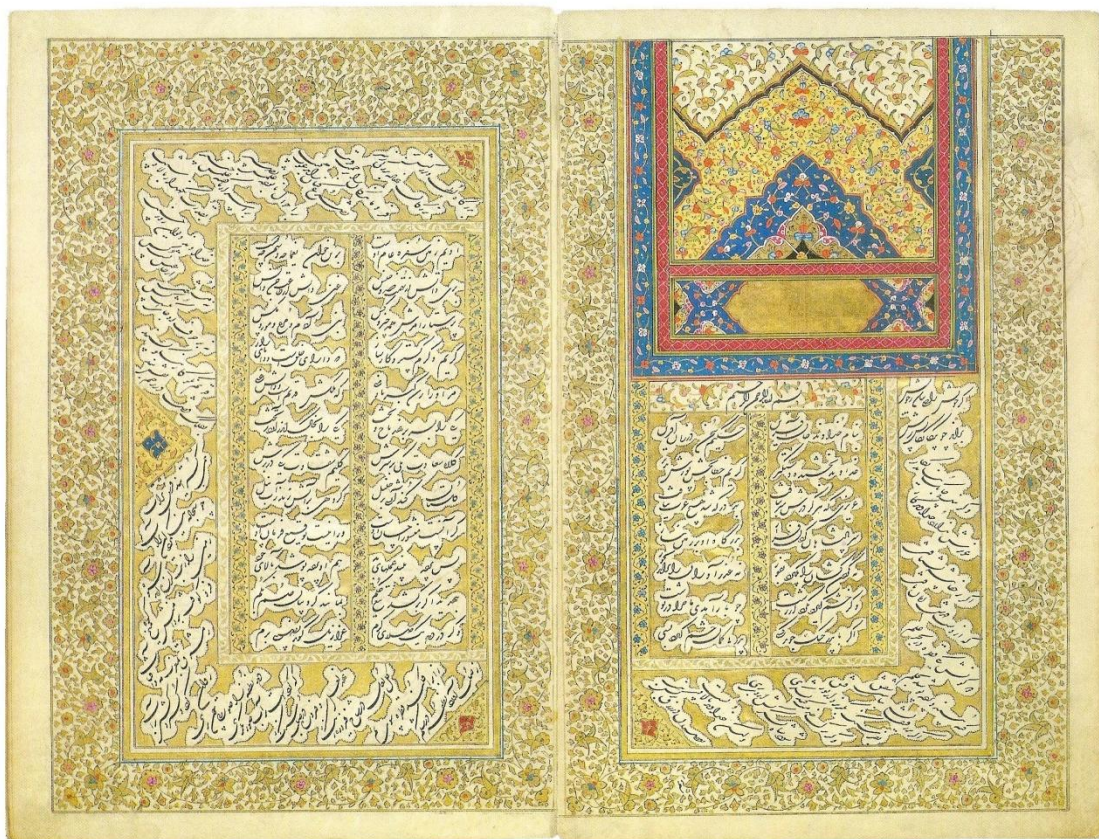
۳- طراحی اسلیمی گلدار و تنوع اسلیمی دهان اژدری تزئینی

۴- استفاده از لچکی، تاج و حاشیه در چلیا نویسی

۵- طلا اندازی و گل و بته در زمینه و بین سطور در قطعات خوشنویسی

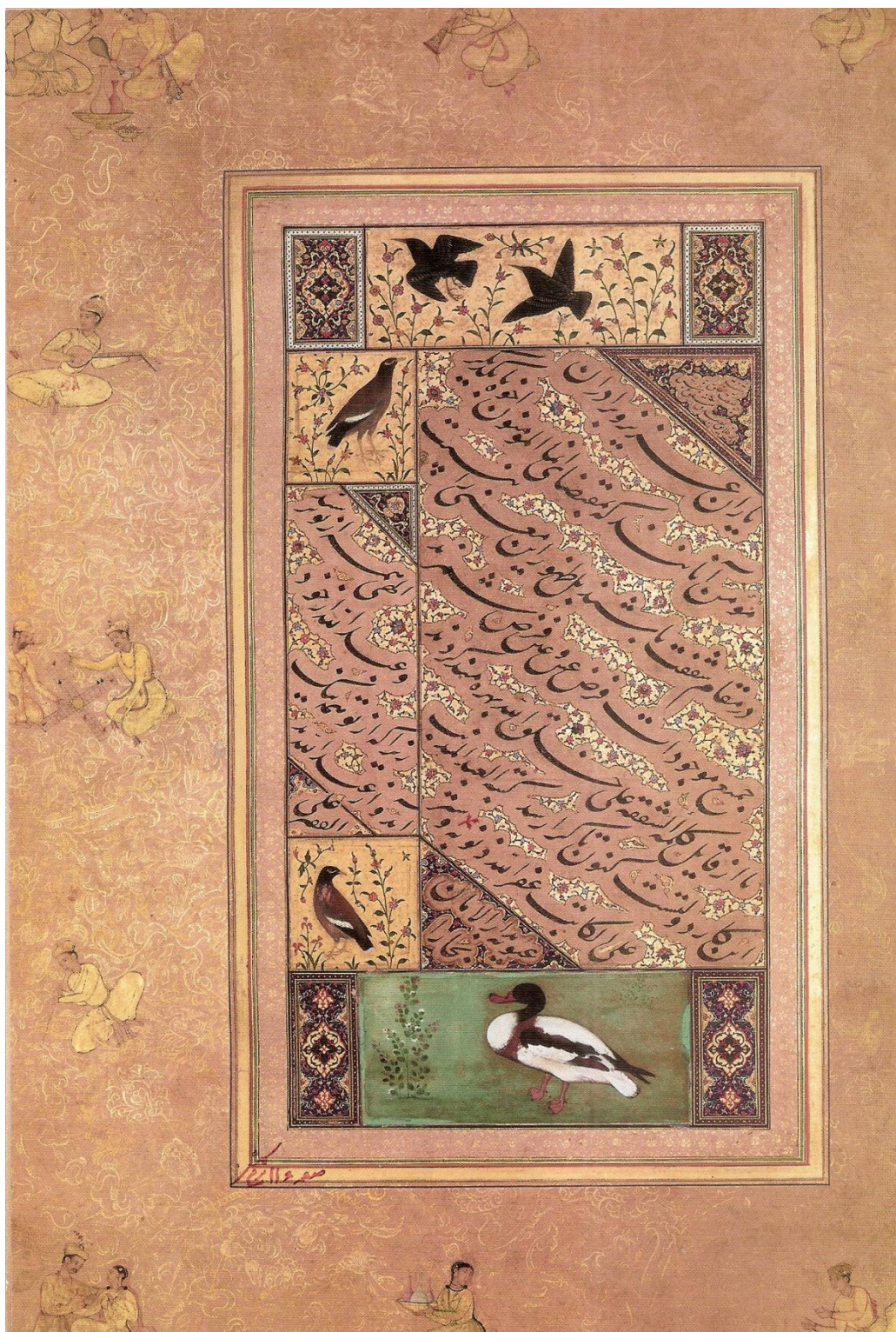


تذهیب صفحات آغازین قرآن مجید به خط میرزا احمد نیری با حاشیه‌های مذهب و طلا اندازی بین سطور



بوستان سعدی به خط شکسته نستعلیق منسوب به درویش عبدالمجید طالقانی،

تمام صفحه تذهیب و طلا اندازی بین سطور، ۱۱۸۳ هـ. ق.، دوره صفویه



برگی از مرقع گلشن به خط نستعلیق مورب میرعلی هروی با تذهیب چهار گوشه و لچکی‌ها

و گل و بته‌های بین سطور و نقاشی‌های حاشیه، قرن دهم هجری قمری



برگی از مناجات منظوم حضرت علی (ع) به خط نستعلیق میر عماد حسنی سیفی قزوینی با تذهیب و ترصیع،

۱۰۱۰ هـ. ق.، مکتب اصفهان



صفحة آغاز دیباچهٔ مرقع گلستان به خط نسنعلیق محمدحسین زرین قلم جهانگیر شاهی،

تمام تذهیب و ترصیع به شیوهٔ هند و ایرانی، ۱۰۱۹ هـ. ق.، مکتب صفوی

فصل پنجم

مکتب زند و قاجار

تذهیب در دوره زندیه - در فاصله میان قرن‌های دوازدهم و سیزدهم هجری قمری هنرمندان ایرانی موفق شدند از دو عنصر ناهمگن یعنی نقاشی رنگ روغن اروپایی و شیوه سنتی، صورتی تازه بیافرینند که به نقاشی «مکتب زند» معروف شده است. از شاخصه‌های این مکتب تزئینات «گل و مرغ» است. در دوره زندیه شهر شیراز محل تجمع هنرمندان می‌شود و در این شهر آثار ارزشمندی از «گل و مرغ» پدید می‌آید و این شیوه مورد توجه سایر مراکز هنر ایران قرار می‌گیرد. در مکتب زند نقش‌هایی از عناصر گل و مرغ به صورت ترکیبی از گل‌ها و غنچه‌های نیم شکفته و شکفته و پرندگان مورد استفاده نقاشان قرار می‌گیرد. این گونه نقاشی‌ها که نوعاً با تذهیب همراه بودند، بر روی قلمدان‌ها، جلد کتاب‌ها و جعبه‌های لوازم آرایشی انجام می‌شد به نقاشی لاک‌ی انجام می‌گرفتند.

تذهیب در دوره قاجار - آقا محمدخان قاجار پس از به قدرت رسیدن، تهران را پایتخت خود قرار داد، که از آن پس تاکنون در همان وضع باقی مانده است. در سال ۱۲۱۲ هـ. ق. جانشینی آقا محمد خان به برادرزاده‌اش فتحعلی‌شاه رسید که دوره فرمانرواییش منادی احیای نگارگری ایران پس از عهد صفویان گردید و مکتبی مشخص و پربار را در ایران به وجود آورد.

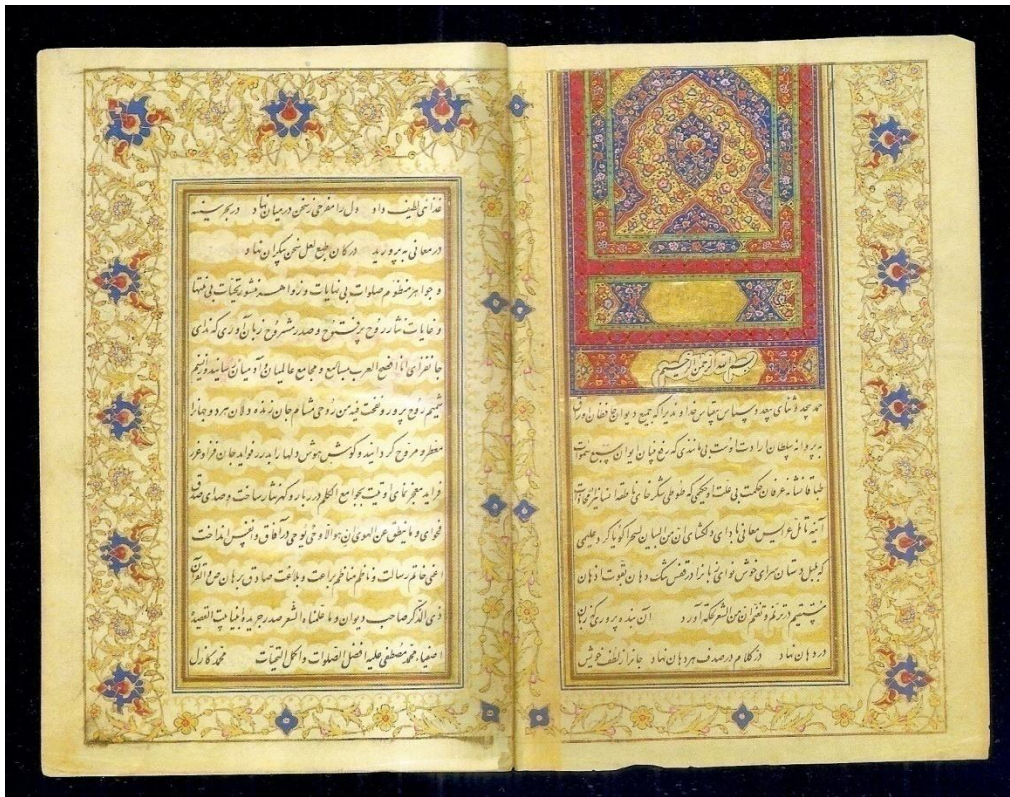
از قرن دوازدهم هجری قمری به بعد شاهد کم رنگ شدن اصالت در نقوش سنتی و ورود ترکیب‌ها، نقوش و گل‌هایی که در ایران سابقه و پیشینه‌ای نداشته‌اند، می‌باشیم. از قرن سیزدهم هجری قمری عوامل تزئینی عبارت بودند از: گل و مرغ و نقوش تأثیرپذیر از هنر اروپایی.

در دوره قاجار همچنان تذهیب قرآن‌ها و کتاب‌های ادبی همچون دیوان اشعار ادامه یافت. تذهیب وقف-نامه‌ها و قباله‌های ازدواج رجال درباری و بزرگان نیز رواج خوبی داشت. در سراسر دوران فرمانروایی

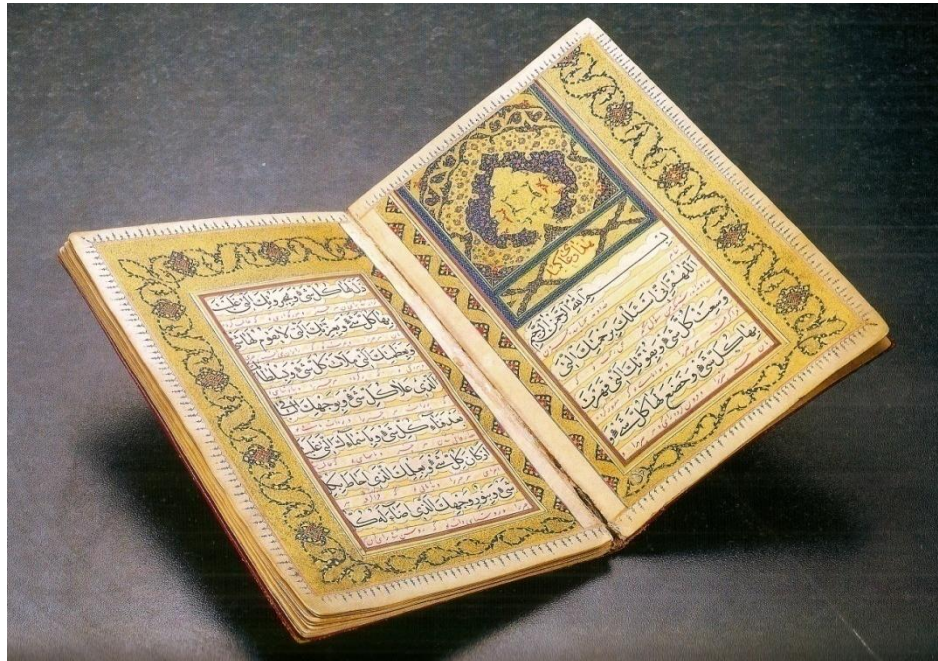
ناصرالدین شاه مینا کاری منقوش و خصوصا نقاشی زیر لاکی به مقدار زیاد رونق پیدا کرد. نقاشی و تذهیب بر روی قلمدانها، جلدها و قاب آئینه در این دوره بیشتر شد.



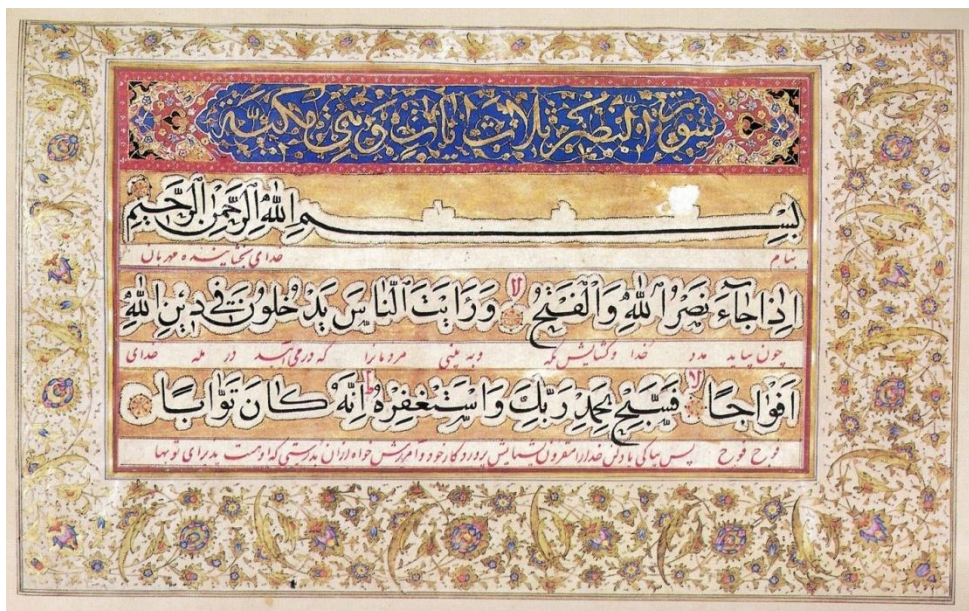
تذهیب دیوان شعر با گل های درشت بنفشه در حاشیه



صفحات آغازین دیوان حافظ به خط وصال شیرازی، تمام تذهیب با طلا اندازی بین سطور، ۱۲۵۰ هـ. ق.، دوره قاجار



دعای کمیل به خط نسخ محمد داوری، ۱۲۲۷ تمام تذهیب با طلا اندازی بین سطور هـ. ق.، دوره قاجار



سورة فتح به خط زین العابدین قزوینی با سرسوره مذهب و حاشیه مزین و طلا اندازی بین سطور، ۱۲۲۲ هـ. ق.

فصل ششم

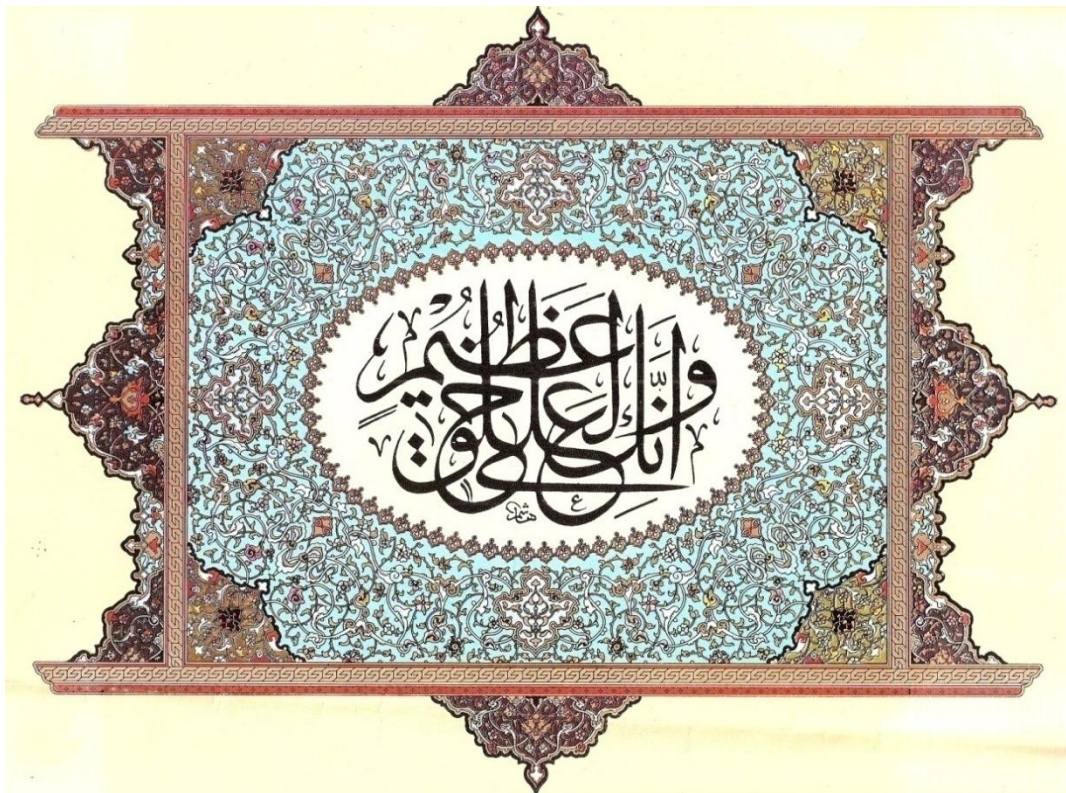
تذهیب در دوره معاصر

مکی نژاد معتقد است: اتفاقی که در نگارگری ایرانی افتاد حالا دارد در تذهیب می‌افتد. استادانی چون فرشچیان نگاه سنتی به نگارگری دارند اما نگارگرانی مثل تاکستانی و مجید مهرگان نگاه متفاوتی دارند و بیان قلم آنها ضمن حفظ اصالت و به مضامین اسطوره‌ای جدید و امروزی نگاه می‌کنند. در دوران معاصر ما با دو نوع تذهیب روبرو می‌شویم، اول تذهیب‌هایی که هنرمندان آن پایبند به اصول سنتی این هنر هستند. آثار این گروه از نظر فرم و شکل متنوع تر از گذشته شده‌است اما آن ساختار شکنی صورت نگرفته‌است. در واقع موتیوها، المان‌ها، نقوش پرندگان، گل‌ها و گیاهان همان هاست، اما طرح‌ها و تا حد زیادی رنگ‌ها عوض شده‌اند. اما در دسته دوم نگاه متفاوتی وجود دارد که می‌تواند نوید بخش تحولاتی در آینده باشد. (مهدی مکی نژاد)

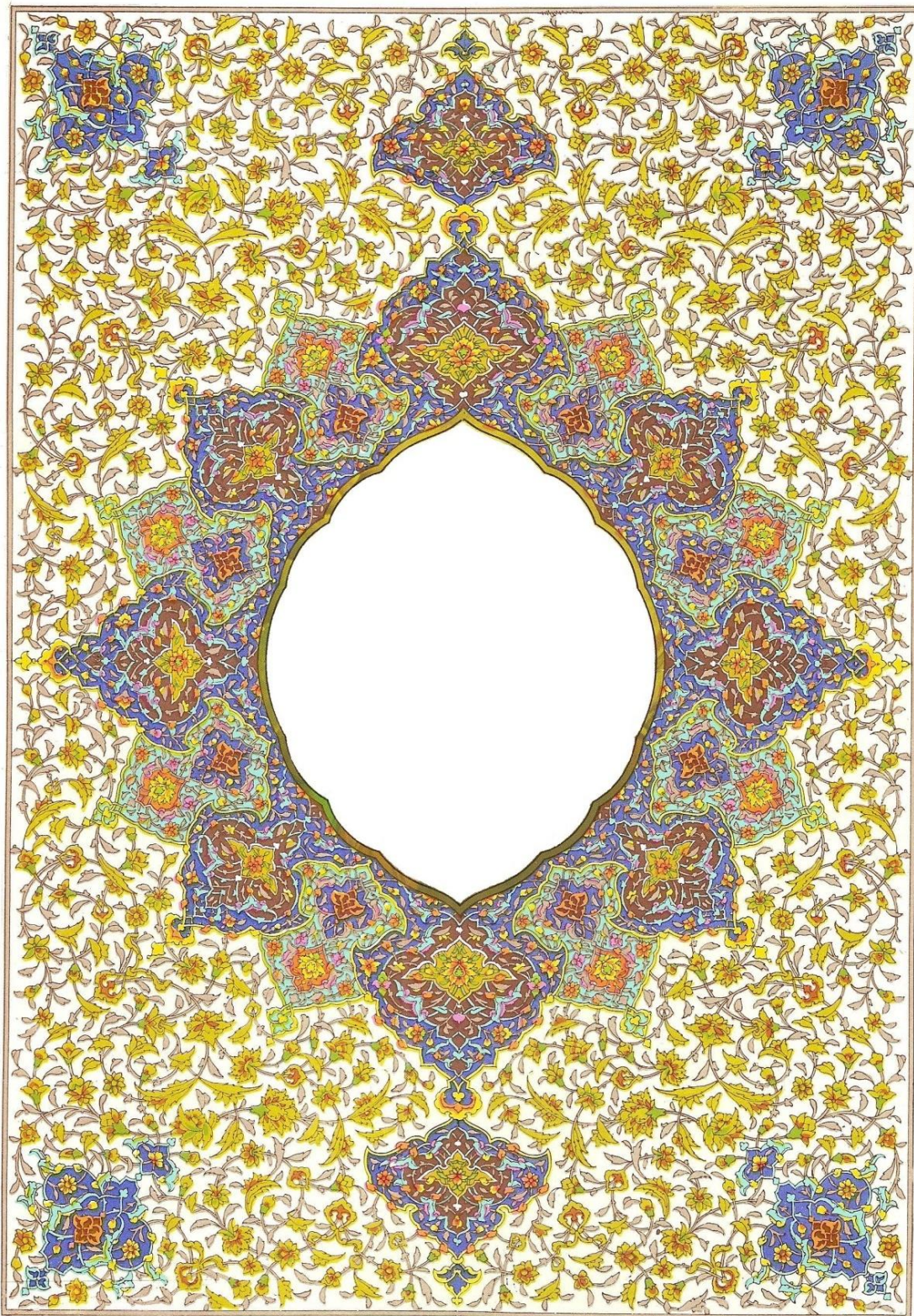
در دوره معاصر طراحی سنتی در تذهیب، کاشی، نقشه فرش و سایر رشته‌های صنایع دستی کاربرد وسیعی دارد.

تذهیب‌کاران معاصر - حسین طاهرزاده بهزاد، هادی اقدسیه (متوفی در ۱۳۶۷ شمسی)، محمدحسین

نقشه‌چی (متوفی در ۱۳۶۷ شمسی)، علی درودی، میرزا عمو درودی، نصرت‌الله یوسفی، میرزا آقا امامی، عیسی بهادری، مرتضی درویش کاشانی، سیدحسین جاسبی، سیدحسین صفوی، محمدعلی رهبری، ماشاءالله بهره‌مند، عبدالله باقری، محمدعلی زاویه، علی مطیع، غلامحسین اسکندانی، رضا وفا کاشانی، ابوطالب مقیمی، حسین اسلامیان، اسدالله دقیقی، حسین ختایی اصفهانی، صادق صندوقی، مجید مهرگان، هاشم ظریف تبریزیان، اردشیر مجرد تاکستانی، محمدباقر آقامیری، کریم صفایی، ملیح ناصری، جهان اینانلو، محمدعلی رهبری، محمد طریقتی، سیدجواد طباطبایی، بهرام سالکی، زینب السادات امامی، سعیدآبادی، جوکار، محمد مرادی، آریان مؤمن، مینو کروندی، سیمین پرفکر، کلارا آبکار، منصور تامسون، احمد رائص، علی درودی، اسدالله انجدانی، محمد نباتی، ماشاءالله برومند و نیره نیک‌آئین.



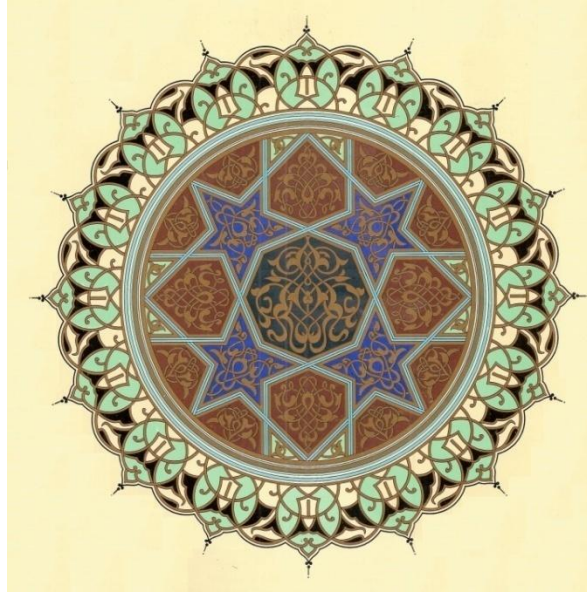
قطعه‌ای به خط ثلث هاشم محمد البغدادی با تذهیب قاب قرآنی



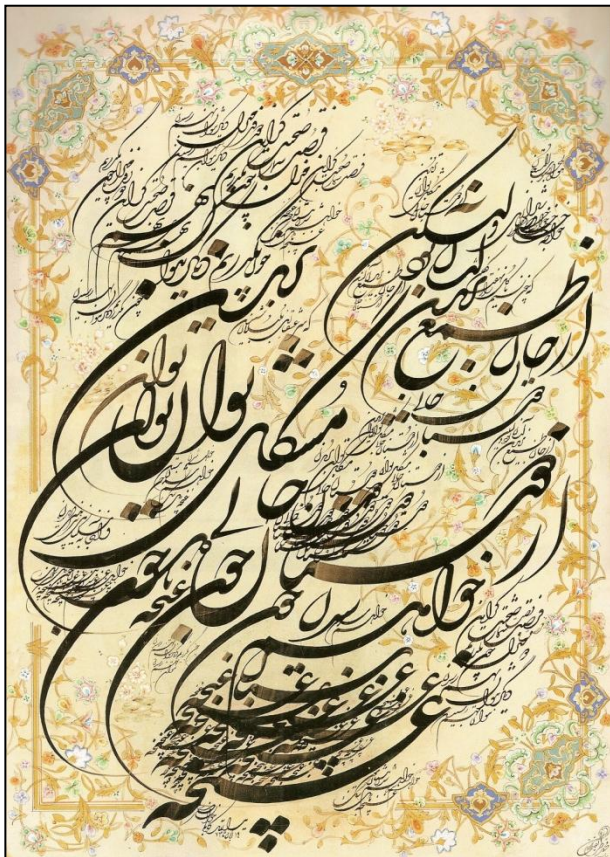
تذهیب، اثر: محمدعلی زاویه، معاصر



قطعه‌ای به خط نستعلیق غلامحسین امیرخانی، تذهیب تک رنگ قلم‌گیری محمدباقر آقامیری

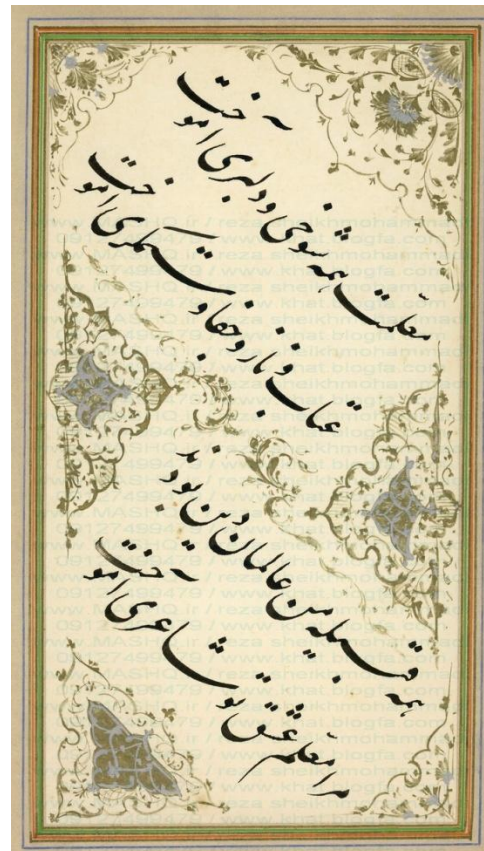


تذهیب: کریم صفایی



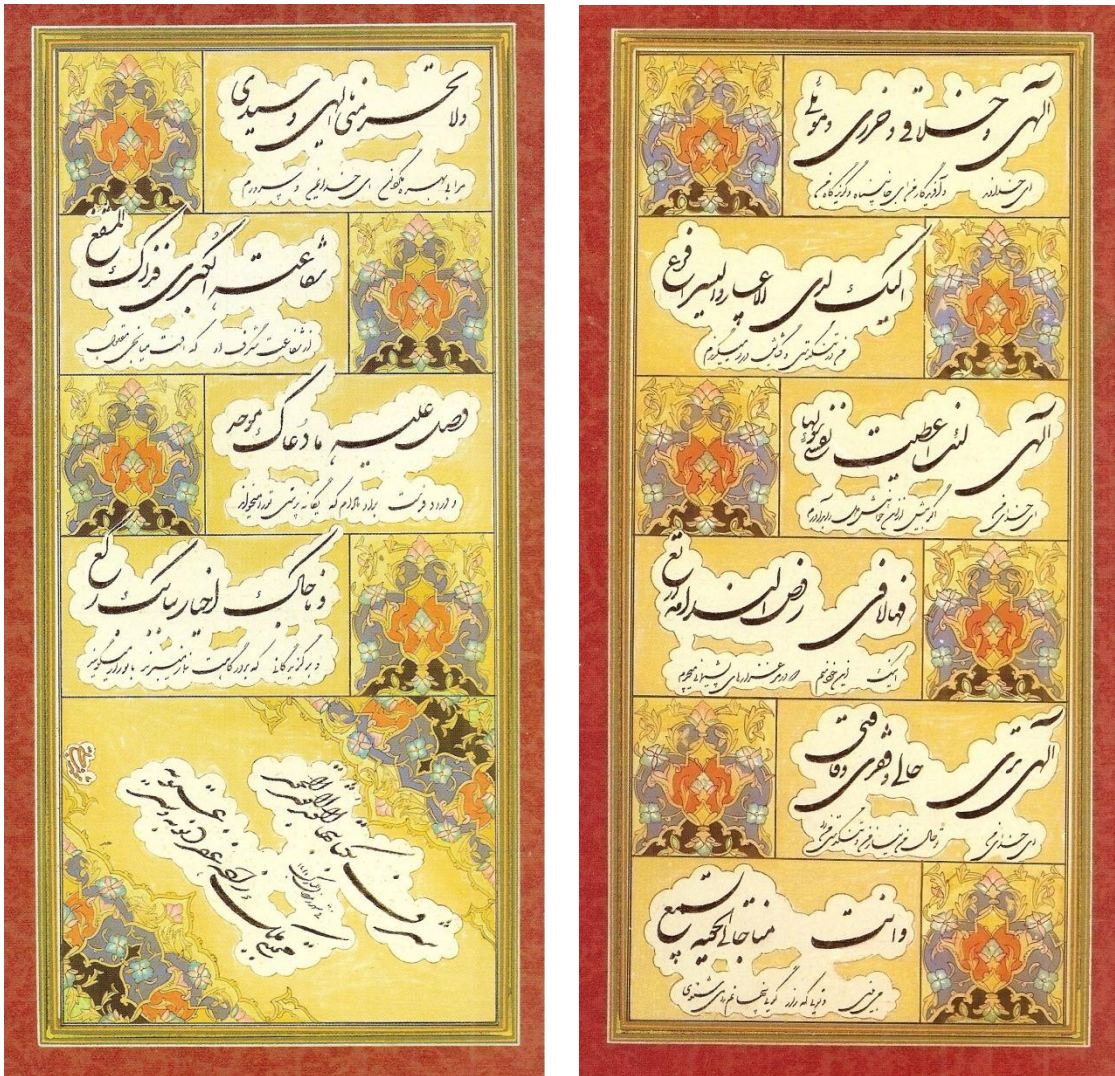
سیاه مشق شکسته به خط استاد یدالله کابلی خوانساری،

تذهیب محمد طریقتی، ۱۳۷۳ شمسی



چلیپای نستعلیق به خط استاد کیخسرو خروش

با تذهیب تک رنگ



مناجات حضرت امیر المؤمنین علی (ع) به خط شکسته مجتبی ملک زاده، تذهیب محمد نباتی، ۱۴۲۱ هـ. ق.

بخش چهارم

مذہبان نامدار

مذهبان نامدار

ابن بواب، ابوالحسن علی (متوفی در ۴۱۳ هـ. ق.) - خوشنویس، مذهب، حافظ، قاری، ادیب و شاعر شیعی. مشهور به ابن بواب یا ابن ستری و ملقب به علاءالدین و قبله‌الکتاب. پدرش پرده‌دار دستگاه آل‌بویه بود و شهرت وی هم از این رو است. ابوالحسن نیز یک چند در خدمت بهاءالدوله‌ی دیلمی سرپرستی کتابخانه‌ی بهاءالدوله را در شیراز بر عهده داشت. خوشنویسی را از ابن‌اسد کاتب آموخت.

ابوطالب شیخ (متوفی در ۱۲۵۳ هـ. ق.) - خوشنویس، نقاش، مذهب و شاعر. او از مشایخ و مجتهدان بود و هفت قلم را نیکو می‌نوشت و در نقاشی و تذهیب نیز دست داشت. ابوطالب در ادبیات و زبان فارسی و عربی مهارت داشت و به هر دو زبان شعر می‌گفت.

اصفهان‌ی، عبدالرزاق (سدهٔ سیزدهم هجری قمری) - نقاش، مذهب و خوشنویس. اهل اصفهان بود. وی آبرنگ‌کار بود و در ارائه‌ی چهره و شبیه‌پردازی مهارت داشت. او به غیر از آبرنگ، در کارهای روغنی و فن تذهیب نیز دست داشت و خط نستعلیق را هم نیکو می‌نوشت. وی در یکی از آثارش خود را عبدالرزاق مخترع نامیده است. از آثار وی: تصویر در آتش انداختن حضرت ابراهیم (ع) است.

امامی اصفهان‌ی، هاشم (سدهٔ سیزدهم هجری قمری) - نقاش و مذهب. از سادات امامی اصفهان بود که در صورت‌نگاری و منظره‌سازی به سبک اروپایی دستی قوی و مهارتی بسزا و در این زمینه شیوه‌ی خاصی داشت و تذهیب را نیکو می‌دانست. از آثار رقم‌دار وی: قلمدانی است که تصاویر زیبایی را به شیوه‌ی روسی عمل آورده است، با رقم: «هاشم الحسینی ۱۲۹۷»؛ قلمدانی با نقاشی گل و مرغ.

انجدانی فراهانی، ابوالقاسم (تا سال ۱۳۱۲ هـ. ق. می‌زیسته) - مذهب و زرنشان‌ساز. از اهالی فراهان بود و در اواخر دوره‌ی قاجار می‌زیست. در تذهیب نقش و گل و مرغ مهارت داشت. از آثار او: قلمدان تذهیبی زیبا با زمینه‌ی قرمز که بر رویه‌ی آن گل و مرغ طلایی و حل‌کاری افشان تصویر شده است، با: رقم حقیرفانی. ابوالقاسم انجدانی فراهانی ۱۳۱۲.

ایواوغلی، محمد (سدهٔ یازدهم هجری قمری) - مذهب، خوشنویس و شاعر. از اهالی قصبه‌ی ایواوغلی، از توابع شهر خوی و از قورچیان سلطان حمزه میرزا (م ۱۰۶۹ ق)، نواده‌ی شاه طهماسب، بود. در خوشنویسی

و تذهیب و طلاکاری مهارت داشت و بیشترین کارهای این هنرمند، تذهیب و تزیین و حاشیه‌بندی قطعات و نسخه‌های خطی بود.

بابا تبریزی (سدهٔ دهم هجری قمری) - مذهب. در تبریز اقامت داشت و در تذهیب قوی‌دست بود. از آثار این هنرمند تذهیب و آرایش قرآنی است که خط آن را مقصود علی‌الشریف تبریزی نوشته است. تذهیب کناره‌ها، به طلای کم عیار و اسلیمی‌های گوناگون و گل‌های تزیینی شیوایی انجام گرفته است.

باباجان تربتی (تا سال ۹۱۱ هـ. ق. می‌زیسته) - مذهب، موسیقیدان، و شاعر. از هنرمندان با کمال عصر خود بود و در موسیقی و شعر مهارت بسزایی داشته است. از وی آثار رقم‌داری مشاهده نشده است.

باوردی، سلطانعلی (سدهٔ نهم هجری قمری) - مذهب و مصور. در تذهیب و تصویرسازی دست پر هنری داشت. متأسفانه احوال این هنرمند، در هیچ یک از تذکره‌های قدیمی یاد نشده است. از آثار وی: تصویر رزم‌آور قهرمانی که بر اسب خوش تراشی نشسته و نیزه‌ی بلند خود را به دهان اژدها فروبرده است، با رقم: «عمل العبد سلطانعلی»؛ نسخه‌ی مصوری که حدود بیست مینیاتور ماهرانه دارد.

بخاری، عضد تا سال ۹۳۵ هـ. ق. می‌زیسته) - مذهب. از تذهیب کاران دوره‌ی استاد بهزاد بود و در مواردی نیز با وی همکاری می‌کرد. صاحب «مناقب هنروران» وی را از مذهبان اهل بخارا و از شاگردان عبدالرحیم انیسی خوارزمی ذکر کرده است. از آثار وی یک نسخه «ظفرنامه‌ی» تیموری است که خط آن را سلطان محمد نور نوشته و نقاشی‌ها را استاد بهزاد انجام داده و تذهیب آن بر عهده‌ی میرعضد گذاشته بود.

بغدادی، حسن (سدهٔ دهم هجری قمری) - نقاش، مذهب و شاعر. بغدادی الاصل و مقیم تبریز بود که در هنر خود سرآمد مستعدان و رموز و دقایق آن شهره شهر به شمار می‌رفت. در بدایت حال به تهذیب و آرایش روضه‌ی مطهره‌ی امام حسین (ع) مفتخر شد و در نزد شاه طهماسب اول قدر و منزلت والایی کسب کرد. به همین دلیل فرمان ریاست جماعت هنرمندان شهر تبریز به وی تعلق یافت.

بنیادی تبریزی - خوشنویس و مذهب. از آثار وی قطعه‌ای است که با همکاری عبداللّه شهابی به انجام رسانده و آن قطعه، به خط نستعلیق گلزار چهار دانگ کتابت خوش است و در متن آن، سوره‌ی یس به خط نسخ غبار نوشته شده «بنده آل علی بنیادی تبریزی» و «کتابه المذنب عبداللّه شهابی» چنین رقم نهاده‌اند:

پروانه شیرازی، تقی - (سده سیزدهم و چهاردهم هجری قمری) - شاعر و مذهب. از سادات شیراز بود که در فن تذهیب استاد بود و شعر را نیز به نیکی می‌سرود.

تبریزی، زین العابدین (سده دهم و یازدهم هجری قمری) - مذهب. معروف به میر زین العابدین. اهل تبریز و از مذهب نازک قلم دوره‌ی شاه عباس بود. نسخه کتابی به خط علیرضا عباسی به تاریخ ۱۰۱۰ ق موجود است که حواشی آن را این استاد تذهیب کرده و رقم نهاده: «زین العابدین مذهب تبریزی»؛ از آثار منسوب وی، حواشی و حل‌کاری و تزیینات شاهنامه‌ی زیبایی است که در آن تصاویری از رضا عباسی موجود است.

تبریزی، محمدصالح (اواخر سده دهم هجری قمری) - مذهب و مجلد. اهل تبریز بود و در تذهیب و حل‌کاری و سوخت‌سازی مهارت داشت. از آثار گرانبگر وی جلد سوخت ممتازی است که در وسط آن، تصاویر گل و مرغ‌ها و نقوش همطراز اسلیمی به قوی دستی ارائه شده و رقم نهاده: «عمل محمدصالح التبریزی».

تبریزی، محمدمحسن (سده یازدهم هجری قمری) - نقاش، مذهب و معرق‌ساز. اهل تبریز بود و در نقوش اسلیمی، به شیوه سوخت و معرق، دستی بکمال داشت. از آثار امضادار این هنرمند جلد ضربی و سوخت معرقی است، در موزه ویکتوریا آلبرت لندن که جلد پرآرایش نسخه‌ی «نظامی» بوده و در زمینه‌های آبی و سبز و زرد و سرخ فرجام پذیرفته است، با رقم: «عمل محمد محسن تبریزی».

تذهیبی، محمدعلی - (متوفی در ۱۳۱۲ شمسی)، مذهب و خوشنویس. معروف به آقا محمدعلی. وی نوه‌ی استاد محمدعلی بهار، فرزند میرزا ابوطالب مدرس است که در صنعت تذهیب دستی داشته و در زمان خود از تذهیب کاران شیرین قلم بوده است. آقا محمدعلی علاوه بر زرنشان کردن قلمدان، در حواشی نقاشی‌های میرزا آقا امامی، هنرمند معاصر خود، تذهیب‌های جالبی کرده است.

تسلای شیرازی، رجبعلی (سده سیزدهم هجری قمری) - مذهب و شاعر. اهل شیراز بود و شغل وی مذهبی. او در تذهیب اوراق دست‌توانایی داشت و جدول‌کشی نیز می‌کرد. منزل وی محل اجتماع ادیبان و ظریفان بود. گاهی نیز شعر می‌گفته و صاحب دیوان بوده است.

تقوی، یحیی (تا سال ۱۳۱۱ هجری قمری می‌زیسته) - نقاش مذهب و قلمدان‌ساز. بنا به روایتی جد مادری او میرزا بابای اصفهانی نقاش‌باشی است که از نقاشان صاحب نام قاجار بوده است. تقوی یکی از استادان مشهور است که در چهره‌پردازی و انتخاب رنگها در آبرنگ دستی توانا داشت و تذهیب را به نازک قلمی و شیوا می‌ساخت. وی در تذهیب شیوه‌ای استادانه داشت و پیرو مکتب استادش، میرزا عبدالوهاب.

تهرانی حائری، محمدجعفر (تا سال ۱۲۸۱ هجری قمری می‌زیسته) - مذهب و خوشنویس. وی مذهبی نازک قلم بود و در خط نسخ نیز قلمی شیوا داشت. تنها اثر وی رساله دینی و احکام شرعی است که علاوه بر تذهیب و آرایش صفحات و جداول کناره‌ها، متن اصلی رساله را نیز به خط نسخ شیوای خود کتابت کرده است و حواشی نسخه با تذهیب‌های زیبا و گل‌های الوان و کتیبه‌های مذهب و گنبدی آرایش یافته و رقم نهاده: «قد فرغ».

تکلو، احمد (تا سال ۹۳۳ هجری قمری می‌زیسته) - مذهب، خوشنویس و شمشیرساز. هنرمند ذوفنونی از محل تکه ترکمان، نزدیک مشهد بود که در هنگام حمله سلطان سلیم به ایران و فتح تبریز، از موطن اصلی خود رخت بر بسته و در دربار سلطنتی پادشاه عثمانی به کار هنری مشغول گشته بود. از آثار این استاد که در سال ۹۳۳ ق به پایان رسانده: شمشیر منقش و استادانه سلطان سلیمان قانونی است.

حجاب شیرازی، فتحعلی (متوفی در ۱۲۶۹ هجری قمری) - خوشنویس، مذهب و شاعر، متخلص به حجاب. وی شاگرد وصال شیرازی بود. در سال ۱۲۶۶ ق با پسران و صاف به هندوستان رفت و دو سال بعد به شیراز بازگشت. حجاب انواع نستعلیق را از شش دانگ تا غبار استوار و عالی می‌نوشت و در سرودن شعر نیز مهارت داشت. صاحب «حدیقه الشعراء» آورده: «... در رسوم شاعری هم بین الاقران ممتاز بود».

حکیم الهی، علینقی - خوشنویس، مذهب، مترجم و شاعر، متخلص به حکمت. معروف به موتمن دیوان مشیرالکتاب. در تهران متولد شد. نزد پدر تحصیل علم کرد و نزد میرزا علی محمد صفا به فراگیری خط پرداخت. وی در تهران درگذشت و در صفاییه دفن شد. الهی، نسخ و ثلث را خوب می‌نوشت و در تذهیب و نقاشی و حجاری و نجاری نیز مهارت داشت.

دهلوی، میرحسن (سدهٔ دهم هجری قمری) - نقاش و مذهب. وی شاگرد و دخترزاده سلطان محمد معروف بود که از شاگردان و همکاران بهزاد به شمار می‌آمد. او در تذهیب و چهره‌پردازی و سایر عوامل تصویرسازی دست‌پرتوان داشت و جزو نقاشان کتابخانه سلطنتی محسوب می‌شد. این هنرمند، در تربیت و آرایش تاج پادشاهی کوششها نموده و چون رضایت خاطر شاه را فراهم کرده، به دریافت انعام و مواج موفق گردید.

رسا مذهب (تا سال ۱۳۱۱ هجری قمری می‌زیسته) - نقاش و مذهب. وی به شیوه کلاسیک اروپایی و ترکی نقاشی می‌کرد بزرگ و مذهب و مزین که علاوه بر خط استادانه، تذهیبی در شیوه کلاسیک دارد، با رقم: «کته و ذهبه العاجز عبدکم رسا ۱۳۱۱»

رضوی یزدی، محمدصادق (تا سال ۱۲۴۸ هجری قمری می‌زیسته) - مذهب، نقاش و خوشنویس. هنرمند ذوفنون بود که خطوط نسخ و رقاع را استادانه می‌نوشت و در جلدسازی نیز تبحر داشت. وی جمله فنون کتابت را از قبیل خط و تذهیب و جدول‌سازی و حل‌کاری و حتی جلد روغنی و آرایش آن را خود انجام می‌داد و تمام رشته‌ها را پرمایه عمل می‌آورد. از آثار او: ادعیه‌ای به خط نسخ و جلد روغنی مذهب .

رضوی، محمد امیر (متوفی در ۱۲۷۴ هجری قمری) - خوشنویس، نقاش و مذهب. از معاصران و مصاحبان غلام محمد هفت‌قلمی بود. وی جوانی خوش اخلاق و خوش طبع و شیرین زبان بود که در هنر نقاشی، تذهیب، جدول‌کشی، صحافی، علاقه‌بندی و سنگ تراشی مهارت داشت. او نستعلیق را به شیوه‌ی قدما می‌نوشت و در خوشنویسی از روش رشیدا پیروی می‌کرد و خود مجموعه‌ی نفیسی از آثار رشید را جمع آورد. **زبور، ابراهیم** (سدهٔ دوازدهم هجری قمری) - طغراساز و مذهب. از آثار رقم‌دار وی طغرای زیبایی است که در یکی از حراجهای لندن به فروش رفت، با رقم: «ابراهیم زیور»

زوشکی، شمس‌الدین (تا سال ۱۲۴۸ هجری قمری می‌زیسته) - مجلد و مذهب. از این هنرمند، اثری بر جای مانده، که در داخل یک شمس‌ه‌ی تودرتوی شکل گنبدی است و به خط رقاع رقم دارد: «رسم شمس‌الدین بن ضیاء‌الدین الزوشکی ۶۹۷»

زینل (سدهٔ دهم و یازدهم هجری قمری) - مذهب. از تذهیب‌کاران نادره کار عصر شاه عباس اول بود که در هنر تذهیب دست داشته و در حل‌کاری نیز صاحب قلم بوده است. آثار رقم‌داری از وی دیده نشده است.

سرابی، ابراهیم (تا سال ۱۲۴۸ هجری قمری می‌زیسته) - مذهب و خوشنویس. ملقب به شیخ. از هنرمندان گمنام بود. تنها اثر رقم‌دار وی: کتابت و تذهیب «مثنوی معنوی» است که در آخر جلد سوم چنین رقم زده: «... قد وقع الفراغ فی اواخر شهر المحرم عظم الله حرمة سنه ثمان و تسعين و سبعمائۀ برابر است ۷۹۸ کتبه و ذهبه عبدالضعیف والحقیر الفقیر ابراهیم الملقب به شیخ ابراهیم السرابی حامداً و مصل

سلطان احمد جلایر - نقاش، مذهب، خوشنویس، موسیقیدان و شاعر. وی نزد پدر تعلیم دید و در خط نستعلیق دست داشت. در زمان پادشاهی او نقاشی مینیاتور به پایه‌های والاتری از ترقی رسید و نگارگران چیره‌دستی بوجود آمدند. سلطان احمد خود به عربی و فارسی شعر می‌سرود و در تصویر و تذهیب و خاتم‌بندی و موسیقی بی‌مانند بود و شش قلم را خوب می‌نوشت.

سیمی نیشابوری، محمد، عبدالله (سدهٔ نهم هجری قمری) - نقاش، مذهب، خوشنویس و شاعر. وی در مشهد سکونت داشت و مکتب‌داری می‌کرد. سیمی از کاتبان دربار بایسنغر میرزا و شاگرد جعفر بایسنقری بود و هفت قلم را خوش می‌نوشت. شعر را نیز نیکو می‌سرود و در سرعت قلم بی‌نظیر بوده است. در معماری و رنگ‌آمیزی و مرکب‌سازی و افشان‌گری و تذهیب و رنگ‌کاری کاغذ سررشته داشت.

شرف یزدی (سدهٔ یازدهم هجری قمری) - مذهب. وی برادر قطب‌الدین یزدی، خوشنویس معروف و از مذهب‌بان و حل‌کاران نامی عصر بود.

شفیعی‌ای هروی، محمد (متوفی در ۱۰۸۱ هجری قمری) - خوشنویس، نقاش، مذهب و شاعر، متخلص به شفیعاً. مشهور به پیشوا. (از سادات حسینی هرات بود و در خط شاگرد فصیحی شاعر است که در دستگاه مرتضی قلی خان شاملو بود. شفیعاً خط نسخ و نستعلیق و شکسته را خوش می‌نوشت و خط شکسته را به جایی رساند که به نام وی، شفیعایی خوانده می‌شد و بعدها درویش عبدالمجید این خط را تکمیل کرد و به حد کمال رساند.

شیخی، مذهب (سدهٔ دهم هجری قمری) - مذهب. وی از مذهبان شیرین قلم و نادره کار روزگار خود بود. (یگانه اثر وی: تصویر دو عاشق در کنار هم و زن چادر به سری که صراحی شراب به دست گرفته و به دیگری عرضه می‌کند، با رقم: «مشقه شیخی مذهب فی سنه».)

شیرازی، عبدالصمد (سدهٔ دهم هجری قمری) - مذهب و خوشنویس. کاتب و مذهب قرآنی است. از آثار وی، قرآنی به خط نسخ خوش و سرلوح‌ها و سرسوره‌ها تذهیب گردیده، با رقم: «... خدمه به تذهیب و تحریره عبدالصمد شیرازی سنه ۹۴۳».

شیرازی، فتح‌الله (قرن سیزدهم هجری قمری)

شیرازی، محمدعلی (قرن سیزدهم هجری قمری)

شیرازی مذهب، لطفعلی (قرن سیزدهم هجری قمری)

شیرازی، میرکی - خوشنویس و مذهب. از آثار وی: قرآن عظیم رحلی، به خط ریحان دو دانگ عالی، با رقم: «خطاط و مذهب سید میرکی بن سید احمد الشیرازی»، در بقعه‌ی مولوی در قونیه.

صبوری تبریزی، محمد حسین (سدهٔ دهم هجری قمری) - شاعر، نقاش و مذهب. وی از شاعران مکتب وقوع و از منجمان عهد شاه عباس صفوی (۱۰۳۸ - ۹۹۶ هجری قمری) است که به حسن اشعار و مکارم اخلاق و طرز غزل از امثال خود ممتاز و در فن نقاشی و تذهیب نیز سرآمد بود. از آثار وی: «دیوان شعر» (رساله‌ای در تقویم)، در چهار فصل، که آن را برای پیر بداق‌خان پرناک و به نام شاه عباس صفوی تدوین کرده است.

صحاف، محمد تقی - صحاف هنرمند که حقا صد مرد هنرمند در یک تن، و مجمع الصنایع هنر صحافی و نقاشی و طراحی و مذهبی و خوش‌نویسی و سوخت‌سازی و معرق‌سازی چرمینه، و ساختن فانوس‌های فنی قدیم، و تعبیه‌ی انواع رنگ و روغن‌های نقاشی و امثال آن بوده، و نمونه‌ی خطوط ثلث وی در سر درب مسجد صفا محله‌ی شهشهان مورخ ۱۲۹۰ هجری قمری، و سر درب مسجد رکن‌الملک در تخت فولاد **صحاف‌باشی، فضل‌الله** - (سدهٔ دوازدهم هجری قمری)، نقاش و مذهب. ملقب به صحاف‌باشی. از نقاشان

عهد مظفرالدین شاه قاجار بود و شاید لقب خود را از او دریافت کرده باشد. در معرق‌سازی و تذهیب و نقوش ابتکاری و تجلید استادانه نسخه‌های خطی و تعمیر و ترتیب صفحات آب‌دیده و از بین رفته کتابها، مهارت استادانه‌ای داشت و صحاف‌باشی آستان قدس رضوی بود.

صندل، ابوبکر (تا سال ۷۰۰ هجری قمری می‌زیسته) - مذهب. از هنرمندان زبردست عصر خود بود. و در حرفه‌ی خود کمال مهارت داشت. از آثار رقم‌دار وی کلام الله مجیدی است که تذهیب‌های آن، به دست وی آرایش شده است. صفحات اولیه و سر سوره‌ها، در شیوه‌ی مملوکی مصر تذهیب شده و انواع شیوه‌ها و شگردهای اسلیمی، در بطن تذهیب ارائه گشته است.

صنیع الزمان، محمدباقر (سده سیزدهم هجری قمری) - نقاش و مذهب. ملقب به صنیع الزمان. وی مذهب نازک‌قلم و شیرین‌کار دوره‌ی ناصری بود. صنیع الزمان در تشعیر و حل‌کاری و ترصیع و گل‌آرایی مهارت داشت و انواع تزیینات متداوله را به خوبی انجام می‌داد. از آثار وی آینه‌ای است که به انواع آرایش تذهیبی جلب‌نظر می‌کند. در وسط قاب آینه، تصویر گل بزرگی است که به حل‌کاری انجام یافته.

صنیع همایون اصفهانی، عبدالحسین - نقاش، مذهب و قلمدان‌ساز. ملقب به صنیع همایون. وی نواده‌ی آقا نجفعلی نقاش‌باشی است که در اصفهان چشم به جهان گشود. او در ابتدای کار از پدر هنرمندش فیضها برد و بعد در خدمت میرزا آقا امامی و محمد باقر سمیرمی و سایر استادان دیگر به کس هنر اشتغال داشت. صنیع همایون در صورت‌سازی و چهره‌پردازی نازک‌قلم و در گل و مرغ و منظر مهارت داشت.

صنیع همایون، رضی (تا سال ۱۳۲۲ هجری قمری می‌زیسته) - نقاش و مذهب. ملقب به صنیع همایون. از اهالی طالقان بود که در مجمع‌الصنایع تهران حجره‌ای مخصوص به خود داشت و به خلق آثار بدیع می‌پرداخت. وی از هنرمندان طراز اول و بلندپایه‌ی زمان ناصرالدین شاه است که آثار بسیار خوبی در تذهیب و نقاشی پدید آورده و در هنر میناسازی نیز دست داشته است.

عباسی، علیرضا (سده یازدهم هجری قمری) - نقاش و مذهب. وی غیر از علیرضا عباسی، خوشنویس معروف، است. وی در تذهیب و تشعیر، استاد نادره‌کاری بود و در تصویر و چهره‌پردازی به شیوه‌ی ایرانی و

هندي دست توانايي داشت و از آثار وي: قلمدان تابوتي زيبايي است كه تذهيب پرمايه و چهره‌هاي طلايي دارد و در شيوه‌هاي متنوع تذهيب و آرايش گلهاي اسليمي و ختايي مكتب صفويه عمل آمده .

عريضي اصفهاني، محمد - (تا سال ۱۳۵۵ هجري قمری می‌زيسته) - مذهب و قلمزن. اهل اصفهان بود.

اين استاد، در تذهيب و طراحي و شيوه‌هاي مختلف آن دست پر قدرتي داشت و صاحب ابتكار بود. از آثار وي سيني نقره‌اي پر كاري است كه به انواع تزيينات اسليمي و شيوه‌ي اصفهاني عمل آمده و در وسط آن، تصوير فردوسي نقش شده است، با رقم: «عمل حاج سيد محمد قلمزن عريضي اصفهاني ۱۳۵۵ ق».

علي محمد (سده دوازدهم و سيزدهم هجري قمری) - نقاش و مذهب. هنرمند دوره‌ي فتحعلي شاه قاجار

بود. از آثار وي، قلمدان تابوتي بزرگي كه تذهيب استادانه‌اي دارد و رويه‌ي آن، به گل و مرغ رنگي آزين شده و در بين آنها پيكار بين شيري و پلنگي به طرزي ماهرانه مصور شده است. از حل كاري و طلااندازي و تاريخ ۱۱۵۰ هجري قمری معلوم است كه اين قلمدان از آثار مشاهير هنرمندان صفوي است.

فرهنگ اصفهاني، محمدعلي (تا سال ۱۲۹۸ هجري قمری می‌زيسته) - نقاش، مذهب، نويسنده و شاعر،

متخلص به فرهنگ. وي شاعري توانا و در انشاء نيز مسلط بود. در ابتدا بهار تخلص مي‌کرد ولي بعدها تخلص خود را به فرهنگ تغيير داد. شغلش تذهيب «كلام الله مجيد» بود. از آثار امضادار او جلد روغني مذهب و ممتازي است كه بهترين معرف او در امر طلاكاري است. رقم اين اثر «محمدعلي مذهب» و سال اتمام آن ۱۲۹۸ هجري قمری.

قطاعي شيرازي، محمدطاهر (تا سال ۱۱۴۶ هجري قمری می‌زيسته) - قاطع، مذهب، طراح و رسام. از

آثار وي قطاعي كتيبه‌اي در مشهد مقدس است. در اين اثر استادانه، ابياتي به نستعليق زيبا بر روي فولاد سخت قطاعي شده و زمينه‌ي آن، با تزيينات دايره‌اي و اسليمي مدور، به زيبايي تمام به كناره‌ها وصل گشته است و كاتب آن چنين رقم نهاده: «... قطاعي آن بيد اهتمام محمدطاهر ولد استاد مسيح شيرازي به اتمام رسيد.

قمصري، باقر (سده سيزدهم هجري قمری) - نقاش و مذهب. از خاندان سادات قمصر كاشان بود و در

فنون نقاشي آب و رنگ و تذهيب و قلمدان‌سازي مهارت بسزايي داشت. وي براي تزيين رواق توحيدخانه

آستان قدس رضوی، سفری به مشهد کرد و چنان از عهده‌ی آن برآمده که حکیم قآآنی شیرازی وی را ستوده است.

قوام‌الدین مسعود (سده دهم هجری قمری) - مذهب، نقاش و خوشنویس. از تذهیب‌کاران و تصویرگران بود و در خط نستعلیق نیز مهارت داشت. این هنرمند برادری نیز به نام کمال‌الدین عبدالوهاب مشهور به خواجه کاکا داشت که به شغل اجدادی خود علاقه‌مند بود و در شیراز زندگی می‌کرد. از آثار تذهیب و خطی وی، قطعه خط گلزاری است که به شیوایی تمام تزیین شده، با رقم: «مشقه العبد المذنب مس»

ماه پاره (سده نهم و دهم هجری قمری) - مجلد و مذهب. از یاران و هم‌ردیفان استاد سلطانعلی مشهدی و نگارگر تزیینات بر روی جلدها بود. سلطانعلی مشهدی در نامه‌ای که به یکی از فرزندان سلطان حسین میرزا مرقوم داشته، نام این جلدساز را جزو استادان نامی آن دوره، از قبیل سید بابا افشانگر، عبدالله قاطع و سایرین درج کرده است. .

مجد (سده نهم و دهم هجری قمری) - مذهب و خوشنویس. از آثار وی: نسخه‌ای به نام «رشف النصایح الایمانیه»، در کتابخانه‌ی گلستان تهران، با رقم: «تم الکتاب... فی سنه ۸۵۱» کتبه و ذبه العبد الضعیف المذنب مجد المذهب غفر له

محرم یزدی، محمدعلی (متوفی در ۱۲۳۱ هجری قمری) - مذهب و شاعر، متخلص به محرم. پدر وی نسخ‌نویس معروف اصفهانی و مشهور به صانع است. براساس شهرت پدر او را محرم اصفهانی نیز خوانده‌اند. میرزا محمدعلی مدتی در شیراز ساکن بوده و با داوری شیرازی، فرزند وصال، ملاقات داشته است. سپس به یزد رفته و به تذهیب و تزیین نسخه‌ها و قطعات اشتغال داشته و همان جا درگذشته است.

محمد تاج‌الدین حیدر (تا سال ۱۰۰۰ هجری قمری می‌زیسته) - مذهب و خوشنویس. از مذهب‌بان شیرین قلم شیراز بود و در خط نستعلیق نیز دست داشت. از آثار رقم‌دار وی، که نمونه خط نستعلیق استادانه و همچنین صنعت تذهیب خود را یکجا ارائه داده، یک نسخه کلام‌الله مجید، به خط عبدالوهاب شیرازی و به سال ۱۰۰۰ قمری است، با رقم: «... بسعی و اهتمام العبد الاحقر، محمد تاج‌الدین حیدر مذهب شیرازی».

محمد، افضل (تا سال ۱۰۹۹ هجری قمری می‌زیسته) - مذهب و خوشنویس. تشعیرساز و حل کار عصر خود بود و آرایش و آذین نسخه‌های خطی و قرآن‌ها را به عهده داشت. از آثار وی: تذهیب و کتابت قرآن خوش خطی که با ورقهای آبی‌رنگ تهیه گشته و صفحات اول و حواشی آن، به تردستی ترصیع شده است، با رقم: «کتابه و ذهبه محمد افضل بن محمدعلی سنه ۱۰۹۹».

محمد، تاج هراتی (سده نهم هجری قمری) - نقاش، مذهب و دانشمند. وی اهل هرات بود و در دوره تیموری زندگی می‌کرد و در شیوه هراتی نقش می‌آفرید. تاج‌محمد علاوه بر اینکه در صنعت تذهیب و گونه‌های مختلف آن دستی به کمال داشت، در علم حیل «جرّ ائقال» و مکانیک و چینی‌سازی و نقش و نگار ظروف چینی نیز اطلاعات و تبحر فراوان داشت و ابتکاراتی از خود نشان می‌داد.

محمدجواد (تا سال ۱۲۸۶ هجری قمری می‌زیسته) - قلمدان‌ساز و مذهب. از معاصران دوره‌ی ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه قاجار و سازنده‌ی اسکلت مقوایی و نقاش و مذهب قلمدان‌ها بود. وی در مقواسازی قلمدان‌ها و صنعت ابری و تذهیب، از شاگردان ابوطالب مدرس به شمار می‌آمد و در قلمدان‌هایی که اسکلت مقوایی آن، به دست او انجام پذیرفته، عموماً دارای مهر چهارگوش طلایی رنگ است.

محمدرحیم (تا سال ۱۱۲۰ هجری قمری می‌زیسته) - نقاش و مذهب. استاد لایه چین در زمان شاه سلطان حسین بود و در این شیوه‌ها نقش تصویر می‌نمود. وی در چهره‌سازی و مجلس‌آرایی و صنعت تذهیب دستی قوی داشته و شیوه‌ی لایه‌چینی را خوب می‌دانسته است. از آثار وی: تصویر شاه عباس کبیر با لباس زربفت.

محمدعلی مذهب (سده سیزدهم هجری قمری) - مذهب، نقاش و خوشنویس. گلزارنویس با مهارتی بود و در تشعیر و تذهیب قلم هنرمندانه‌ای داشت. از آثار وی خط شش دانگ گلزاری است که جمله‌ی یا امیرالمؤمنین حیدر را به خط نستعلیق جلی نوشته و داخل آن را، در شیوه‌ی گلزاری تزیین نموده است و زمینه را نیز به تذهیب کاری آرایش داده و رقم یا علی ادرکنی» دارد.

مذهب اصفهانی، ابوطالب (سدهٔ سیزدهم هجری قمری) - نقاش و مذهب. از هنرمندان اوایل عهد قاجار بود که سردودمان خاندانی است که پشت در پشت به هنر تذهیب و نقاشی اشتغال داشته و این فن را در اصفهان رونق بخشیده‌اند.

مذهب اصفهانی، رضا - مذهب. از مذهب‌ان نادره کار و چیره‌دست اصفهان بود که در تذهیب قرآنها و کتابها و فرامین و مرقعات دست پر قدرت داشت. وی فرزندی به نام میرزا عبدالعلی داشته که او نیز در هنر خود سرآمد بوده است.

مذهب اصفهانی، محمدتقی (تا سال ۱۲۹۳ سیزدهم هجری قمری می‌زیسته) - مذهب، نقاش، قلمدان‌ساز و خوشنویس. از شاگردان سید ابوالقاسم حسینی مذهب باشی اصفهانی بود و شیوه‌ی وی را پیروی می‌نمود. میرزا محمدتقی علاوه بر هنر تذهیب و مراحل مختلف آن، در تصویرسازی و چهره‌پردازی نیز مهارت داشت. عمده کار این استاد، تهیه جلد و قاب آینه و قلمدان و سایر کارهای روغنی بود که در کارگاه هنری مخصوص خود عمل می‌آورد.

مذهب اصفهانی، محمدجعفر (سدهٔ یازدهم هجری قمری) - مذهب و شاعر، متخلص به مذهب. اصل او از قهپایه بود و در اصفهان به دنیا آمد. در هنر تذهیب ماهر بود و شعر نیز می‌گفت. ظاهراً وی در زمان تألیف «تذکره‌ی نصرآبادی» (۱۰۸۳ ق) زنده بوده است، چون نصرآبادی از وی به صورت فردی معاصر با خود، صحبت می‌کند. تذکره‌ها صاحب عنوان را تحت نام جعفر زرکوب و محمد جعفر زرکوب نیز آورده‌اند.

مذهب اصفهانی، محمدحسین (سدهٔ سیزدهم هجری قمری) - مذهب و قلمدان‌ساز. نواده‌ی آقا ابوطالب مدرس بود. وی تذهیب را نزد آقا محمدجواد مذهب آموخت و در این هنر مشهور شد. محمدحسین ابری‌سازی و قلمدان‌سازی را خوب می‌دانست و در حل کاری و زرینه‌سازی و نقوش اسلیمی و سایر مراحل فنون طلاکاری نیز استاد شیرین قلمی به شمار می‌آمد. آثار رقم‌دار وی مشاهده نشده است.

مذهب السلطان، محمد (تا سال ۱۲۶۴ هجری قمری می‌زیسته) - مذهب. ملقب به مذهب‌السلطان. از آثار این هنرمند تذهیب سر سوره‌ها و آرایش مختلف کلام‌الله مجید است که در ۱۲۶۴ ق فرجام پذیرفته و رقم «سید محمد مذهب السلطان» دارد.

مذهب باشی شیرازی، سید ابوالقاسم (سدهٔ سیزدهم هجری قمری) - مذهب. از مشاهیر شیراز بود که در تذهیب و حل کاری قلمی پر هنر داشت. از آثار رقم دار و نفیس وی: جلد مذهب و ادعیه‌ی خوش خط سرا پا طلایی است که رویه‌ی آن به طرز پر مهارتی تذهیب شده است، علاوه بر خط زیبا و استادانه‌ای که دارد، متن و حواشی تمام صفحات به طرز بارزی تذهیب و ترصیع گشته.

مذهب باشی شیرازی، عبدالوهاب (سدهٔ سیزدهم هجری قمری) - نقاش، مذهب و قلمدان‌ساز. هنرمند ماهر شیرازی بود که از طرف ناصرالدین شاه مفتخر به لقب مذهب‌باشی شد. وی در تمام شیوه‌های طلاکاری و تذهیب و تشعیر و افشان و حل کاری و ترصیع الوان سرلوحها، استادی تمام عیار بود. همچنین در آبرنگ و قلمدان و جلدسازی نیز استاد بود و در گل و مرغ و تصویر و شبیه‌پردازی دستی موزون داشت.

مذهب باشی شیرازی، محمدتقی (تا سال ۱۳۳۹ هجری قمری می‌زیسته) - مذهب. وی از طرف ناصرالدین‌شاه و مظفرالدین‌شاه قاجار لقب مذهب‌باشی داشت و در تذهیب و حل کاری استاد بود. از آثار وی: قاب آینه مذهب و پر پیرایه‌ای که تمام نقوش و مراحل مختلف صنعت تذهیب در آن اجرا شده، با رقم: «محمدتقی مذهب باشی»؛ آرایش و پیرایش متنوع و با حلاوت ابیاتی که برای پرنس ارفع‌الدوله کتابت شده و در نوع خود بسیار بی نظیر است.

مذهب باشی شیرازی، محمود (تا سال ۱۲۹۸ هجری قمری می‌زیسته)، مذهب، قلمدان‌ساز و خوشنویس. مذهب باشی شیراز بود و در تذهیب و زرافشانی و حل کاری مهارت داشت. او در چهره‌پردازی و شبیه‌سازی نیز قوی دست بود و همچنین انواع خطوط را خوش می‌نوشت. علینقی شیرازی، خوشنویس معروف، برادر کهنتر وی بود. از آثار او: قلمدان پرمایه‌ای در زمینه‌ی مشکی که گلهای طلایی کم‌نظیری بر روی آن نقش بسته.

مذهب باشی شیرازی، یوسف (متوفی در ۱۳۰۰ هجری قمری) - مذهب. مشهور به میرزا یوسف مذهب. از اساتید فن تذهیب در شیراز بود. فرزندان وی نیز هنرمند و به شغل تذهیب و صنعت خط اشتغال داشته و در زمان خود معروف بوده‌اند. میرزا یوسف در شیراز مدفون است. از آثار وی: تذهیب یک نسخه «تحفه‌الحسن» که تزیینات صفحه اول و دوم و سایر تذهیب‌های داخلی آن، اثر دست میرزا یوسف است.

مذهب باشی نقاشباشی، محمدباقر (تا سال ۱۳۱۴ هجری قمری می‌زیسته) - نقاش و مذهب. از آثار او: قاب آینه زیبا و استادانه‌ای که بر روی آن، تصویر زن جوانی با لباسهای اروپایی نقش بسته و بچه خردسال خود را در بغل گرفته است، با رقم: «کمترین اقل الحاج میرزا محمدباقر مذهب باشی نقاشباشی آستان قدس».

مذهب باشی، محمد (تا سال ۱۲۶۰ هجری قمری می‌زیسته) - مذهب. از مذهب باشی‌های تبریز بود که در هنر خود استعداد وافری داشت. از آثار وی تذهیب نسخه‌ی «جنات الخلود» است که به دست محمدتقی ابن محمد زمان کتابت شده و تذهیب و آرایش آن را، استاد محمد مذهب باشی به اتمام رسانده است و چنین رقم دارد: «... بسعی... آقا محمد مذهب باشی و ابن محمد زمان، محمدتقی صورت اتمام یافت... سنه ۱۲۶۰».

مذهب شیرازی، اسدالله (سده سیزدهم هجری قمری) - نقاش و مذهب. وی برادر میرزا محمود مذهب باشی و در تذهیب و زرنگ‌نشان استاد بوده و بر روی قلمدان‌ها هنرنمایی کرده است. از آثار وی: یک قلمدان گل و مرغ به سبک علی اشرف است که رقم ندارد

مذهب شیرازی، عبدالله (سده دهم هجری قمری می‌زیسته) - نقاش و مذهب. وی در تذهیب و ترتیب سرلوح‌ها و شمسه‌ها دستی توانا داشت. رنگ روغن را به مهارت کار می‌کرد و مدت بیست سال در کتابخانه‌ی شاهزاده سلطان ابراهیم میرزا به مشهد رفت و در آن شهر ساکن شد و همان جا درگذشت. از آثار وی: تذهیب نسخه‌ی «دیوان» سلطان ابراهیم میرزا متخلص به جاهی، که جمال مشهدی خط آن را نوشته است

مذهب شیرازی، نجم‌الدین محمود (سده هشتم هجری قمری) - مذهب و شاعر. معروف به صاحب‌اللوح. از شعرای نامی فارس بود و انواع شعر را خوب می‌سرود. در «صبح گلشن» آمده: "در جنگ بین شاه شجاع مظفری (۷۸۶-۷۵۹ ق) و شاه منصور مظفری (۷۹۵-۷۹۰ ق) به قتل رسید." صاحب «احوال و آثار نقاشان» به مذهبی به نام نجم‌الدین محمود مذهب اشاره می‌کند که در قرن هشتم قمری می‌زیسته و در ۷۸۲ ق نیز زنده بود.

مذهب هروی، محمود (تا سال ۹۶۳ هجری قمری می‌زیسته) - مذهب، نقاش، خوشنویس و شاعر. هنرمند ذوفنونی از دیار هرات است که به غیر از فن تذهیب، در چهره‌پردازی و ارائه مجالس پر ازدحام و تزئین

و آرایش قصرها نقاشی پر اعتبار به شمار می‌آمد و پیرو مکتب بخارا و هرات بود. او خطوط نستعلیق و رقاع را خوش می‌نوشت و از شاگردان میرعلی هروی بود و شعر را نیز نیکو می‌سرود

مذهب هروی، یاری (سده نهم و دهم هجری قمری) - مذهب، نقاش، خوشنویس و شاعر. وی پس از

آموختن فنون نقاشی به صورت ابتدایی، به سفارش امیر علیشیر نوایی تحت تعلیم مذهبان بزرگ هرات قرار گرفت و در اندک زمانی در هنر نقاشی ماهر گشت. گویند مهر سلطان حسین بایقرا را با قلم مو تقلید کرده بود و بدین سبب به مرگ محکوم شد، اما به وساطت امیر علیشیر نوایی از قتل نجات یافت.

مذهب کرمانی، مسعود (تا سال ۹۴۴ هجری قمری می‌زیسته) - مذهب و خوشنویس. اهل کرمان و

طلانگاری به غیر از مسعود بن میرکی مذهب است. استاد مسعود، به غیر از هنر تذهیب که در ترسیم آن‌ها مهارت تامی داشت، خط نستعلیق را نیز خوش می‌نوشت. از آثار وی: یک نسخه «مناجات» حضرت علی (ع)، به قلم نیم دو دانگ متوسط، با رقم: «مشقه العبد المذنب مسعود المذهب الکرمانی... سنه ۹۴۴

مذهب یزدی، ابوالقاسم - نقاش و مذهب. سید ابوالقاسم از اهالی یزد بود و در هنر حل کاری و آرایش

طلایی شیرین قلم. چهره را نیز خوب می‌ساخت و پرداز را نیکو می‌زد. از آثار باقی مانده وی: شمایل مولای متقیان، علی (ع)، به آب و رنگ که به استادی تصویر شده و حواشی آن را با دقت پر و سواسی تذهیب کرده، با رقم: «سید ابوالقاسم مذهب یزدی

مذهب، جعفر (سده سیزدهم هجری قمری) - نقاش و مذهب. از هنرمندان دوره‌ی ناصری بود که در

ترسیم و تذهیب و حل کاری و طلالاندازی دستی پراستعداد داشت. از آثار وی: قلمدان فوق‌العاده‌ای که به تذهیب و آرایش طلایی نقش شده و به خط رقاع استادانه رقم «ذهبه سید جعفر ۱۲۸۵» دارد؛ جلد قرآن مذهب و مرصع که سرلوح‌ها و حواشی آن پرتشعیر و زرین و ترنج‌سازی آن بی‌نظیر است

مذهب، حسن (سده سیزدهم هجری قمری) - نقاش و مذهب. وی در هنر خود مهارت داشت و تنها یک

اثر رقم‌دار از او به جای مانده و آن، جلد قرآن کریم است که خط آن را میرزا شریف کتابت کرده و میرزا رشیدا نیز ماده تاریخی به نظم درآورده و نام مذهب را نیز جزو ابیات یاد کرده است: «حبذا این محکم تنزیل کز حسن خطش احمد و یاقوت هر دو واله‌اند و مستهام... هست تذهیبش از آن ن

مذهب، علی اصغر (سده دهم هجری قمری) - مذهب و نقاش، مذهب شیرین نگار اهل قزوین و از شاگردان خواجه عبدالعزیز اصفهانی بود و در کتابخانه‌ی شاه‌طهماسب صوفی (۹۸۴ - ۹۳۰ ق) به خلق آثار هنری اشتغال داشت. تنها اثر به جا مانده‌ی وی، تصویر برازنده‌ای است که در متن نسخه‌ی «تیمورنامه‌ی» هاتفی جلب نظر می‌کند و در آن، نقش دو دختر که با پسر جوانی سرگرم صحبت هستند.

مذهب، علینقی (سده دوازدهم هجری قمری)، مذهب. هنرمند دوره‌ی افشاری و زندیه بود و در هنر خود مهارت داشت. از آثار وی: تذهیب برازنده و پرمایه قرآنی است که به حسن سلیقه تمام آرایش و تذهیب شده، با رقم: «تم التذهیب علی نقی المذهب سنه ۱۱۵۷»

مذهب، قاسم (سده دهم هجری قمری) - نقاش و مذهب. وی حدود ۹۵۵ هجری قمری به همراه میرسید علی و خواجه عبدالصمد شیرین‌قلم و سایر هنرمندان ایرانی به دعوت همایون پادشاه به هند رفت و جزو مذهبان عالی مقام کتابخانه سلاطین هندی درآمد. این هنرمند شخصیتی والا و در دربار اکبری احترام فراوانی داشت و همیشه به همراهی میر سیدعلی و عبدالصمد شیرازی و دوست مصور، ملتزم رکاب شاه بود.

مذهب، لطف الله (تا سال ۱۰۳۴ هجری قمری می‌زیسته) - مذهب. از آثار وی: یک نسخه «خمسه‌ی» نظامی مزین که با شیرین قلمی و شایستگی تذهیب کرده و رقم نهاده: «تمت هذا الكتاب بعون الله الملك الوهاب فی سنه ۱۰۳۴ فی دارالفیض شیراز... لطف‌الله مذهب»

مذهب، محمدباقر (تا سال ۱۳۰۴ هجری قمری می‌زیسته) - مذهب. از مذهبان و حل کارانی بود که در آبرنگ و سیاه‌قلم نیز دست داشت. از آثار وی: تصویر سیاه‌قلمی مرد معممی که صورت آن به سایه‌پردازی و در شیوه‌ی صنیع الملکی انجام یافته، با رقم: «سید باقر بن میرطاهر ۱۲۹۸»؛ جلد روغنی مذهب و افشانی که گلهای متنوعی به شیوه‌ی حل کاری انجام داده، با رقم: ذهبه محمدباقر بن میرطاهر مذهب ۱۳۰ .

مذهب، یوسف (تا سال ۸۱۰ هجری قمری می‌زیسته) - مذهب و خوشنویس. مشهور به امیری. از آثار وی: کتابت و تذهیب کلیله و دمنه که در ۸۱۰ ق به پایان رسیده و نوزده تصویر آبرنگی در آن نقش نموده است که در ذیل بعضی از نقوش رقم «یوسف المذهب» دارد و در آخر نسخه رقم نهاده: «کتبه العبد یوسف المشهور به امیری»

مصور بدخشانی، میر منصور (سده نهم و دهم هجری قمری) - نقاش، مذهب و خوشنویس. اهل بدخشان و پدر میر سید علی متخلص به جدایی بود. وی در بدایت حال، در خدمت شاه طهماسب صفوی (۹۸۴ - ۹۳۰ ق) به خلق آثار ارزنده‌ای اشتغال داشت و از تصویرگران نامی آن دوران به شمار می‌آمد. به روایتی او فرزند روح‌الله میرک است، اما این فرضیه چون منطبق با اسناد قدیمی نیست، پایه و اساسی ندارد.

مه‌رآیین جاسبی، حسین - تولد: ۱۲۹۵، وفات: ۱۳ بهمن ۱۳۷۴ شمسی، تهران. وی از پیشکوهستان هنر تذهیب بود. برخی از آثار وی علاوه بر موزه فرش ایران، در یکی از موزه‌های ترکیه در معرض دید هنردوستان قرار دارد. مه‌رآیین جاسبی این استاد تذهیب و مینیاتورست، چهره‌نگار، و نقاش قالی در سال ۱۳۷۴ درگذشت و پیکرش در بهشت زهرا در قطعه‌ی ۸۸ قرار دارد.

میر محمد (تا سال ۹۸۳ هجری قمری می‌زیسته) - خوشنویس و مذهب. از آثار وی: کتابت قسمتی از قرآن وزیری، مذهب و مجدول سازی، دو سطر اول و آخر به قلم زر و خط رقاع جلی، متن به نسخ کتابت خفی یاقوتی خوش، با رقم: «کتبه العبد... میرمحمد بن محمدی التبریزی، تحریرا فی... سنه ثلاث و ثمانین و تسعمائه»

نصیرالدین محمد (تا سال ۸۰۵ هجری قمری می‌زیسته) - مذهب و خوشنویس. وی سرپرست مذهبان و نقاشان و خوشنویسان و دیگر هنرمندان کتابخانه‌ی دربار ابراهیم سلطان، فرزند شاهرخ بود. ابراهیم سلطان مقام هنر او را ارج نهاد و فرمانی در ۸۰۵ هجری قمری، درباره‌ی کلانتری نصیرالدین محمد صادر نموده که این فرمان در «منشآت» شرف‌الدین علی یزدی قید گردیده است.

نقاش افشار، علی اشرف (سده دوازدهم هجری قمری) - نقاش، مذهب، خوشنویس و شاعر. از ایل معروف افشار ارومیه بود و چنین برمی‌آید که وی، برادر بزرگ الله‌وردی نقاش باشد. علی اشرف شاگرد ممتاز استاد محمد زمان الو بود و برخی نیز او را شاگرد استاد محمد علی بیگ، نقاش‌باشی دربار نادرشاه، دانسته‌اند. وی با میرزا احمد نیریزی، خوشنویس معروف نسخ، دوست و همدم بود.

نقدی بیگ (سده دوازدهم هجری قمری) - نقاش و مذهب. وی در ارائه مجالس بزمی و چهره‌پردازی و ارائه حالات گوناگون نفرات، بخصوص در چهره‌آرایی و زیبانگاری دست پر حلاوتی داشت و در امر تذهیب و

ترسیم اشکال هندسی نیز ماهر بود و شیوه‌های مختلف آن را نیکو می‌دانست. از آثار وی: تصویر مجلس خواستگاری جندل از دختران شاه یمن، که در یکی از نسخه‌های «شاهنامه» در ۹۸۴ ق نقش پذیرفته است.

نقشه‌چی، محمدحسین - تذهیب‌کار. تولد: ۱۲۸۳، فراهان. وفات: ۱۳۶۷. محمدحسین نقشه‌چی پس از طی دوران مدرسه به تدریج در کنار پدر با رموز کار نقشه‌ی قالی آشنا شد و اصول طراحی و رنگ‌آمیزی را فراگرفت. همان سال‌ها در اراک مدتی نیز زبان فرانسه آموخت. در هفده سالگی به قم مهاجرت نمود و چند صباحی در آن شهر به طراحی نقش قالی پرداخت. سپس رهسپار تهران گردید.

هاشمی اصفهانی، شمس‌الدین محمد (سدهٔ دهم هجری قمری) - شاعر و مذهب، متخلص به هاشمی. ملقب به صدر جهان. وی از سادات اصفهان بود. در ابتدا به شغل تذهیب اشتغال داشت. سپس به دکن رفت و ملازم عادل شاه (۹۱۶-۸۹۵ ق) گردید و از جانب او خطاب صدر جهان یافت. طبع شعر خوبی داشت و اشعاری از وی در تذکره‌ها ذکر شده است.

هروی، جلال‌الدین یوسف (سدهٔ دهم هجری قمری) - مذهب و نقاش. از مردم هرات و در چهره‌پردازی و تذهیب نازک قلم بود. صاحب «تاریخ رشیدی» او را ملایوسف و از شاگردان بهزاد نقاش معرفی کرده است. در تذکره‌ها و تاریخ‌های قدیمی از جمله در کتاب «بدایع الوفایع» «واصفی وی را مولانا جلال‌الدین یوسف نقاش معرفی کرده و بعضی از آثارش از جمله، صحنه نبرد نوجوانی با ببر پرهیبتی را تشریح کرد.

همدانی، عبدالله (سدهٔ هفتم و هشتم هجری قمری)، مذهب و خوشنویس. از اهالی همدان بود و در تذهیب و طلاکاری و کتابت خطوط مختلف از قبیل ریحان و ثلث و نسخ مهارت داشت. از آثار ارزنده‌ی وی، کتابت و تذهیب شش جزو از قرآن مجید است که جهت دارالخیرات و رشیدی‌های همدان کتابت شده، با رقم: «کتابه و ذهبه... عبدالله بن محمد بن محمود الهمدانی فی شهر سنه ۷۱۳... بدار الخیرات الرشید»

همدانی، علیقلی (سدهٔ سیزدهم)، نقاش و مذهب. اهل همدان و نقاش گل و مرغ دوره‌ی ناصری و مظفری از پیروان مکتب ابوطالب مدرس بود که در تصویر و شبیه‌سازی نیز دست داشت و در جانورسازی و نقش ساختمان‌ها ماهر بود. از آثار او، قلمدان گل و مرغی زیبایی است که در رویه آن تصویر یکی از رجال قاجاری که گویا سفارش‌دهنده‌ی قلمدان بوده نقش بسته است و رقم «علیقلی همدانی»

هوایی مشهدی (سده نهم هجری قمری) - نقاش، خوشنویس، مذهب و شاعر. بعضی منابع وی را برادر و بعضی دیگر او را از مصاحبان مشرقی مشهدی می‌دانند. هوایی در نقاشی کاشی دست داشت و در تذهیب و خوشنویسی نیز ماهر بود. گفته‌اند که به خط خویش، «دیوان» خود را می‌نوشته و پس از تذهیب می‌فروخته است. وی در هرات از دنیا رفت و در خواجه چهل گزی دفن شد. از آثارش: «دیوان» شعر. .

والی، علی اشرف (تولد: ۱۲۹۹ شمسی)، نقاش، مذهب و خوشنویس. در کرج به دنیا آمد. پس از اتمام تحصیلات ابتدایی و متوسطه، وارد دانشکده‌ی هنرهای زیبا شد و از محضر استادانی چون: علی محمد حیدریان، رفیع حالتی، ابوالحسن صدیقی و اسماعیل آشتیانی بهره جست. او در به کار گرفتن طرح‌ها و رنگ‌های مختلف، استادی تمام عیار است آثار وی در ۱۳۴۲ شمسی به نمایش گذاشته شد.

وراق غزنوی، ابوعمرو عثمان (سده پنجم هجری قمری)، مذهب و خوشنویس. وی مذهب نادره‌کار عصر خویش بود که در خط و کتابت نیز دست پر قدرت و استواری داشت. تنها اثر رقم‌دار وی، تذهیب و کتابت سی جزو قرآن مجید است که در کمال شیوایی تذهیب شده و در آغاز هر جزو و سر سوره‌ها، صفحات تمام تذهیب و ترصیع در مقابل هم قرار گرفته است. اسامی سور و بسمله، به خطوط و شیوه‌ی معروف زمان.

کاوس (تا سال ۱۰۶۹ هجری قمری می‌زیسته) - نقاش، مذهب و خوشنویس. از آثار وی: دو کتیبه در مسجد جامع قزوین، به قلم سه دانگ کتیبه‌ی متوسط، با رقم‌های: «بتوفیق... ابوالمظفر شاه عباس الحسینی الموسوی الصفوی... مطابق سنه‌ی تسع و ستین و الف من الهجرة... کتبه العبد کاوس نقاش» و «کتبه الفقیر کاوس مصور

کرمشاه تبریزی (سده هفتم هجری قمری) - خوشنویس و مذهب. وی در حل کاری و تحریر خطوط و تذهیب گوناگون استاد بود. از آثار وی: قرآن بزرگ و نفیسی که سر سوره‌ها با نقوش اسلیمی تذهیب شده و نام سوره‌ها به خط محقق کتابت گشته است، با رقم: «ذهبه کتبه کرمشاه تبریزی». ...

یسائی، شاجانیان - یسائی شاجانیان از استادان هنر تذهیب بود و این رشته را در هنرستان نقاشی اصفهان و دانشگاه پردیس تدریس می‌کرد. وی در سال ۱۳۶۶ شمسی دار فانی را وداع گفت.

منابع و مأخذ:

- ۱- آشنایی با مینیاتورهای ایران، آرتور پوپ، ترجمه حسین نیر، انتشارات بهار، چاپ اول، ۱۳۶۹.
 - ۲- *اطلس خط*، حبیب‌الله فضائلی، انتشارات مشعل، اصفهان، چاپ دوم، ۱۳۶۱.
 - ۳- الفهرست، محمدبن اسحاق بن الندیم، انتشارات اساطیر، چاپ اول، ۱۳۸۱.
 - ۴- *پیدایش خط و خطاطان*، عبدالمحمد خان ایرانی، انتشارات ابن سینا، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۴.
 - ۵- *تاریخ تمدن*، ج ۱ (مشرق زمین گاهواره تمدن)، ویل دورانت، مترجمان: احمد آرام، محمد پاشایی، امیرحسین آریان‌پور، انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۷۶.
 - ۶- *تاریخ خط و خوشنویسی*، علی اصغر مقتدائی، انتشارات آرادکتاب، چاپ اول، ۱۳۹۰.
 - ۷- *تاریخچه کتابت*، نوشین دخت نفیسی، انتشارات پیام نور، تهران، ۱۳۸۲.
 - ۸- *تاریخ قرآن*، محمود رامیار، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۲.
 - ۹- *شیوه تذهیب*، اردشیر مجرد تاکستانی، انتشارات سروش، چاپ اول، ۱۳۷۲.
 - ۱۰- *فرهنگ فارسی معین*، محمد معین، انتشارات امیرکبیر، تهران، چاپ پنجم، ۱۳۶۲.
 - ۱۱- *گلچینی از قرآن‌های خطی موزه دوران اسلامی*، انتشارات موزه ملی ایران، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۵.
 - ۱۲- *گلستان خیال*، گردآوری، فاطمه کریمی، انتشارات سازمان میراث فرهنگی کشور، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۷.
 - ۱۳- *گنج نور*، محمدعلی داودی پور، انتشارات سروش، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۶.
 - ۱۴- *مناقب هنروران*، مصطفی عالی افندی، ترجمه توفیق هـ سبحانی، (تألیف ۹۹۹ هـ.ق.، ترکیه)، انتشارات سروش، تهران، چاپ اول، ۱۳۶۹.
- منابع دیگر: قرآن بایسنغری، قرآن نی‌ریزی، قرآن زین‌العابدین قزوینی، مناجات حضرت امیر (ع)، صدکلمه حضرت امیرالمؤمنین (ع)، شاهنامه بایسنغری، پنج گنج نظامی، دیوان حافظ، مرقع گلشن و مرقعات خوشنویسی.